

مرده ده آن زندگان مرا که سخن ها گوش فرامیدهند و از بهترین آنها پیروی میکنند

انقلاب اسلامی

هجرت

شماره ۷۰۰ از ۳ تا ۱۶ تیر ۱۳۸۷

جنگ مغلوبه؟

- ◀ افشاگرهای متقابل و ترس از جنبش همگانی جهت دار : ص ۴
- ◀ افزایش ۴۵ درصد بر بودجه های نظامی - به روز شدن تهدید ایران به جنگ - نزاع بر سر عراق: ص ۸
- ◀ ایران همکاری نمی کند؟ - اروپا پشتیبان امریکا؟ - تحریم معامله با بانکهای ایران - توقیف دارائی ها و... : ص ۷
- ◀ جنگ مافیایا بر سر قدرت در شیراز : ص ۱۰
- ◀ سیاست تشدید فقر و هزینه کردن درآمدهای کشور در خارج: ص ۱۱
- ◀ چرا قیمت نفت بالا می رود؟ - ۸۰ میلیارد دلار واردات؟! - ۱۲ میلیون تن واردات گندم و... : ص ۱۲
- ◀ سرکوب جنبشهای اعتراضی دانشجویان و کارگران و زنان و دیگر شهروندان : ص ۱۳

انقلاب اسلامی : در فصل اول، گزارشهای مهمی را می یابید که برخی از آنها منتشر نشده اند و از درون رژیم تحصیل شده اند. این گزارشها و نیز خبرها گویای جنگ مغلوبه در درون رژیم هستند .

در فصل دوم، از افزایش بی حساب هزینه های نظامی جهان و نیز از موضعگیری ها و توصیف و تحلیل ها در باره تدارک حمله نظامی به ایران، توسط حکومتهای بوش و اولمرت آگاه می شوید.

در فصل سوم، خبرها و نظرها در باره بحران اتمی ایران، سفر سولانا در رأس هیأتی به ایران و بسته پیشنهادی کشورهای ۱+۵ را می یابید . چون همیشه، میان آنها رابطه ای که هست جستجو شده است. به ترتیبی که وضعیت را همان سان که هست گزارش کند. در فصل چهارم گزارشی از ایران را می خوانید در باره انفجار شیراز و ربط آن با افشا شدن مافیایا .

در فصل پنجم گزارش دیگری را می خوانید که از ایران دریافت شده است و شرح می دهد سیاست تشدید فقر در درون و هزینه درآمدهای کشور در خارج . در فصل ششم داده های اقتصادی گویای وضعیت اقتصادی کشور را می آوریم.

در فصل هفتم خبرهای تجاوزها به حقوق انسان را از نظر خوانندگان می گذرانیم:

در صفحه ۴

قرآن در اندیشه موازنه عدمی - ۷
پرسشها از حسن رضائی و پاسخها از ابوالحسن بنی صدر

آیا پیامبری در بند زمان و مکان و زبان و قومیت و فرهنگ خاصی است؟

پرسش سوم از این قرار است: آیا اگر پیامبر اسلام در زمان و مکان دیگری که در زبان و قومیت و فرهنگ و سطح دانش و تکنولوژی با جامعه حجاز عصر نبوت تفاوت اساسی می داشت (مثلا در یونان یا ایران) می زیست و یا عمر او کوتاه تر یا بلندتر می شد آیا باز هم همین قرآن فعلی، به همین شکل و مضمون، پدید می آمد؟ و آیا احکام و الفاظ آن همین گونه بود که الان هست؟

پرسش خود فاش می گوید که به پیامبری از چه زاویه ای تگر بسته شده است: این بار زمان و مکان بعثت و قومیت و فرهنگ (در برگیرنده دانش و فن) «محور فعال» انگاشته شده و پیامبری «محور فعل پذیر». به سخن دیگر، پرسش ترجمان ثنویت تک محوری و فرآورده عقل توجیه گری است که به روش منطقی صوری، خود را از دیدن واقعتهای بسیار محروم کرده و حتا اثر زمان و مکان و ... را بر پیامبری وارونه دیده است. اما توضیح بیشتر این که:

تعریف پیامبری حاصل تجربه پیامبری هاست:

۱. بنا بر رسالت پیامبری که خواندن انسان به خویشتن شناسی و آزادی، و حقوق جستن به خدا و بشارت و هشدار و انداز هستند، و باز بنا بر وظیفه پیامبری که پیشنهاد بیان آزادی برای بنای جامعه ای آزاد و رشد یاب است - یعنی هم پیش بینی تحقق جامعه آرمانی در آن جهان و هم تلاش برای بنای جامعه ای نزدیک به آن الگو در این جهان - می توان گفت پیامبری از جمله رها کردن انسان از قید و بند زمان و مکان، و هستی را فراخانی اندیشه و عمل او گرداندن، تعریف شدنی است. در فلسفه نیز، پیامبری آینده سنجی و آینده بینی است. چنانکه به دنبال هگل و دیالکتیکش که سیوروت از آغاز تا پایان را پیش بینی می کند، دوران دوران «پیامبری سکولار» شد؛ پیامبرانی همچون مارکس که جامعه آرمانی را نوید می داد؛ و ماکس وبر و در پی او، پیروان فلسفه پوزیتیویسم که پایان دوران دین باوری و دوران تنظیم رابطه ها از سوی دین و فن را پیش بینی می کردند و...

همچنین از جنگ دوم جهانی بدین سو، انواع دیگری از پیامبری در غرب اندیشیده شده اند: نخست، جامعه شناسی نحله شیکاگو از پیامبری سخن به میان آورد که «خود به خویشتن تحقق می بخشد» و یا خود خویشتن را ویران می سازد (۱). بانی این نظر ویلیام ایزاک توماس و پروراندنده آن، روبرت مرتون بود. او پیامبری را این گونه تعریف می کند: «در آغاز، توصیف و تشریح نادرست یک وضعیت موجب پیدایش رفتار جدیدی می شود که به پیش بینی نادرست، واقعیت می بخشد». این نوع ارزیابی ها و پیش بینی های نادرست که انسانها را به خدمت واقعیت بخشیدن به آنها، در می آورند، فراوانند. بدون این که همواره آن پیش بینی تحقق پذیرد. بسا می شود که وارونه آن تحقق می یابد. برای مثال، این ارزیابی که دولت امریکا با انقلاب ایران دشمن است (ماجرای رفتن شاه به امریکا) و در کار توطئه بر ضد انقلاب به قصد بازگرداندن رژیم پهلوی است، در ایران و امریکا، رفتاری را برانگیخت که به دشمنی واقعیت بخشید و امریکا را محور سیاست داخلی و خارجی رژیم گرداند. از آن پس، فراوان پیامبری ها، همه آینده سنج و آینده بین و آینده ساز ظهور کردند. هم اکنون، رایج ترین پیامبری ها، پیامبری ای است که نسبت به پایان زندگی بر اثر آلودگی محیط زیست و یا بکار رفتن سلاح اتمی، هشدار می دهد. بدین قرار، هم بنا بر دینها و هم بنا بر فلسفه و رشته های مختلف علوم اجتماعی، پیامبری کوششی است برای رها کردن از پابندی انسان به گذشته، چنانکه او بتواند حال و آینده و جا و موقعیت خویش را بشناسد و پندار و گفتار و کردار خود را عقلانی کند. این تعریف البته حاصل جمع تجربه پیامبران است: کار تمامی پیامبران رها کردن انسانها از باورها و عرف و عاداتی بوده است که آنها را پابند گذشته و نظام اجتماعی بسته نگاه و از رشد بازشان می داشته است (۲).

د. صفحه ۲

محمد جعفری
امور خارج از محدوده رسالت و پیامبری
در قرآن - ۷

وقتی هیچکدام از امامان خود، مدعی نبوده اند که از طرف خداوند، رهبری سیاسی و اداره امور مردم به آنها واگذار شده است. امام چگونه چیزی را که خود نداشته و مدعی داشتن آن هم نبوده اند به موجب دو حدیث - که در مخالفت صریح با آیات متعددی از قرآن است - که آن هم هیچ دلالتی بر حکومت و کشور داری نمی کند، به ولی فقیه سپرده است؟ وقتی که نه تنها هیچ یک از امامان بلکه پیامبر عظیم الشان نیز مدعی نبوده اند که حکومت و زمامداری سیاسی جزء ماموریت ماست، پس چرا پیامبر تشکیل حکومت داده و یا حضرت علی خلیفه مسلمین شده است؟ آیا این تشکیل حکومت جزئی از نبوت و امامت نبوده است؟ بر اساس قرآن و روش پیامبر و امامان پاسخ این سؤال منفی است.

در صفحه ۱۴

میزان
روحانیت
یک فرقه تمام عیار

کعب الاحبار یا کعب الحبر یک عالم یهودی بود که در زمان عمر(ز) خلیفه دوم مسلمین اسلام آورد. به دلیل آگاهی هائی که از فقه یهود داشت به زودی جذب دستگاه خلافت شد و به شرح و بسط دین نو بنیاد اسلام پرداخت و درمنبر به ارشاد مسلمانان مشغول شد. البته قبل از او مسلمانانی عالم به اصول و فروع اسلام مانند علی ع هم بودند، اما کلام آنان آلام بخش دل عوام و درمسیر زراندوزان وبه صلاح حکومت کردن خود گامانه نبود.

کلامشان حق بود، به این دلیل به مذاق مردمی که از حقوق خویش غافل بودند خوش نمی آمد. درچنین شرایطی بود که جناح خودکامه باعوام فرییبی و دسیسه توانست آنها را به حاشیه براند و حکومت کند.

در صفحه ۱۴

ج پاکزاد
راه مصدق از شعار تا عمل
چه کسانی از خدشه دار کردن چهره شخصیت های ملی سود میبرند؟

نظام مافیایی ولایت مطلقه فقیه با استبداد فساد گسترش از اداره امور وامانده و کشور را با خطرات جدی مواجه کرده است. امروز با گسترش جنبش های اعتراضی کارگران، فرهنگیان، زنان و جوانان، نیاز به فکر راهنما محسوس است. از این رو است که بخصوص نزد قشر دانشجو، فکر راهنمای جنبش های صد ساله اخیر ایران یعنی استقلال و آزادی در حال تبدیل شدن به فکر محوری اعتراضات است.

در صفحه ۱۵



اما این تعریف هنوز رسا نیست. چرا که انسان هرگاه آزادی خویش را باز یابد و به عنوان مجموعه ای از استعدادها فعال شود، خلاقانه می‌کوشد زمان و مکان را خود برگزیند، زمان و مکانی که در سپهر هستی بی‌کران می‌گنجد، زمان بی‌آغاز و بی‌پایان. پیامبری فراخواندن انسانها به فعال شدنی است که هر فعل آدمی گزارشگر خلاقیت آزاد او در پهنه هستی و زمان بی‌پایان باشد.

از این روست که پیامبری ابلاغ پیام است؛ بیان آزادی. و هشدار است؛ بدر آوردن انسانها از غفلتها، غفلت از آزادی و حقوق و کرامت خویش، غفلت از مجموعه استعدادها بی‌که خود انسان است. و انذار است؛ خاطر نشان کردن خطرات ماندن در غفلتها و پای بستن به گذشته و موقعیت اجتماعی بر محور قدرت، و بنا بر این توجه دادن به مهاجرت برای بیرون رفتن از سلطه طاغوت و مبارزه برای رهایی جامعه از استبداد طاغوتیان (۳).

۲. در پاسخها به پرسشهای اول و دوم در نوبتهای پیشین، دانستیم که قطع رابطه با هستی هوشمند و خلاق و...، درجا رابطه بر قرارکردن با خدای مجازی است که قدرت است. از راه فایده، یادآور می‌شود که هر متعینی به ضرورت پدیده است و رابطه انسان با متعین و حتی با نامتعینی که با عقل خود می‌سازد، رابطه قوا است. جز این نیز نمی‌تواند باشد. چرا که در هستی متعین، محدود کننده ای جز قدرت (= زور) وجود ندارد. این زور را نیز انسانها با جهت ویرانگری دادن به نیرو بوجود می‌آورند. از این روست که انکار خدا، درجا تصدیق قدرت جبار است.

همگان را به تجربه هائی می‌خوانم که ساده اند و هرکس می‌تواند انجام دهد:

● فرض کنید که خدا نیست و هستی همین هستی مادی است. با این پیش فرض، عقل شما، دو «واقعیت» را می‌بیند: یکی خود شما و دیگری هستی مادی. این دو را هم در رابطه با یکدیگر می‌بیند. حال این رابطه را که عقل شما می‌بیند، تعریف کنید. در این وقت است که شما در می‌یابید سه حالت بیش وجود ندارد: یا باید تعریفی را برگزینید که به شما موقعیت تابع این هستی را می‌دهد، یا تعریفی را انتخاب کنید که این هستی را تابع شما می‌کند، و یا به تعریفی روی آورید که شما و این هستی را متقابلاً تابع و متبوع یکدیگر می‌گرداند. حال در این سه تعریف، تأمل کنید تا ببینید چگونه به جبر قائل شده اید و پذیرفته اید که جباریت تنظیم کننده رابطه شما با هستی مادی بگردد.

● در رابطه های خود با یکدیگر و با محیط زیست تأمل کنید: رابطه هائی که برقراریشان را با تخریب شروع می‌کنید و نیروئی را که می‌برند مشخص کنید. زمان و محیط اجتماعی و نیز مکان طبیعی آنها را نیز معین کنید. روشن است که این رابطه ها را قدرت (= زور) تنظیم می‌کند. حال، رابطه هائی را که برقراریشان را با تخریب شروع نمی‌کنید و در طول زمان، هیچگاه زور محل عمل پیدا نمی‌کند، مشخص کنید. مشاهده می‌کنید بهمان نسبت که میزان تخریب به صفر میل می‌کند، میزان زور بکار رفته نیز به صفر میل می‌کند. حال می‌پرسیم: میان زمان و مکان این دو نوع رابطه چه تفاوتی وجود دارد؟

آیا پیامبری در بند زمان و مکان و زبان و قومیت و فرهنگ خاصی است؟

● رابطه های خالی از زور به رها شدن از بند زمان و مکان (طبیعی و اجتماعی) تحقق می‌یابد. زیرا علاوه بر این که نیروهای محرکه هر انسان نیاز به فضای باز برای فعال شدن دارند و رشد انسان حاصل این فعال شدن است، نظام اجتماعی ای که از روابط قوا پدید آمده باشد، با این گونه رابطه ها سازگاری ندارد. بنا براین، هر رابطه خالی از زوری، بعثتی با هدف باز و تحول پذیر کردن نظام اجتماعی است.

می‌بینید که تجربه ما را از واقعیت بسیار مهم و تعیین کننده ای آگاه می‌کند:

- رابطه های قوا با تخریب بخشی از نیروهای محرکه برقرار می‌شوند و برقرار می‌مانند. از این رو، هر اندازه میزان زور موجود در رابطه های قوا بیشتر، میزان تخریب نیروهای محرکه افزون تر. در نتیجه،

- هرگاه در جامعه ای، میزان رابطه های قوا از میزان رابطه های خالی از زور بیشتر باشد، به همان میزان تخریب نیروهای محرکه بیشتر می‌شود. بدین تخریب، نظام اجتماعی بسته تر و تحول ناپذیر تر می‌شود. از ویژگی های نظام اجتماعی بسته کاهش تولید نیروهای محرکه و بنا بر این، کاهش رشد است. هرگاه رشد میل به صفر کند، جامعه در معرض انحلال قرار می‌گیرد. جامعه هائی که منحل شدند، گرفتار این روند شدند. امپراطوریهای که منحل شده اند این روند را در پیش گرفتند و امپراطوری ای که در حال انحلال است (امپراطوری امریکا)، همین گونه است.

- این واقعیت که جامعه جهانی برجاست، بنفسه، گویای اینست که همچنان میزان رابطه های نوع دوم از رابطه های نوع اول بیشتر و بخشی از نیروهای محرکه در رشد بکار می‌افتند. هرگاه جامعه جهانی بر افزایش میزان تخریب محیط زیست و تخریب انسان و دیگر نیروهای محرکه که تنها انسان می‌تواند در رشد خود بکارشان برد، وجدان شفاف بگوید و بر آن شود جامعه جهانی را از روابط مسلط - زیر سلطه و ناچیز کردن رشد در تخریب نیروهای محرکه با هدف افزودن بر قدرت اقتصادی و نظامی و... برهاند، جهان عصر آزادی و رشد در آزادی را به خود خواهد دید.

۴. بدین قرار، پیامبری محمد (ص) فراخواندن تمام بشریت به بعثت دائمی است. بعثتی که هر انسان و جمهور انسانها با بازیافتن فطرت خویش و با بازجستن استقلال و آزادی قوه رهبری آغاز می‌کنند و با رشد در آزادی و استقلال ادامه می‌دهند. بدین سان، پیامبری کتاب راهنمای آزادی است که هر انسانی راهنمای شرکت خویش در بعثت دائمی می‌کند. خاتمیت پیامبری و آغاز بعثت دائمی، با شرکت تمامی انسانهای برخوردار از حقوق ذاتی و فعال کنندگان استعدادهای خویش است. آیا کتاب دینی دیگری نیز وجود دارد که نخبه گرانی را نفی کرده باشد و به انسان هشدار داده باشد هرکس خود خویش را رهبری می‌کند؟ آیا کتاب دیگری نیز هست که انسان ها، همه انسان ها را به حقوق ذاتی خویش خوانده باشد و آنها را به

خود و یا دوست خود). استقلال و آزادی عقل آدمی، همزاد و همراه هستند. در کتاب عقل آزاد، وجدان دائمی عقل به استقلال و آزادی خویش و روشهایی را که هرگاه بکار برد، نگاه خلق اندیشه، از استقلال و آزادی به کمال برخوردار می‌شود را تشریح کرده ام. در این جا، تنها یادآور می‌شوم که؛

- دو تجربه مذکور، هر تجربه گری را به همان اصول راهنمای بیان آزادی باز می‌برد. اصولی که در خود تناقض و با یکدیگر تضاد (ویژگی دیگری از ویژگی های حق) ندارند.

- ما انسان ها هر دو نوع رابطه را بر قرار می‌کنیم. در رابطه های قوا نیز از اصول راهنمای بیان قدرت پیروی می‌کنیم. اگر در آنها تأمل کنیم (به همان روش که اصول راهنمای لیبرالیسم و مارکسیسم-لنینیسم نقد شدند) هر اصل را متناقض و با یکدیگر در ناسازگاری و بسا تضاد می‌یابیم.

- نتیجه این که از میان رابطه های خالی از زور، یک رابطه می‌تواند بطور کامل از زور خالی باشد به ترتیبی که استعداد رهبری آدمی تمامی استقلال و آزادی خود را بدست آورد: رابطه انسان با خدا. چرا که او، هستی هوشمند و علیم و کریم و... هدایت خویش را به همگان ارزانی کرده است (ع) و هرگاه انسان بر فطرت آزاد خویش باشد و خدا را قدرت (= زور) نیندازد، رابطه با خدا یکسره از زور خالی، محبت و دوستی محض می‌شود و انسان مقام خلیفه الهی را باز می‌یابد و در بعثتی دائمی خواهد زیست و استعداد رهبری او، استقلال و آزادی خویش را به طور کامل باز می‌یابد.

- بدین قرار، تجربه گر و دوست او هر گاه رابطه با یکدیگر را ترجمان رابطه با خدا کنند، میان آنها این رابطه برقرار می‌شود: تجربه گر ← خدا → دوست او. در این رابطه، هر دو در راست راه رشد، بسوی علم محض، کرامت محض، حق محض، آزادی و استقلال محض و... رشد کنان آزاد می‌شوند و دوستی خویش را به کمال می‌رسانند.

۳. هنوز می‌باید در تجربه تأمل کنیم: ● رابطه های قوا، به ضرورت پایبند زمان و مکان (طبیعی و اجتماعی) خویش (گذشته و حال) هستند. زیرا شرایط زمانی و مکانی ایجاد کننده چنین رابطه هایی هستند. بدیهی است برقرار کنندگان رابطه ها، هدفی دارند که باید محقق شود. بنا بر این، آینده نیز در برقرار شدن آنها نقش می‌یابد. البته با این تفاوت که از این نظر که برقرار کنندگان رابطه ها در پی بهتر کردن موقعیت خویش در تعادل قوا هستند، از لحاظ رابطه قوا، آینده تکرار گذشته می‌شود. چنانکه در جریان تاریخ، گروه بندیهای هر جامعه، در رابطه قوا، موقعیت از دست می‌دهند و یا موقعیت بدست می‌آورند اما نظام طبقاتی برجا می‌ماند. کسی از فقر به غنا می‌رسد و دیگری از غنا به فقر می‌افتد اما روابط قوائی که فقیر و غنی می‌سازند، برجا می‌مانند و همواره ثروت ها نزد اقلیت کوچک متمرکز و متکثر می‌شود و اکثریت بزرگ در بند فقر می‌ماند.

در حقیقت، این تجربه را هرکس انجام دهد و به این پرسش برسد، تفاوت دو نوع رابطه، بنا بر این، دونوع کردار و تفاوت دو زمان و مکان، را در می‌یابد و دیگر تا بتواند از آزادی خویش غافل نمی‌شود. توضیح این که رابطه خالی از تخریب، رابطه خالی از زور است. در این رابطه انسان با دیگری توحید می‌جوید. با محیط زیست رابطه آباد کننده و آباد شونده برقرار می‌کند. اگر بر رابطه های نوع اول (ویرانگر) مهر گذشته می‌زند و در فراموش کردنشان می‌کوشد، رابطه های نوع دوم را، آگاه یا نا خود آگاه، همه زمانی و همه مکانی می‌انگارد. ویژگی عمل به حق همین است.

این ویژگی را وقتی نیک در می‌یابید که موضوع رابطه، علم باشد. در حقیقت، کسی که علمی را می‌جوید آن را قطعی و بنا بر این، جهان شمول گمان می‌برد. اما هرگاه توقف را بر خود جایز نشمارد و به خالی کردن علم خویش از آنچه ظن و گمان می‌انگارد ادامه دهد، بهمان نسبت که معرفت او به علم قطعی نزدیک تر می‌شود، جهان شمول تر می‌گردد. تجربه به او می‌گوید: علم قطعی، از ظن و گمان یکسره خالی (ویژگی دیگر حق) و همه مکانی و همه زمانی است.

آیا رابطه خالی از زور (= حق با حق) نیاز به وجود رابطه انسان با خدا دارد؟ آیا تجربه ای که می‌کنید وقتی موفق است که شما از راه خدا رابطه های خود را برقرار کنید؟ آن پرسش همیشگی که امروز بسا بیشتر از گذشته، پیشاروی عقل قرار می‌گیرد، این پرسش است. اما پاسخ آن چیست؟ پاسخ اینست:

(الف) انسان تجربه گر می‌داند رابطه های نوع دوم (حق با حق) را نمی‌توان بر اصل تقابل قوا یا ثنویت برقرار کرد. برای مثال، دوستی با دیگری نیازمند آنست که شما توحید را اصل راهنما کنید و بدان، از مانعها و محدودکننده های دوستی، رهایی بجوئید.

(ب) دو طرف رابطه می‌باید حقوقی را برای یکدیگر بشناسند که همگان می‌توانند از آن برخوردار باشند و رابطه را ترجمان این حقوق بدانند؛ یعنی بیان آزادی به مثابه اندیشه راهنما.

(ج) رابطه همواره می‌باید «خالی از اکراه» بماند. بدین قرار، دو طرف نیازمند «میزان» هستند که بدان، گفتار و کردار خویش را، بهنگام تصمیم و به وقت اجراء، بسنجند و اطمینان حاصل کنند قول و فعلشان خالی از زور (ویژگی دیگری از ویژگیهای حق) باشد: میزان عدل.

(د) و نیز دو طرف رابطه دوستی می‌دانند که دوستی ای که محدود به حدود اوضاع و احوال، و برای جلب منفعت و دفع زیان باشد، رابطه قواست، دوستی نیست. دوستی نیاز به زمان پایدار دارد و هدفی جز رشد نمی‌تواند داشته باشد. زیرا این تنها هدفی است که نیاز به زور ندارد بلکه می‌باید زور در میان نباشد تا رشد در دوستی میسر شود.

(ه) استعداد رهبری در دو طرف رابطه دوستی، می‌باید تبلور چهار اصل بالا، بنا بر این، مستقل و آزاد باشد. به سخن دیگر، تابع منیت من و منیت دوستم نباشد (اصل اظهار حق ولو به زیان

آزاد شدن رشد کنان (ه) و صبر به خدا، به بعثت دائمی خوانده باشد؟ جهان را مسخر انسان خوانده و او را تنها موجودی نامیده باشد که امانت خداوندی را پذیرفت؟ آن روز که محمد(ص) در «شوره زار زندگی»، به تعبیر علی (ع)، به پیامبری مبعوث شد، دوران نظام قبیله ای و عشائری بود. اما آیا در جامعه امروز، هنوز جامعه ای را می‌توان سراغ کرد که، در آن، استعداد قوه رهبری در هر کس از استقلال و آزادی برخوردار باشد و هر فرد خود خویش را رهبری کند؟ اگر نیست، که نیست، عقلهای خود را آزاد کنیم تا پیامبر را ببینیم که پیشاروی ما است و برای ما انسان ها کلام حق را فرمود: هدایت کسی دست تو نیست، اگر هم بخواهی نمی‌توانی کسی را هدایت کنی، هرکس خود خویش را رهبری می‌کند، پس برای زندگی که رشد در آزادی است بر خیز و به بعثت دائمی روی آر!

موقعیت جهانی در خور برای ابلاغ بیان آزادی:

این پرسش که اگر پیامبر نه در جامعه حجاز عصر نبوت بلکه در جوامعی چون یونان یا ایران می‌زیست، کتاب او تغییر می‌کرد، محصول یک عقل توجیه گر است: پیش فرض این عقل این است که جامعه عربستان روزگار بعثت پیامبر (ص) جامعه بدوی بوده، بوئی از تمدن نبرده و خبری از حوزه های تمدن های ایران و روم نیز نداشت. و از این رو قرآن برای تغییر مناسبات اجتماعی و بهتر کردن زندگی عرب آن روزگار، کارآئی داشت. ولی هرگاه پیامبر در یکی از دو حوزه تمدن ایران یا روم، به پیامبری مبعوث می‌شد، قرآن محتوایی دیگر می‌یافت. بدیهی است این عقل توجیه گر، از واقعیتهای بسیار غافل مانده است و بر آنها پرده غفلت می‌کشد:

۱. بهنگام بعثت پیامبر، در حوزه تمدن ایران، زردشت (ع) پیامبر و دین زردشتی دین رسمی بود. در حوزه تمدن روم، دین مسیحی دین همگان و در اذهان مردم، عیسی (ع) بالاتر از نبوت، پسر خدا بود و کلیسا، تجسم تثلیث (پدر و پسر و روح القدس). در هر دو حوزه، دین یهود نیز پیروانی داشت و موسی (ع) پیامبر آنها بود.

۲. قرآن در سوره روم، با صراحت و دقت بی‌مانند سقوط هر دو امپراطوری را پیش بینی و زمان آن را نیز معین می‌کند. در حقیقت، بنا بر قاعده ای که در بالا توضیح داده شد، در هر دو حوزه، میزان تخریب نیروهای محرکه بر میزان بکار رفتنشان در رشد، فزونی گرفته بود. نظامهای اجتماعی بسته اجازه عبور از مرزهای طبقاتی را به کسی نمی‌داد. بنا بر فتوای ارسطو، نخبه ها انسان، و «عوام» و زنان، دون انسان و گاه در شمار چهارپایان بودند. دین ها در بیان های قدرت از خود بیگانه شده و توجیه گر روابط قدرتی سخت ویرانگر و فرساینده گشته بودند.

۳. پیامبران، از جامعه های زیر سلطه برانگیخته شده بودند:

- ابراهیم در سرزمین سومر، در سرزمینی برانگیخته شد که قدیمی ترین مردم سالاری ها را به خود دیده بود (۷) و در خطی قرار داشت که از شمال هند تا مدینه ممتد بود. جامعه



هائی که بر این خط تشکیل شده بودند، نظام اجتماعی-سیاسی مردم سالار می داشتند. بعثت ابراهیم (ع) یعنی برای باز سازی مردم سالاری از دست رفته بر اصول راهنمای بیان آزادی بود.

زردشت، بنا بر روایتی، در میان جامعه یهودیان تبعید شده به بابل برمی خیزد (۸) و هدف از بعثت او بازگردان آئین موسی (ع) به بیان نخستین می باشد. تولد و بعثت او در فاصله ۱۵۰۰ تا ۸۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، یعنی زمانی است (۹) که هنوز اقوام ایرانی متحد نشده بودند و دولت ماد تشکیل شده بود و این اقوام زیر سلطه بابل بودند. پس او هم در جامعه زیر سلطه به پیامبری برانگیخته شده است.

بنا بر تورات و قرآن، موسی (ع) در جامعه بنی اسرائیل، زیر سلطه مصر دوران فرعون به پیامبری برگزیده شده است.

عیسی (ع) در سرزمین فلسطین تحت سلطه امپراطوری روم به پیامبری برگزیده شد.

محمد (ص) در «شوره زار زندگی» در مرز دو امپراطوری ایران و روم مبعوث شد.

قرآن بر اینست که اصول راهنمای کتابهای پیامبران پیشین همان اصول راهنمای قرآن است (۱۰) و در اوستا آمده است که اصول راهنما همان ۵ اصل بوده اند (۱۱).

قرآن گرفتن در مرز دو ابر قدرت زمان، آنهم «در شوره زار زندگی» به قول علی (ع)، پیامبری را بسی مشکل می کند چرا که بیان آزادی را محک دینهای از خود بیگانه در بیان قدرت باید می کرد. هر دو ابر قدرت و ارباب دینها دشمن دین جدید و شخص پیام آور آن بودند. در برابر این شرایط چه روشی می باید برگزید؟ قرآن روشی بر اصل موازنه عدمی می آموزد که اگرچه ما ایرانیان در دوران انقلاب خویش بکار بردیم، با کمال تأسف در بنای دولت جدید بکار نبردیم. درس قرآن این است: برای مقابله با یک ابر قدرت به ابر قدرت رقیب او تکیه مکن و خود را در مدار بسته رقابت دو ابر قدرت گرفتار مگردان، و آنها را به تضادی که با یکدیگر دارند باز گذار و به ابلاغ دین فطرت پرداز (۱۲). در خور یادآوری است که در نخستین سالهای دهه ۱۹۷۰ میلادی (۱۳۵۰ شمسی) که بکار تحقیق و تدریس «اقتصاد توحیدی» بودم، به قاعده ای پی بردم که در بالا تبیینش کردم. مطالعه در باره جهت تحول دو ابر قدرت آن ایام مرا به این نتیجه رساند که این دو دوران انبساط خویش را به پایان برده اند و وارد مرحله انقباض شده اند. بنا بر این، این واقعیت قابل پیش بینی شد که در سرزمین هائی که محل رویارویی این دو ابر قدرت هستند، جنبش های بی پروا رونق از زیر سلطه آغاز می گیرد. در بهار انقلاب، به استناد سوره روم، ورود دو ابر قدرت را به مرحله انحطاط و انحلال تشریح کردم. پی در پی هشدار دادم که در کار بنای جامعه ای آزاد و مستقل، با نظام اجتماعی باز، می باید از کشاندن پای این یا آن ابر قدرت به درون کشور، خودداری کرد. افسوس که بر خلاف آموزش روشن و صریح قرآن، با گروگانگیری و جنگ و سرکوب... و قرار گرفتن در مدار بسته دو ابر قدرت - حتی پس از انحلال یکی از آن دو- استبداد در میهن ما باز سازی شد. و دین نیز در بیان استبداد فراگیر از خود بیگانه گشت. با اینهمه، پیروزی انقلاب محک درستی رهنمود قرآن گشت. و

آیا پیامبری در بند زمان و مکان و زبان و قومیت و فرهنگ خاصی است؟

این رهنمود بس آموزنده تنها دست آورد بعثت در مرز دو ابر قدرت نبود: از آنجا که قدرت بدون تمرکز و تکاثر نمی تواند قائمه رابطه ها در جامعه ها شود، به ضرورت، اقلیتی را بر اکثریتی حاکم می کند. از این رو، این اکثریت بزرگ است که با آزاد شدن خویش، اقلیت را نیز از بردگی قدرت رها و آزاد می کند. بدین قرار، نه از راه اتفاق است که پیامبران، همه، در بخش زیر سلطه، برانگیخته شده اند. و نیز، این آموزه قرآن، که اراده خداوندی بر اینست که مستضعفان روی زمین وارثان و امامان بگردند (۱۳)، نیز، پیامبری به معنای پیش بینی ذهنی آینده نیست. بیان تجربه و خاطر نشان کردن این واقعیت به جامعه انسانی است که هر زمان اکثریت زیر سلطه نخواهد زیر سلطه بماند، بر می خیزد و سرنوشت خویش را در دست می گیرد. بدین سان، وقتی پیامبران پویائی رابطه سلطه گر- زیر سلطه را قطع کرده و به جای آن پویائی استقلال می گذارند، از لحاظ تحول یک جامعه، از لحاظ تحول جامعه ها و از لحاظ استقرار رابطه جامعه بر اصل موازنه عدمی، بی گمان، یکی از بزرگ ترین دست آوردهای تجربه های احیاگرانه را به نمایش می گذارند.

در جهان امروز که روابط سلطه گر - زیر سلطه، خود را در پوشش «جهانی شدن» - ولی در واقع جهانی کردن - می پوشاند و بندگان قدرت ابر سلطه ابر قدرت در حال انحلال را با استناد به «فراگرد جهانی شدن» توجیه می کنند و یا این و آن قدرت را محور سیاستهای داخلی و خارجی می گردانند، این آموزه بس گرانقدر قرآن سخت بکار اکثریت بزرگ جامعه انسانی کنونی می آید. جامعه ای که دو میلیارد تن از آنها تنها از رهگذر گران کردن بهای مواد غذایی، دارند محکوم به تحمل گرسنگی می شوند. «جهانی شدن» کنونی کارکردش این شده است که نیروهای محرکه را که در جامعه جهانی تولید می شوند به اختیار انحصاری ماوراء ملی ها و مادرشهر آنها یعنی بخش مسلط جهان درآورد. اگر انسانهای گرسنه روز افزونند دلیلی جز تخریب بخش بزرگی از این نیروهای محرکه توسط ماوراء ملی ها و بخش مسلط و نیز نظامهای اجتماعی مسلط و زیر سلطه ندارد. بدین آموزه بود که در انقلاب ایران گل بر گلوه پیروز شد و هیچ قدرت خارجی مجال حضور و دخالت نجست.

و هنوز، پیامبری که در «شوره زار زندگی» برخاست، دست آوردهای فراوان دیگری دارد که همچنان بکار انسانهای امروز و فردا می آیند:

دردین بیدار، پیامبری محمد (ص) در «شوره زار زندگی» که، در آن، انسانها یکسره تسلیم تقدیر بودند و بنتها نمادهای سلطه بی چون تقدیر قدرت بر تدبیر انسان بودند، عدالت را بمثابة تقدیم تدبیر بر تقدیر، میزان گرداند و به انسانهایی که به تقدیر خود ساخته، خویشتن را ناتوانی محض می انگاشتند، هشدار و انداز داد و آموخت که: تا تغییر نکنی تغییر نمی دهی (۱۵). هرگاه حاصل دو رهنمود، یکی از قرآن و دیگری از مارکسیسم که «تا تغییر ندهی تغییر نمی کنی» است، را به یکدیگر بسنجیم، تفاوت این دو نوع پیامبری را نیک در می یابیم:

رهنمود قرآن با رهائی از جبر قدرت و کاستن از میزان زور در رابطه همراه است. با استقلال و آزادی عقلهای فردی و جمعی همراه است. از راه خشونت زدائی است که انسانها خود و بدان رابطه های اجتماعی و بدان نظام اجتماعی را تغییر می دهند. اما رهنمود دومی قهر را مامای تاریخ می کند و به یک طبقه خاص اجتماعی، طبقه کارگر، مأموریت می دهد حکم تقدیر تحول اجتماعی را به اجرا بگذارد. آنها که منطق صوری را روش می کنند و معجزه چنین تجربه بزرگی در «شوره زار زندگی» را دلیل بر نقصان در پیامبری محمد (ص) می انگارند، چرا دو تجربه، در دو تاریخ که ۱۴ قرن میانشان فاصله است، یکی جامعه عربستان و دیگری جامعه روسی، را با یکدیگر مقایسه نمی کنند؟ البته مقایسه واقعی و نه مقایسه صوری. و نیز غرّب پرستها و عاشقان غرّب، چرا تجربه سرمایه داری لیبرال که انسان را برده تقدیر سرمایه سالاری گردانده و نیز میزان تخریب نیروهای محرکه ای را که ببار آورده با تجربه جامعه ای مقایسه نمی کنند که از اجتماعی آنچنانی که بود، به جامعه ای بدل شد که «امرشان شوری بینشان» گشت (۱۶).

مقایسه آن تجربه را با تجربه کلیسا

پیش از جنبش نوزایش و عصر روشنگری خواستیم چرا که در آن دوران تفتیش عقاید، تسلط تقدیر بر تدبیر نزدیک به مطلق بود.

۲. پیامبری، در زمانه ما، در حالی جهانیان را به بیان آزادی می خواند، که:

۱/۲ در مقیاس جهان، اندیشه های راهنمای رایج، انسانها را یکسره برده تقدیر قدرت گردانده اند. در چنین جامعه جهانی، خاستگاه پیامبر، جامعه ایست که ساختهای اجتماعی در آن سست هستند به گونه ای که نه توان تخریب تمامی نیروهای محرکه را دارند و نه می توانند این نیروها را در سازندگی و رشد فعال کنند. این نیروها، اندیشه راهنمایی را می طلبند که، بدان، با تغییر رابطه از نوع اول (رابطه های قوا) به نوع دوم (رابطه های خالی از زور)، ساختهای جامعه را دیگرگون سازند. اگر امروز نیز، سخن از آن به میان است که اندیشه راهنمایی برای جهان امروز می تواند در کشوری چون ایران بیابد، هم بلحاظ موقعیت جهانی ایران است و هم بخاطر اینست که انقلاب ایران مسلم کرد نیروهای محرکه این جامعه، وقتی بیان آزادی به آنها سمت و سو می دهد، می تواند ساختهای جامعه را دیگرگون سازد و نظام اجتماعی را باز و تحول پذیر بگرداند.

۲/۲ ادامه حیات یک جامعه نیز بستگی قطعی پیدا کند به تغییر رابطه های نوع اول به رابطه های نوع دوم تا آنجا که جامعه بدین واقعیت وجدان جمعی پیدا کند. تأمل در تحوهای جامعه ها از انقلاب ایران بدین سو، بر اهل خرد معلوم می کند که در جامعه های تحول جسته، هم ادامه حیات ملی نیازمند تغییر رابطه های نوع اول به رابطه های نوع دوم بوده است و هم به این واقعیت، وجدان جمعی بوجود آمده است.

۳/۲ پیامبری بمثابة ابلاغ اندیشه راهنمای جدید، می باید واجد ویژگیهای زیر باشد:

• پیامها بیانی باشند برای آزادی، با سامانه ای از اصول راهنما و ویژگیها و روشها و هدف که هیچ یک هم مسکوت نمانده باشند، به شرحی که در پاسخ به پرسش اول داده شد.

• زبان پیام می باید شفاف و سراسر باشد. چنان روشن و سراسر باشد که قابلیت درآمدن به زبان دیگر را، بی آتکه شفافیت و سراسری را از دست دهد، داشته باشد.

• در همان حال که هویت هر انسان و هر جمع انسانی را تصدیق می کند (۱۷)، اصول راهنما و روشهای رهائی از رابطه سلطه گر - زیر سلطه را پیشنهاد و زندگی جامعه های انسانی را در استقلال و آزادی و بر خورداری از حق صلح، میسر گرداند.

• در «شوره زار زندگی» دختران را زنده بگور می کردند اما در حوزه های فرهنگی دو ابر قدرت ایران و روم، در یک جا، زن به ارت برده می شد و در همه جا، در پیروی از آرای ارسطو، دون انسان و فاقد روح خدائی و لشکر شیطان و... بود (۱۸). و روشن بود و همچنان روشن است که رشد پذیر شدن هر جامعه در گرو منزلت جوئی زن و یکسانی او با مرد در خلقت

و حقوق انسانی است. این شد که بر اثر پیامبری محمد (ص)، زن کوثر و صاحب فضلا گشت (۱۹).

• اختلاف نظر و باور در سطح یک جامعه و در روابط جامعه ها با یکدیگر را حق بشناسد و تجاوز به این حق را بیهیج رو اجازه ندهد (۲۰).

• بنابراین، در همان حال دفاع در برابر تجاوز را حق هر کس و هر جامعه می شناسد، جنگ تعرضی را مجاز نشمارد و عملی شیطانی بشناسد (۲۱).

• از راه فایده تکرار، یادآور می شود که بیان آزادی می باید حقوق انسان و حقوق هر جامعه را در برداشته باشد و اصول راهنما و روشهای لازم برای تنظیم رابطه ها بر میزان این حقوق را در اختیار بنهد.

۴. همانطور که هر انسانی که بخواهد مستقل و آزاد زندگی کند، یعنی توانایی بر قرار کردن رابطه دوستی با دیگری را - به روشی که توضیح داده شد- داشته باشد، نیازمند آنست که در مدار بسته مادی - مادی زندانی نشود و نیاز به مدار باز مادی - معنوی دارد (چنانکه حتی ابدنولوژیایی که بر اصالت ماده بنا شده اند نیز خود را مبشر معنویت جدید می خوانند)، به همین نسبت جامعه ها نیز نیازمند مدارهای باز مادی - معنوی هستند.

هم بخاطر جهت دادن به نیروهای محرکه در رشد و هم برای شرکت در اداره جامعه جهانی بر میزان داد و و داد. نیک که بنگری، می بینی پیامبری پیشنهاد بیان راهنمایی برای رها شدن از زندان مدار بسته مادی - مادی است. بنا بر تاریخ، زمانهای بعثت پیامبران، زمانهای اسارت انسانها در این مدار بسته بوده است. در حقیقت، روابط مسلط - زیر سلطه میان اقلیت کوچکی از انسانها و اکثریت بزرگی از آنها، بدون آنکه ذهنیت ها و رابطه ها، همه، بیانگر این مدار بسته باشند، اصلاً برقرار شدنی نیست.

از این روست که اگر در جامعه ای حتی یک گروه کوچک وجود داشته باشد با مدار باز مادی - معنوی و این گروه، در ضد فرهنگ زور، با اکثریت در نیامیزد و آن اکثریت را به فطرت آزاد خویش بخواند، آن جامعه اگر به خود نیاید، از میان می رود و اگر به خود آید (۲۲) تغییر می کند و مدار بسته را باز می گرداند و خود و هر عضو، در استقلال و آزادی رشد می کند: نشانند توحید به جای تضاد، بمثابة اصل راهنما در تنظیم رابطه انسان با خود و انسانها با یکدیگر همین است. ۵. پیام آزادی ای که پیامبر ابلاغ می کند، در بردارنده اصول رابطه فرد و جامعه نیز می باشد. به تربیتی که؛

۱/۵ تقدم و تسلط جامعه بر فرد و وارونه آن، یعنی تقدم فرد بر جامعه، که هر دو، طی قرون، موضوع دو بیان قدرت بوده اند، را جای رابطه ای بسپارد که میان دو موجود بدون بار زور برقرار می شود. جامعه ای بنا شود که، در آن، فرد و جامعه بر اصل «ولایت جمهور مردم» بر وفق دوستی و داد، در جریان رشد، همسویی جویند. جامعه برخورداری همگان از امکانات رشد در آزادی را میسر کند و مسابقه در دانش و دادگری و تقوی را میسر گرداند و فرد ها در رشد یکدیگر شرکت جویند (۲۳).



افشاگریهای متقابل و

ترس از جنبش

همگانی جهت دار

*** نگرانی رژیم از نوع شورش و تدبیرش برای قطع ارتباط میان جهت دهندگان و مردم:**

◀ وضعیت سنجی که در زیر می خوانید در درون رژیم بعمل آمده است:

در ۳۰ سال گذشته هیچ وقت وضع مانند امسال نبوده است. اوضاع به شدت خراب است اما نظام به راحتی می تواند این وضعیت بهم ریخته را جمع و جور کند:

• نظام، سیاستهای مختلفی را در شرایط فعلی پیش بینی کرده است. اگر یادتان باشد سالها قبل چند روزی شهر مشهد از دست رفته بود اما توانستند با اعزام نیروهای بسیج و سپاه بار دیگر مشهد را به کنترل در آورند. حالا هم درست است اوضاع خیلی نابسامان است اما نظام پیچیدگی های خاصی دارد و می تواند آن را جمع و جور کند.

• علت اینکه نظام می تواند خود را جمع و جور کند این است که توانسته با قدرت، رابطه میان مردم و نیروهای جهت دهنده را قطع کند و در این حالت مطمئن است که کسی نمی تواند مردم را جهت بدهد.

نیروهای نظامی از جمله سپاه و بسیج آماده اند. احتمال قوی می دهند، با وجود این شرایط، ممکن است مردم در ماههای آینده دست به اغتشاشاتی بزنند. آنها شورش ها را به سه نوع تقسیم کرده اند:

- ۱ - شورهای محدود،
- ۲ - شورهای کور گسترده،
- ۳ - شورهای همدار گسترده.

برای سرکوب دو نوع اول و دوم، همین بسیجیان کافی هستند. کما اینکه شورهای گذشته را نیز توانسته اند سرکوب نمایند. اما نگرانی بابت نوع سوم است. به خاطر این نگرانی است که قرار است نیروهای سپاه در کنار بسیج قرار گیرند.

در اینکه نظام توانایی قطع ارتباط میان گروه سیاسی با نیروهای شورش کننده را دارد حرفی نیست. اما در این دوره به نظر می رسد که مسئله گرانی ممکن است موجب عصیان همگانی مردم شود. اگر چنین عصیانی روی دهد، مشکل بتوان رابطه جهت دهنده ها را با مردم قطع کرد. چرا که اگر در جریان حرکت ۱۸ تیر، نظام توانست رابطه میان دانشجویان و دیگر گروهها را با تبلیغات صدا و سیما قطع نماید و دانشجویان را اوباش معرفی نماید و به شدت سرکوب نماید، یکی به دلیل تو زرد درآمدن خاتمی در بزنگاه بود و دیگری بخاطر ناتوانی از برقرار کردن اتصال با جامعه ای بود که هنوز امیدوار بود اصلاح طلبان کاری برایشان بکنند.

اما در این دوره، مشکلات اقتصادی هرگاه موجهای جنبش را برانگیزند و دولت نتواند از شدت فشار بکاهد، اداره وضعیت مشکل می شود. زیرا درگیر شدن با مردم گرسنه و تحت فشار سخت است. اما به هر صورت

نظام در این اندیشه است که رابطه میان عصیان کنندگان را به هر صورت با مخالفان سیاسی قطع نماید. اگر نتوانست، هم آنها و هم عصیان کننده ها را سرکوب می کند. برآورد اینست که می تواند این کار را بکند. مشکل است ولی شدنی است. مشکل وقتی حل ناشدنی می شود که جنبش همگانی و جهت دار می شود.

*** ترس از اجتماع: حتی کنسرت برای جمعیت بیشتر از ۵۰۰ نفر ممنوع است:**

◀ خبر ترس رژیم را از جمعیت و وجود حکومت نظامی اعلان نشده را پیش از این به اطلاع خوانندگان خود رسانده ایم. شدت ناراضی مردم از جمله بخاطر گرانی، این ترس را بیشتر کرده است. به ترتیبی که رژیم بخشنامه ای صادر کرده و در آن، کنسرت های موسیقی را تنها در اماکنی مجاز دانسته است که محصور باشد و گنجایش بیشتر از ۵۰۰ نفر را نداشته باشد.

*** هزینه ای عظیم برای ایجاد دستگاه کنترل فرد فرد مردم ایران:**

◀ بنا بر اطلاع از داخل، رژیم بودجه سنگینی را به ایجاد دستگاه کنترل مردم ایران اختصاص داده است. بودجه ایجاد این تأسیسات در سال آینده، دو برابر بودجه آن در سال جاری خواهد شد. هدف اینست که رژیم بتواند تحرکات افراد را رد یابی کند و از وقوع تحرکات جمعی پیشگیری کند.

انقلاب اسلامی: رژیمهای نظیر این رژیم دستگاههای بسیار عریض و طویل نیز ایجاد کردند اما سقوط کردند. روسیه و کشورهای تحت سلطه امپراطوریش می باید درس عبرت باشند برای مافیاهای نظامی - مالی.

*** احمدی نژاد در مجلس ۴۶ موافق بیشتر ندارد:**

◀ حکومت احمدی نژاد لایحه برداشت از ذخیره ارزی برای وارد کردن گندم و دیگر ارزاق رابه قید دو فوریت، به مجلس برد. مجلس با اکثریت ۱۹۰ رأی با دو فوریت آن مخالفت کرد. موافقان دو فوریت ۴۶ تن بوده اند.

طرفه کشماکشی است که به دنبال رأی گیری میان لاریجانی (رئیس) و باهنر (نایب رئیس دوم) در می گیرد: باهنر می گوید: شاید نمایندگان چون تازه وارد مجلس شده اند، ندانسته اند کدام دکمه را فشار بدهند. دوباره رأی گیری کنیم. لاریجانی پاسخ می دهد: دکمه ها مشخص هستند و نمایندگان یکی را به جای دیگری نمی گیرند!

*** انتخابات ریاست جمهوری آینده بسیار مهم و اساسی است و نظام در پی یافتن یک رئیس جمهوری موجه است:**

جنگ مغلوبه!

◀ بنا بر اطلاع، ناطق نوری که سمت مشاور خامنه ای را دارد، برای چاره جوئی برای بی کفایتی احمدی نژاد و وضعیتی که بیار آورده است، نزد خامنه ای می رود. اما پیش از این که او سخن آغاز کند، خامنه ای می پرسد: این آدم چرا این کارها را می کند؟! کوشش برای جلوگیری از تجدید ریاست جمهوری احمدی نژاد، روز به روز بیشتر می شود. ناطق نوری به سراغ هاشمی رفسنجانی و گروههای دیگر نیز رفته است. این گروه های در کار یافتن یک «رئیس جمهوری موجه» هستند. در حال حاضر، انتخابهایشان علی اکبر ولایتی است و اگر نشد، علی لاریجانی هستند. در «بیت» خامنه ای، محبتی است که رتق و فتق امور را در دست گرفته است. او با احمدی نژاد موافق است. قالی باف در «بیت» هنوز موقع نجسته است. یک دلیلش اینست که از او افسران صفی سپاه حمایت می کنند.

*** احمدی نژاد و مافیای پشتیبان او دست به حمله متقابل زده اند: افشاگری ها:**

◀ نخست عبدالله شهبازی بود که افشاگری را آغاز کرد. شهبازی از نیروهای رده بالای حزب توده بوده، در ابتدای انقلاب دستگیر شده و در اعترافات خود حدود ۵۰۰ تک نویسی در مورد اعضای حزب توده بعمل آورده است. مدارک اعترافات وی موجود است.

بعد از توبه، او کاملاً در کنار نیروهای اطلاعاتی - امنیتی و سپاهی قرار گرفته است. در درگیری میان شهبازی و دیگران، وی به دلیل نزدیکی به حسین شریعتمداری، به احتمال زیاد پیروز خواهد شد. هدف افشاگری او بی اعتبار کردن مافیاهای رقیب مافیاهای حامی احمد نژاد است. نظر عمومی بر اینست که برای این افشاگریها، خامنه ای چراغ سبز داده است. البته، بی اعتبار تر شدن دو طرف را بسود خود می داند.

◀ افشاگری دوم را پالیزدار، در دانشگاه بوعلی همدان کرده است: او از ۴۴ صاحب مقام فاسد نام برده، از آن جمله، فسادکاری ۹ روحانی را تشریح کرده است. «روحانیانی» که او نام برده و فسادهاشان را بر شمرده است، همه مخالفان احمدی نژاد هستند: هاشمی رفسنجانی و ناطق نوری و محمد یزدی و امامی کاشانی و واعظ طوسی و مکارم شیرازی. در متن منتشره نام مکارم شیرازی نیست نام محقق داماد «یکی از علمای اعلام» و محمد رضا یوسفی هستند. از مؤلفه، عسکر اولادی را نام برده است.

هم او از فسادکارهای جنتی و کسان او و نیز مصباح یزدی (که پدر خوانده مافیای دوم قند و شکر و زمین خوار است) هیچ نشینده است. نه تنها از فساد کارهای احمدی نژاد در شهرداری خبر ندارد که احمدی نژاد را ضد فساد نیز معرفی می کند.

در برابر، مافیاهای مخالف احمدی نژاد و مافیاهای حامی او، دست به افشاگری زده اند:

*** حمله متقابل: ۳۲ هزار میلیارد تومان از درآمد نفت به حساب خزانه واریز نشده است!؟:**

◀ در باره پول های فروش نفت و نرفتن آن به حساب بانک مرکزی و در اختیار احمدی نژاد قرار گرفتنش و تأثیر «پول ریختن توی دست و پای مردم» بر گرانی، از جمله گرانی مسکن، پیش از این، در انقلاب اسلامی، خبرها و داده ها از نظر خوانندگان گذشته اند. و اینکه این خبر انتشار می یابد که ۳۲ هزار میلیارد تومان از درآمد نفتی به خزانه واریز نشده است!

به گزارش برنا، بخشی از درآمد نفتی ایران در سال ۸۵ به خزانه داری کل کشور واریز نشده است. مطابق گزارش تفریح بودجه سال ۸۵، مانده بستانکاری دولت از وزارت نفت از طریق شرکتهای دولتی تابعه ذی ربط بابت ۴۹ درصد سهم دولت از ارزش نفت خام تولیدی ۵۰/۸ هزار میلیارد تومان بوده است.

براساس این گزارش، از این مبلغ ۱۸/۷ هزار میلیارد تومان بابت تأمین اعتبار ردیف های بودجه به حساب بدهکار دولت منظور شده است و مابقی آن که بالغ بر ۳۲ هزار میلیارد تومان است به حساب خزانه داری کل کشور نزد بانک مرکزی واریز نشده است.

در این گزارش به پیگیری های مکرر دیوان محاسبات در خصوص واریز این درآمد نفتی به خزانه داری کل کشور نزد بانک مرکزی اشاره شده است.

لازم به ذکر است، عدم واریز درآمدهای نفتی به خزانه داری کل کشور موضوعی است که سالها مورد توجه مسوولان بوده است و سال گذشته نیز هیات وزیران با مصوبه ای شرکت ملی نفت را به واریز صد درصد درآمد نفتی کشور به این حساب ملزم کرد.

در حال حاضر عدم واریز درآمد نفت به خزانه جهت رسیدگی به دادسرای دیوان محاسبات کشور ارجاع شده است. براساس این گزارش، پیش از این رئیس دیوان محاسبات در گفت و گو با برنا تأکید کرده بود که صد درصد از درآمدهای نفتی به خزانه واریز شده است. او از باند احمدی نژاد است.

در همین حال تفریح بودجه سال ۸۳ نیز نشان می دهد که بیش از ۶ میلیارد دلار از درآمد نفتی ایران به حساب خزانه داری کل کشور واریز نشده بوده است.

*** جنگ مغلوبه سیاسی - مرامی میان «اصلاح طلبان» و «فرقه مصباحیه»:**

◀ در ۱۵ خرداد، محتشمی پور از جمله گفته است: آیا این مظلومیت انقلاب و امام نیست که تمام کسانی که همراه امام بودند کنار روند و مجموعه ای که یک روز هم با انقلاب و امام نبودند بیایند و داعیه دار و مفسر انقلاب اسلامی شوند و به نام امام در قم مؤسسه ایجاد کنند و افرادی که امروز در میان پایگاه های نظامی حضور می یابند و افکار خود را به نام

افکار امام به جوانان القا می کنند یک ذره به تفکر امام ایمان نداشته و ندارند و نخواهند داشت.

فردی مطرح می کند که این جمهوریت که امام از آن دم می زند بر اساس مقتضیات قبل از انقلاب مطرح شده است و گرنه رأی مردم ملاک نیست و در اسلام جمهوری نداریم، یعنی این آقا که در رأس فرقه مصباحیه قرار گرفته است، به دنبال ریشه کن کردن افکار امام است.

متأسفانه امروز افرادی که مسائل اولیه اسلام را درک نکرده اند، ایدئولوگ یک جریان تندرو شده اند و هیچ تفاوتی بین فرقه مصباحیه و طالبان و جاهلان صدر اسلام وجود ندارد و افرادی که هیچ اهمیتی برای مردم، ملت ایران و جوانانی که به عنوان یک رکن از ارکان انقلاب برای امام مطرح بودند قائل نیستند، از افکار امام پیروی نمی کنند. امام جوانان را از ۱۵ خرداد تا ۲۲ بهمن و پایان عمر شریفش از سرمایه های انقلاب و کشور می دانست و برای آنها اهمیت زیادی قائل بود در حالی که شما آنها را افرادی منحرف، بی دین و هرزه معرفی می کنید و آیا پیامبر اینگونه مردم را ارشاد می کرد و امام اینگونه ملت را به صحنه آورد؟

◀ در پاسخ او، سعید مقدم در ۱۸ خرداد محتشمی پور را با خامنه ای مقابل کرده است:

«اتفاقاً کسانی که در مقابل جناح متعبد و پای بند ایستادند، به یک معنا بیشتر به تبحر و به طالبانیم نزدیک ترند، چون آنها هم نسبت به آموخته ها و درس های غربی تبحر دارند. هرچه غربی ها گفتند، همان را صد درصد باید اجرا کرد؛ این تبحر نیست؟ تبحر همین است. تازه حرف های جدید غربی ها را به گوش ما نمی رسانند، حرف های کهنه شده و حرف های منسوخ را می آورند در جامعه مطرح می کنند؛ چه در سیاست، چه در اخلاق، چه در گرایش دینی، چه در شکل حکومت و چه در اقتصاد، متحجرانه و متعصبانه می ایستند، اینکه بیشتر طالبانیم است.» اما متأسفانه آقای محتشمی مدت کوتاهی پس از سخنان مقام معظم رهبری ضمن انتقاد شدید از آیت الله مصباح باز هم ایشان را به تبحر متهم کرد. مقام معظم رهبری اما بار دیگر در جمع مسئولان دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم حضرات آیات مصباح یزدی و جوادی آملی را عقبه ی تئوریک نظام نامیده و تعابیری چون: «شخصیت علمی روشنفکری برجسته» را برای ایشان به کار بردند.»

*** دکتر ابراهیم یزدی: راه حل رها کردن ولایت فقیه و بازگشت به پیش نویس قانون اساسی است. آیا هاشمی رفسنجانی با این راه حل موافق است؟**

◀ سایت روز (۲۳ خرداد) مصاحبه خود با دکتر یزدی، دبیر کل نهضت آزادی را انتشار داده است. دو پرسش و پاسخ گویای این واقعیت هستند که در خود رژیم نیز اعتقادی به ولایت فقیه وجود ندارد:

• روز: بازگشت به قانون اساسی اول آیا لوازم تحقق خود را داراست؟
* دکتر یزدی: منظر یا روندی که شرح در صفحه ۵



دادم معنایش این نیست که بنشینیم تا مسئولان با مکاشفه درون به این مرحله برسند و تغییرات بنیانی ایجاد کنند. خیر، بلکه یکی از عوامل کارساز و موثر در این فرایند وجود جنبش های مدنی برای تحقق تغییرات است. از خرداد ۱۳۷۶ به بعد، و روی کار آمدن آقای خاتمی و سپس رویداد های بعدی، تلاش زیادی صورت گرفته و می گیرد تا نهادهای مدنی را از میان بردارند. ولی مشاهده می کنیم که در این هدف خود موفق نبوده اند. جنبش هایی نظیر جنبش معلمان، جنبش زنان، جنبش کارگران، جنبش دانشجویی و ... کماکان حضور فعال وجدی دارند. حتی دامنه فشار را تا آن جا تسری دادند که در اوجش را که معمولاً آرامترین و ملایمترین گروه های اجتماعی هستند می خواستند از میان بردارند، ولی در این بخش هم ناموفق بودند؛ به عبارت بهتر زورشان نرسید. حسینیه در اوجش را خراب کردند اما جنبش درویشی را نتوانستند. جنبش دانشجویی تحت فشار بسیار شدیدی قرار دارد اما موفق نشده اند آن را از زمین ببرند. بنابراین ادامه جنبش های مدنی از یک طرف، و فروپاشی اقتصادی از جانب دیگر، تورم مهار گسیخته، ... همه از عواملی است که فشار به حاکمان برای پذیرش تغییر وارد می آورد. در این فشارها، علانم زیادی می بینم که در نهایت نظام سیاسی ایران تغییرات ضروری را بپذیرد.

● روز: شما نشانه های این پذیرفتن را در کجا مشاهده می کنید؟
* دکتر یزدی: شما فکر می کنید که آقای هاشمی، که بسیار زیورک و باهوش است چرا مطرح کرد که با ولایت فقیه مخالف بوده است؟ چرا ایشان اکنون مطرح می کند که به مرحوم آذری قمی گفته بود که این ولایت فقیه که شما دنبالش هستید ناصرالدین شاه می شود؟ دوران ناصر عصر بی خبری شناخته شده است. آیا معنای سخن آقای هاشمی این است که ما با عصر نادانی روبرو هستیم؟ آقای هاشمی اکنون رئیس مجلس خبرگان رهبری است که بر طبق قانون اساسی وظیفه نظارت بر رهبر را بر عهده دارد. بنا بر این کسانی که دارای دانش روز هستند یا سی سال تجربه کرده اند، به این نتیجه رسیده اند که نمی شود فرد دارای همه اختیارات باشد ولی درباره هیچکس به هیچ کس یا نهادی هم پاسخگو نباشد. این خود مشکل اصلی است که به تدریج همه دارند به آن پی می برند. تاکید می کنم که در این جا اشکال از احمدی نژاد نیست، اشکال از آن مجموعه ای است که موجب پیدایش احمدی نژاد می شود. زیرا خودش را باز تولید می کند. در اینجا ما می بینیم که یک نکته مهم هم اشاره کنم و آن اینکه روحانیت در مجموع انعطاف پذیری اش از ما روشنفکران بیشتر است. به این معنا که سر به زنگاه ها خود را تغییر می دهد. آقای صانی به راحتی می گوید که حقوق زن و مرد برابر است. چون خود را مفسر دین می دانند از این روتوجیه دینی اش را نیز پیدا می کنند.

* آیا هاشمی رفسنجانی هم طرفدار دموکراسی شده است؟

انقلاب اسلامی: به گزارش ایسنا، در ۲۹ خرداد، هاشمی رفسنجانی سخنانی ایراد کرده است. نکات عمده سخنان او را به ترتیبی که گویائی کامل پیدا کنند،

جنگ مغلوبه!

دین اکره نیست « را با بکار گرفتن منطق صوری « قانون اساسی » و « انتخابی بودن » مقامها را توجیه می کند: ● طبق قانون اساسی رهبری را مردم باید در دو مرحله انتخاب کنند. هم چنین دولت و مجلس را نیز مردم انتخاب می کنند. درباره ی احزاب و نهادهای نیز در قانون اساسی اصول بسیار مترقی وجود دارد. اگر روح آنها با الهام از اسلام باقی بماند مردم ما همواره می توانند در صحنه باشند و بسیاری از مشکلات کشور که گمان می کنیم با دخالت دولت ها می تواند حل شود با دست مردم حل می شود. انقلاب اسلامی: او از قانون اساسی اول سخن می گوید اما در باره « متمم » ی که بر آن افزودند، سکوت می کند. اما یادش می رود که خود او گفته بود:

با وجود قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان اول، امام ولایت مطلقه اعمال می کرد. این شد که بر آن شدیم ولایت مطلقه را وارد قانون اساسی کنیم. آیا او نمی داند باوجود ولایت مطلقه، انتخاب مردم واقعیت پیدا نمی کند؟ او نمی داند اگر کودتای خرداد ۶۰، بدستور خمینی و بدست او و همدستانش انجام نمی گرفت، جنگ ۸ سال ادامه نمی یافت و او حالا مجبور نبود آن خیانت و جنایت خود کرده را « دفاع مقدس » بخواند؟ و اگر بنا بر لاکراه و وجود آزادی بود، او و همانند هایش بسا غرق خیانت و فساد و جنایت نمی شدند؟

حالا هم وقتی سخن از دست آوردهای دفاع مقدس و « مدیریت نظام » در طول ۳۰ سال ... سخن می گوید، آشکار می کند که سخن گفتنش در باره « دین لاکراه » و آزادی و مردم سالاری، « از راه مصلحت » است و نه باور؟

* ترور روش جلوگیری از ارتباط جهت دهندگان به جنبش مردم ایران - « سردار جزایری: فرانسه باید بنی صدر را تحویل ایران دهد:

◀ گزارش از ایران:

● از خرداد ۶۰ بدین سو، هرگز به اندازه امسال سخن از بنی صدر نبود. صدا و سیما و مطبوعات و مقامات، مرتب از او صحبت می کنند. البته از او بد می گویند. در سپاه پاسداران، در رده های پائین تر از او صحبت می شد. تا این که، ناگهان شمعدانی و رحیم صفوی، در دو برنامه تلویزیونی، گفتند بنی صدر در جنگ خیانت نکرد. در پی آن، زیر فشار خامنه ای، جعفری، « فرمانده » کنونی سپاه و محمد کوثری فرمانده سابق لشکر ۲۷ و « نماینده » کنونی مجلس، قول های شمعدانی و صفوی را تکذیب کردند. بعد کار، به هیأت وزیران رسید. این هیأت « مسئله بنی صدر » را بررسی کرد. صفار هرنندی به خبرنگاران گفت که هیأت وزیران به « مسئله بنی صدر » پرداخته است. و تاکید کرد بنی صدر خائن است.

اطلاعی که کسب شد بر اینست که در این جلسه، رابطه ناراضی مردم از گرانی و نقشی که بنی صدر می تواند در تبدیل شدن این ناراضی به حرکت بکند و ضربه ای که اظهارات رحیم صفوی و شمعدانی به نظام وارد کرده اند، صحبت شده است. پرسش ترتیب که توضیح بنی صدر در باره « در

دین اکره نیست « را با بکار گرفتن منطق صوری « قانون اساسی » و « انتخابی بودن » مقامها را توجیه می کند: ● طبق قانون اساسی رهبری را مردم باید در دو مرحله انتخاب کنند. هم چنین دولت و مجلس را نیز مردم انتخاب می کنند. درباره ی احزاب و نهادهای نیز در قانون اساسی اصول بسیار مترقی وجود دارد. اگر روح آنها با الهام از اسلام باقی بماند مردم ما همواره می توانند در صحنه باشند و بسیاری از مشکلات کشور که گمان می کنیم با دخالت دولت ها می تواند حل شود با دست مردم حل می شود. انقلاب اسلامی: او از قانون اساسی اول سخن می گوید اما در باره « متمم » ی که بر آن افزودند، سکوت می کند. اما یادش می رود که خود او گفته بود:

با وجود قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان اول، امام ولایت مطلقه اعمال می کرد. این شد که بر آن شدیم ولایت مطلقه را وارد قانون اساسی کنیم. آیا او نمی داند باوجود ولایت مطلقه، انتخاب مردم واقعیت پیدا نمی کند؟ او نمی داند اگر کودتای خرداد ۶۰، بدستور خمینی و بدست او و همدستانش انجام نمی گرفت، جنگ ۸ سال ادامه نمی یافت و او حالا مجبور نبود آن خیانت و جنایت خود کرده را « دفاع مقدس » بخواند؟ و اگر بنا بر لاکراه و وجود آزادی بود، او و همانند هایش بسا غرق خیانت و فساد و جنایت نمی شدند؟

حالا هم وقتی سخن از دست آوردهای دفاع مقدس و « مدیریت نظام » در طول ۳۰ سال ... سخن می گوید، آشکار می کند که سخن گفتنش در باره « دین لاکراه » و آزادی و مردم سالاری، « از راه مصلحت » است و نه باور؟

با وجود قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان اول، امام ولایت مطلقه اعمال می کرد. این شد که بر آن شدیم ولایت مطلقه را وارد قانون اساسی کنیم. آیا او نمی داند باوجود ولایت مطلقه، انتخاب مردم واقعیت پیدا نمی کند؟ او نمی داند اگر کودتای خرداد ۶۰، بدستور خمینی و بدست او و همدستانش انجام نمی گرفت، جنگ ۸ سال ادامه نمی یافت و او حالا مجبور نبود آن خیانت و جنایت خود کرده را « دفاع مقدس » بخواند؟ و اگر بنا بر لاکراه و وجود آزادی بود، او و همانند هایش بسا غرق خیانت و فساد و جنایت نمی شدند؟

حالا هم وقتی سخن از دست آوردهای دفاع مقدس و « مدیریت نظام » در طول ۳۰ سال ... سخن می گوید، آشکار می کند که سخن گفتنش در باره « دین لاکراه » و آزادی و مردم سالاری، « از راه مصلحت » است و نه باور؟

حالا هم وقتی سخن از دست آوردهای دفاع مقدس و « مدیریت نظام » در طول ۳۰ سال ... سخن می گوید، آشکار می کند که سخن گفتنش در باره « دین لاکراه » و آزادی و مردم سالاری، « از راه مصلحت » است و نه باور؟

حالا هم وقتی سخن از دست آوردهای دفاع مقدس و « مدیریت نظام » در طول ۳۰ سال ... سخن می گوید، آشکار می کند که سخن گفتنش در باره « دین لاکراه » و آزادی و مردم سالاری، « از راه مصلحت » است و نه باور؟

حالا هم وقتی سخن از دست آوردهای دفاع مقدس و « مدیریت نظام » در طول ۳۰ سال ... سخن می گوید، آشکار می کند که سخن گفتنش در باره « دین لاکراه » و آزادی و مردم سالاری، « از راه مصلحت » است و نه باور؟

فرانسه و انگلستان، تعداد پاسداران بسیار بیشتر از کشورهای دیگر است. انقلاب اسلامی: در همان حال که مافیاهای نظامی - مالی حامی احمدی نژاد و مافیاهای مخالف او در درون رژیم به جنگ مغلوبه مشغولند، خامنه ای و احمدی نژاد، در بیرون مرزها، به تحریک و تشدید بحران مشغولند. بدیهی است بوش و اولمرت در امریکا و اسرائیل به اندازه احمدی نژاد و خامنه ای منفور و معضوب مردم نشده اند. اما این دو خطر تغییر حکومت ها را در امریکا و اسرائیل حس می کنند و از آن بیم دارند که تهدید به جنگ از میان برود و موجهای جنبش در درون برخیزند. از این رو، همه کار می کنند تا مگر در انتخابات ریاست جمهوری امریکا مک کین پیروز شود:

افزایش ۴۵ درصد بر بودجه های نظامی - به روز شدن تهدید ایران به جنگ - نزاع بر سر عراق

انقلاب اسلامی: اطلاعات و نظرها را که در این فصل گرد آورده ایم، در دو قسمت از نظر خوانندگان می گذرانیم: در قسمت اول، داده ها و خبرها و موضعگیریها در باره هزینه نظامی جهانیان و تهدید ایران به جنگ و در قسمت دوم، خبرها و نظره های گویای قصد امریکا به تحمیل قراردادی به عراق برای دائمی کردن اشغال نظامی عراق و کشماکشها که بر انگیزخته است را:

نفث و قهر: هزینه های نظامی امریکا و کشورهای خاورمیانه بیشتر از هر جای دیگر افزایش می یابند:

* افزایش ۴۵ درصد بودجه های نظامی در ۱۰ سال، نمایانگر سنگین تر شدن جو خشنوتی است که جهان را فرا گرفته است:

◀ لوموند (۹ ژوئن ۲۰۰۸) از گزارش مؤسسه بین المللی تحقیق برای صلح استکهلم، این داده ها را در باره افزایش بودجه های نظامی کشورهای جهان نقل کرده است:

● هزینه های نظامی جهان، ۶ درصد، در سال ۲۰۰۷، رشد کرده اند. میزان افزایش هزینه های نظامی طرف ۱۰ سال گذشته، ۴۵ درصد بوده است. در سال ۲۰۰۷، جمع بودجه های نظامی کشورهای دنیا ۱۳۳۹ میلیارد دلار بوده است. از آن، ۴۵ درصدش (۵۹۲/۵ میلیارد دلار) بودجه نظامی امریکا بوده است.

در صفحه ۶



این هزینه نظامی برابر است با ۲/۵ درصد تولید ناخالصی جهان و برابر است با هزینه سرانه ای حدود ۲۰۲ دلار.

• در دوره ۲۰۰۷ - ۱۹۹۸، اروپای شرقی بودجه های نظامی خود را به بیشتر از دو برابر (۱۶۲ درصد) افزایش داده اند.

• در این ۱۰ سال، بودجه نظامی امریکای شمالی ۶۵ درصد و بودجه نظامی کشورهای خاورمیانه ۶۲ افزایش یافته اند.

• حال آنکه بودجه های نظامی افریقا و آسیای شرقی ۵۱ درصد افزایش یافته اند.

• اروپای غربی و امریکای مرکزی کمتر از دیگر نقاط جهان بودجه های نظامی خود را افزایش داده اند: اروپای غربی ۶ درصد و امریکای مرکز ۱۴ درصد.

• ایالات متحده امریکا بیشتر از آنچه در زمان جنگ دوم خرج می کرد، خرج نظامی می کند: بودجه نظامی امریکا در سال ۲۰۰۷ بیشتر از آن رشد کرد که در دوران جنگ دوم جهانی. از سال ۲۰۰۱ بدین سو، بودجه نظامی امریکا ۵۹ درصد افزایش یافته است. علت جنگ در افغانستان و عراق و نیز افزایش بودجه دفاع پایه است.

• نتیجه مستقیم آن اینست که فروش ۱۰۰ فروشنده عمده اسلحه (به غیر از چین) در سال ۲۰۰۶، ۹ درصد به

فروش اسلحه افزوده اند. در این سال اسلحه ای به ارزش ۳۱۵ میلیارد دلار فروخته اند. شرکت های امریکائی و اروپای غربی بر بازار اسلحه سلطه کامل دارند. این کشورها در سال ۲۰۰۶، ۹۲ درصد اسلحه ای را فروخته اند که خریداران خریده اند.

انقلاب اسلامی: بودجه های نظامی و میزان فروش اسلحه رابطه نفت و خشونت را به آشکاری نشان می دهند. در کتاب نفت و خشونت که به زبان فرانسه، در ۱۹۷۴، انتشار یافت، مؤلفان (بنی صدر و پل ویی و قطب زاده و دیگران) ربط خشونت گستری و سلطه امریکا بر بخش نفت را تشریح کرده اند. پیش از آن زمان و بعد از آن زمان، خشونت گستری و سلطه بر بخش نفت، بطور خاص و بر انرژی بطور عام، علت و معلول یکدیگر بوده اند. در فصل اقتصاد توضیحی را در باره دو علت افزایش بهای نفت می خوانید که همین واقعیت را بازگو می کند. بر اثر گرانی مواد غذایی، یک میلیارد نفر جمعیت گرسنه جهان، دو میلیارد نفر خواهند شد. اگر بخشی از این هزینه نظامی صرف رشد اقتصادی و افزایش تولید مواد غذایی می شد، جهانی بدون گرسنه می یافتیم.

*** بوش: در مورد ایران، انتخابها، از جمله حمله نظامی، روی میز هستند و میزان جدی بودن تهدید به حمله نظامی:**

◀ دفتر مک کلاچی در واشنگتن (۱۱ ژوئن ۲۰۰۸) گزارش کرده است که حمله نظامی به تأسیسات اتمی ایران از نو موضوع بحث شده است:

• ۶ ماه پیش که سازمانهای اطلاعاتی امریکا گزارش کردند که ایران از سال ۲۰۰۳ بدین سو، برنامه تولید سلاح اتمی را رها کرده است، خطر حمله نظامی امریکا به ایران، پیش از آنکه دوره ریاست جمهوری بوش به پایان رسد، بنظر می رسید رفع شده است.

اما اینک به یمن پافشاری مداوم اسرائیل و گزارش اخیر البرادعی، از نو، صحبت از این می شود که می باید

به تأسیسات اتمی ایران حمله نظامی کرد.

• بوش از کشورهای اروپائی دیدن می کند برای این که آنها را به حمایت از وضع مجازات های جدید برضد ایران بر انگیزد و اسرائیل دارد زمینه روانی را برای حمله نظامی به ایران تدارک کند تا اگر دیپلماسی کامیاب نشد، به ایران حمله شود.

• در تهدیدهای علنی و گفتگوهای خصوصی با مقامات امریکائی، مقامات اسرائیل کوشیده اند القا کنند که حمله نظامی به ایران، تنها راه از میان بردن تأسیسات اتمی ایران و ناممکن کردن دست یابی ایران به سلاح اتمی است.

• بوش و اولمرت، در هفته های اخیر، دو نوبت دیدار و در باره ایران گفتگو کرده اند. مایک مک کونل، سرپرست سازمانهای اطلاعاتی امریکا، به اسرائیل رفته است برای گفتگو در این باره و شائول مفاز، وزیر حمل و نقل اسرائیل، گفته است: بسا حمله نظامی به ایران اجتناب ناپذیر باشد.

در آلمان نیز، بوش گفت: همه انتخاب ها روی میز هستند. اگر ایران غنی سازی اورانیوم را رها نکند، انتخاب لازم بعمل می آید و به اجرا گذاشته می شود.

• تحلیل گران سازمانهای اطلاعاتی بر سر وقوع حمله نظامی، پیش از پایان ریاست جمهوری بوش، اختلاف نظر دارند. اما تقریباً اتفاق نظر دارند که هرگاه چنین حمله ای انجام شود، حمله موشکی به اسرائیل و تأسیسات نفت عربستان بعمل خواهند آمد. حمله شعبه های عراق به قوای امریکا و حزب الله و حماس به اسرائیل و حمله به کشتی های نفت کش در خلیج فارس، را بعنوان پی آمدهای حمله به ایران، پیش بینی می کنند. بنا بر این، بهای هر بشکه نفت می تواند از ۲۰۰ دلار نیز بیشتر شود.

• گروهی از تحلیل گران بر این نظر هستند که هدف اسرائیل از تهدید ایران به حمله نظامی برای اینست که ایران به خواست غرب تمکین کند. برخی دیگر بر این نظر هستند که هدف فشار به حکومت بوش است برای این که رهبری دو کشور را در حمله نظامی به ایران، برعهده بگیرد.

• لاندو، تحلیل گر، می گوید: از زمانی که آژانس بین المللی انرژی اتمی «تگرانی جدی» خود را اظهار کرده است، گفتگو ها و مباحثه ها در باره مقاصد اتمی ایران زیاد شده اند و از ایران خواسته می شود پاسخهای روشن به پرسشهای آژانس بدهد.

*** مفاز: بسا جنگ با ایران اجتناب ناپذیر است و اولمرت حاضر نیست قول وزیر خود را تصدیق کند. با وجود این، اسرائیل فرماندهی حمله به ایران را ایجاد کرده است!؟:**

◀ شائول مفاز، وزیر حمل و نقل اسرائیل، در مصاحبه با روزنامه گفته بود: بسا جنگ با ایران اجتناب ناپذیر باشد. اما، در ۸ ژوئن، با توجه به اینکه اولمرت بخاطر پرونده فسادش، برای استعفاء کردن، تحت فشار است و مفاز داوطلب جانشینی او است، تهدید او استفاده از جو جنگ در ارضای جاه

جنگ مغلوبه!

طلبی شخص خود، ارزیابی شده است

◀ در ۸ ژوئن، دفتر نخست وزیر اسرائیل، از موضع مفاز فاصله گرفت. سخنگوی اولمرت، مارک رگو، بطور صریح سخنان وزیر راه و ترابری را رد نکرد اما گفت: اولمرت در سفر خود به واشنگتن، موضع اسرائیل را بطور واضح بیان کرده است. او جامعه بین المللی را به تشدید مجازاتهای ایران فراخوانده و خواسته است مجازاتهایی اتخاذ و اجرا شوند که مؤثر باشند.

◀ در ۱۰ ژوئن، خبر ایجاد فرماندهی حمله به ایران، در نیروی هوایی اسرائیل انتشار یافت. بنا بر گزارشها، از قول منابع نظامی اسرائیل که خواسته اند نامشان محفوظ بماند، وظیفه این فرماندهی اینست که عملیات قوای مختلف را هماهنگ کند.

هدف از ایجاد این فرماندهی اینست که هماهنگی میان نیروی موشکی اسرائیل و موشکهای ضد موشک آرو و پاتریوت و جنگنده های مأمور حمله بهبود یابد.

اسرائیل که تنها قدرت اتمی خاورمیانه است می کوشد پرزیدنت بوش را متقاعد کند که روش دیپلماتیک بقصد متقاعد کردن ایران را به رها کردن برنامه اتمی خود، با حمله نظامی به تأسیسات اتمی ایران جانشین کند.

*** اعضای پارلمان و مقامات مذهبی و جامعه مدنی امریکا خواستار رها کردن گزینه جنگ با ایران و روش کردن گفتگو با ایران شده اند:**

◀ در ۱۰ ژوئن، وان ورد از واشنگتن گزارش کرده است:

• اعضای کنگره امریکا به مقامات مذهبی و رهبران جامعه مدنی پیوسته و از حکومت بوش خواسته اند به دوران تهدید ایران به جنگ و تدارک آن، پایان بدهد و برای حل مسائل فی مابین، با این کشور وارد گفتگو شود.

باربارا لی، نماینده مجلس نمایندگان می گوید: کسانی که اینک آتش بیار جنگ با ایران شده اند، همانها هستند که جنگ با عراق را تدارک کردند. پیش از این، ما را از این راه برده اند. • با او همراه و همزمان اند نمایندگان جمهوری خواه مجلس نمایندگان، رون پل و شیلا جاکسون. اینان، زیر شعار «وقت گفتگو با ایران است» جنبش برای سیاست جدید امریکا در قبال ایران، پدید آورده اند. با آنها همراهند گروههایی چون گروه پزشکان برای مسئولیت اجتماعی و کمیته امریکائی دوستان خدنگزار.

• شیوه ای که بکار می برند همانست که در سالهای ۱۹۶۰ بکار می رفت. از جمله تلفن کردن به ایرانیان در ایران. این کار به امریکائیان امکان می دهد با مردم عادی ایران گفتگو کنند.

در بیرون از واشنگتن، امریکائی ها بسیج می شوند برای این که به اعضای کنگره تماس بگیرند و از آنها بخواهند به حکومت برای ورود در گفتگو با ایران فشار بیاورند.

در خود کنگره نیز، باربارا لی «Iran Diplomatic Accountability Act of 2008» را بوجود آورده و با اعضای کنگره گفتگو می کند برای آنکه کنگره برای گفتگو میان مقامات

بلند پایه دو کشور، حکومت را تحت فشار قرار دهد.

• در کنگره اختلاف نظر در این باره که چگونه می تواند با احمدی نژاد گفتگو کرد و بخصوص رفتاری که در باره برنامه اتمی ایران باید در پیش گرفت، اختلاف نظرها بسیارند.

با وجود این، بسیاری از نمایندگان و شمار بزرگی از نظامیان و سیاستمداران و رهبران جامعه مدنی و مردم عادی امریکا بر این باورند که تنش های واقعی که میان دو کشور وجود دارند می باید از راه گفتگوهای مستقیم و دیپلماسی، از میان برداشته شوند.

سنجش افکاری که گالوپ در ماه فوریه انجام داد حاکی از اینست که از هر ۱۰ امریکائی، ۷ امریکائی موافق روابط سیاسی و اقتصادی و نه جنگ با ایران هستند.

نظامیانی چون ژنرال جون ابوزید و وسلی کلارک و دریاسالار مایکل مولن، رئیس ستاد ارتش، از دیپلماسی حمایت کرده اند.

• مشاور امنیتی کارتر، برژنسکی و ژنرال ویلیام اودم، در نوشته خود در واشنگتن پست، به تاریخ ۲۶ مه، خاطر نشان کردند هرگاه کاخ سفید تهدید به حمله نظامی و تغییر رژیم را یکسره کنار بگذارد، شانس موفقیت بیشتری پیدامی کند.

• در جریان مبارزات برای نامزد ریاست جمهوری شدن، هیلاری کلینتون و باراک اوباما از تماس مستقیم با ایران جانبداری کردند. اما مک کین، نامزد حزب جمهوریخواه این سیاست را ساده لوحانه توصیف کرد.

اگر عراق باحضور دائمی و خودکامه ارتش امریکا در خاک خود موافقت کند و قرارداد نفتی دلخواه حکومت بوش را تصویب کند و اسرائیل راهم برسمیت بشناسد، «دموکراسی» کاملی را پیدا می کند!!:

*** امریکا ۵۸ پایگاه نظامی دائمی در عراق مطالبه می کند و مصونیت و اختیار کامل:**

◀ دفتر واشنگتن مک کلاچی (۹ ژوئن ۲۰۰۸) در باره محتوای قراردادی که امریکا می خواهد به عراق تحویل کند، این اطلاعات را انتشار داده است:

• نمایندگان مجلس عراق می گویند: امریکا می خواهد ما موافقت کنیم ۵۸ پایگاه نظامی در خاک کشور ما داشته باشند. و خواهان «status of forces» است یعنی این قوا بطور دائم در خاک عراق بمانند.

در حال حاضر، امریکا ۳۰ پایگاه دارد. بنا بر این خواستار دو برابر کردن آنها است.

• افزون بر این، این امریکا و قوای او هستند که تشخیص می دهند آیا عمل

خصمانه کشور دیگری بر ضد عراق است یا خیر.

نمایندگان می گویند: چنین اختیاری را خواستن، معنایی جز این نمی دهد که عراق میدان جنگ میان امریکا و ایران بگردد.

• جلال الدین صغیر، از رهبران مجلس این کشور و عضو مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق می گوید: حضور دائمی قوای امریکا با اختیاراتی که مطالبه می کند، بیشتر از اختیارات قوای اشغالگر در کشوری تحت اشغال است. کشور ما بنا بر قطعنامه ۲۰۰۴ شورای امنیت در اشغال قوای امریکا و متحدانش است. زمان این اشغال در دسامبر سال جاری بسر می رسد. اما حالا امریکا از ما می خواهد اشغال دائمی کشور خود را امضاء کنیم. و ما مطلقاً به چنین قراردادی رأی نخواهیم داد.

• شرایط دیگر قراردادی که امریکا می خواهد تحویل کند، نیز بسیار سنگین هستند:

- قوای امریکا تا ارتفاع ۳۰ هزار فوت، قلمرو هوایی عراق را کنترل می کند. همینطور اختیار کنترل آبهای ساحلی عراق با قوای امریکا است.

- افراد قوای امریکا و افراد شرکتهای خصوصی طرف قرارداد با قوای امریکا از مصونیت برخوردار می شوند: کاپیتولاسیون.

بنا بر کاپیتولاسیون، این افراد در صورت ارتکاب جرم، از سوی قوه قضائیه عراق قابل تعقیب نیستند. قوای قضائی امریکا به جرم مجرم رسیدگی خواهد کرد. صغیر می گوید: آنها برای سگهای امریکائی نیز مصونیت می خواهند.

- قوای امریکا حق دارند بدون مراجعه به دولت عراق، هر عراقی را که محل ثبات عراق و یا مظنون به فعالیت تروریستی تشخیص دادند، دستگیر کنند و تا وقتی می خواهند در توقیف نگاه دارند.

• صغیر می گوید ما نظرهای خود را با بوش در میان گذاشتیم. میان نظرات ما و او یک نوع هماهنگی وجود داشت و او قول داد از مذاکره کنندگان بخواهد روش خود را تغییر بدهند.

• طرفه این که بوش می گوید قرارداد با عراق نیاز به تصویب سنا ندارد. زیرا برای تنظیم حضور و عمل قوای امریکا در عراق است!

لی هامیلتون، نماینده سابق مجلس امریکا از حزب دموکرات می گوید: من نشنیده ام که حکومت امریکا می خواهد ۵۰ پایگاه در عراق داشته باشد. اگر همچو امری واقعیت داشته باشد، کنگره پرسشهایی خواهد داشت و بوش باید در گفتگو بر سر قرارداد با عراق بسیار محطاط و دقیق باشد.

• مقامات امریکا در عراق می گویند مصمم هستند تا ۳۱ ژوئیه کار توافق بر سر قرار داد را به نتیجه برسانند. از آن پس، مجلس نمایندگان عراق می باید کار تصویب آن را تا پیش از ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸، به انجام رسانند.

◀ اما لوموند (۸ ژوئن) نقشه محلهای استقرار قوای امریکا را در خاک عراق انتشار داده است. این قوا در بخشی از خاک عراق متمرکز هستند که همجوار با ایران است.



در همان تاریخ، لوموند از قول مقامات عراق خبر می دهد که دیدگاه حکومت عراق با دیدگاه حکومت بوش اختلاف دارد و بنظر نمی رسد پیش از پایان ریاست جمهوری بوش، حکومت و مجلس عراق قرارداد را تصویب کنند.

و دانستی است که امریکا حکومت و مجلس عراق را برای تصویب قانون نفت تحت فشار گذاشته است. مجلس تا این زمان قانون را تصویب نکرده است. هرگاه مجلس آن را تصویب کند و به قوای امریکا اجازه حضور دائمی در خاک عراق را بدهد، عراق را به مالکیت امریکا در آورده است.

در ۱۲ ژوئن، Jewish Daily Forward خبر می دهد که بنا کنتره تصویب کند که عراق می باید با اسرائیل رابطه دیپلماتیک برقرار کند و قرارداد صلح با اسرائیل را امضاء کند. وگرنه، از دریافت میلیارد دلار کمک محروم می شود!

*** مالکی: عراق پایگاه امریکا برای حمله نظامی به ایران نمی شود:**

◀ نوری المالکی، نخست وزیر عراق، که به تهران سفر کرده بود، در ۸ ژوئن ۲۰۰۸، در تهران، بهنگام دیدار با خامنه ای و ملکی اطمینان داده است قرارداد امنیت عراق با امریکا، برای ایران زبان نخواهد داشت. دولت عراق اجازه حمله به ایران را به قوای امریکا نخواهد داد.

ایران با قرارداد امنیتی امریکا و عراق سخت مخالف است. هاشمی رفسنجانی گفته است: مردم عراق و منطقه نمی گذارند چنین توافقی انجام بگیرد. ایران نگران آنست که استقرار قوای امریکا در عراق، برای آنست که امریکا هر وقت موقع را مقتضی دید، به ایران حمله کند.

اما در خود عراق، علاوه بر مقتدا صدر که خواسته است مردم عراق هر هفته بر ضد این قرارداد، تظاهرات برپا کنند، احزاب عضو ائتلافی که حکومت مالکی را بر سر کار آورده اند، نیز با قرارداد مخالف هستند. دو سخنگوی دو حزب عضو ائتلاف گفته اند: مخالفت در مجلس این کشور با قرارداد بقدری وسیع است که آن را نمی توان در مجلس مطرح کرد. مگر این که امریکا موضع خود را تغییر دهد.

◀ در ۹ ژوئن ۲۰۰۸، مالکی با خامنه ای دیدار کرد. در این دیدار، خامنه ای نسبت به امضای این قرارداد، به او هشدار داد و گفت: مسئله اصلی عراق ادامه حضور قوای امریکا در عراق است. مردم عراق مانع از تحقق رؤیاهای امریکا خواهند شد.

*** بوش: ایران دارد نفوذ خود را در عراق از دست می دهد:**

◀ در ۱۲ ژوئن، بوش، رئیس جمهوری امریکا، در مصاحبه با کانال ۳ تلویزیون فرانسه گفته است: ایران دارد نفوذ خود را در عراق از دست می دهد. بدیهی است ایران در عراق نفوذی دارد. اما کمتر از نفوذی است که قبلاً می داشت. ایران همچنان نفوذ خود را از دست خواهد داد. به باور من،

بهمان نسبت که اقتصاد و جامعه سیاسی عراق رشد می کنند، از نفوذ ایران در عراق کاسته خواهد شد. عراق یک دموکراسی شده است و دموکراسی دارد عمل می کند. عراقی ها می دانند که نفوذ ایران سبب بی ثباتی می شود.

*** مالکی می گوید: گفتگوهای عراق و امریکا بر سر قرارداد امنیتی در بن بست است:**

◀ به گزارش رویتر (۱۳ ژوئن)، مالکی می گوید: گفتگوها بر سر تعیین کادر قانونی برای نگاهداری قوای امریکا در عراق، به بن بست رسیده است. این «کادر قانونی» تا ۳۱ دسامبر که مدت مأموریت قوای ائتلاف در عراق پایان می یابد، می باید معین شده باشد. او علت رسیدن گفتگوها به بن بست را توقعات ناسازگار امریکا با حاکمیت ملی مردم عراق می داند. او در دیدار از عمان، پایتخت اردن، خطاب به روزنامه نگاران گفت: «ما در بن بست هستیم زیرا در آغاز گفتگوها، ما دانستیم که توقعات امریکا حاکمیت ملی عراق را لگد مال می کند. و ما هرگز با چنین توقعاتی موافقت نخواهیم کرد.»

*** علاوه بر گفتگو بر سر قرارداد امنیتی، امریکا و عراق بر سر توافقی برای تنظیم روابط دو جانبه در قلمروهای سیاسی و اقتصادی نیز گفتگو می کنند.**

این گفتگوها سری انجام می گیرند و امریکائیان از سخن گفتن در باره محتوای گفتگوها امتناع می کنند. تنها اطمینان می دهند قراردادی که برای تصویب تسلیم مجلس عراق می شود بند محرمانه نخواهد داشت.

◀ مالکی به اعتراض های خود این سان ادامه داده است: ما نمی توانیم اختیار دستگیری اتباع عراق را به قوای امریکا بدهیم و یا مسئولیت مبارزه با تروریسم را به آنها بسپاریم و یا حفاظت از قلمرو هوایی و دریایی عراق را به آنها واگذاریم. یکی از خواستهای امریکا اعطای مصونیت به افراد ارتش امریکا و کارکنان شرکتهای خصوصی است که برای آنها کار می کنند. ما با این خواست بطور کامل مخالف هستیم.

او در خطاب به نمایندگان جامعه عراقی پناهنده به اردن تخفیف داد و گفت: برغم مشکل های اولیه، بر اساس پیشنهادهای جدید دو طرف در گفتگو پیشرفت می کنند. امریکا با ۸۰ کشور قرارداد «منزلت حقوقی قوای امریکا که با موافقت کشور میزبان در کشوری مستقر می شوند»، را امضاء کرده است و همه آنها به افراد قوای امریکا مصونیت داده اند.

*** استراتفور: امریکا بخاطر اطمینان دادن به همسایه های عرب عراق، می باید قرارداد امنیت با عراق را به تصویب مجلس عراق برساند:**

◀ استراتفور (۱۱ ژوئن) در توجیهی که از فشار امریکا برای قبولاندن قرارداد به عراق انتشار داده است،

جنگ مغلوبه!

براینست که کشورهای سنی عرب ممکن نیست آرام بنشینند و نظاره گر نفوذ روز افزون ایران در عراق باشند. اما تثبیت وضعیت عراق در گرو دادن اطمینان به این کشورها است و تضمینی که امریکا می تواند بدهد اینست که با نگاهداری قوای خود در عراق، جلو نفوذ ایران را در عراق می گیرد.

از آن سو، ایران نیز می خواهد به امریکا حالی کند که نمی تواند به تنهایی قرارداد امنیتی با عراق امضاء کند. ایران نیز طرفی است که امریکا نمی تواند نادیده اش بگیرد. ایران موفق شده است اعتراض عراقیها را برانگیزد. آیه الله محمد المدرسی نیز گفته است قرارداد موجب خیزش مردم عراق می شود.

*** آیه الله سیستانی: مبنای هر توافقی با امریکا می باید تخلیه خاک عراق از قوای امریکا باشد:**

◀ به گزارش تایم (۱۳ ژوئن) از کربلا، نماینده آیه الله سیستانی حکومت عراق را به شکیبانی در گفتگو با امریکا فراخواند. دادن تضمین از سوی امریکا برای تخلیه عراق از قوای خود، کاربرد انتخاباتی دارد وگرنه، واقعیت اینست که آنها می خواهند قوای خود را در عراق نگاه دارند. بنا بر این می خواهند قراردادی را به تصویب برسانند که حضور قوای آنها را قانونی کند. لازم است مقامات عراقی (در دفاع از حاکمیت عراق) استواری نشان دهند و جزء به جزء توافق را به روشنفکران و مردم عراق گزارش کنند.

دانستی است که قرارداد مورد بحث، بر اساس اصول موارد توافق مالکی و بوش، بهنگام سفر او به واشنگتن تهیه شده و موضوع گفتگو است.

انقلاب اسلامی: بدین سان، روشن می شود که حکومت بوش قوای امریکا را به عراق نیاورده بود تا از این کشور خارج کند. نا امنی ها بی که امریکا بلحاظ رفتارش (از جمله انحلال ارتش) بانی آن بود و هست و کشورهای همسایه عراق نیز به آن دامن زده اند و جهت توافق و سازگاری دادن به رفتار گرایشهای دینی و اقوام ساکن عراق، اینک بکار توجیه حضور دائمی قوای امریکا در عراق می آیند. تجربه عراق و نیز تجربه رژیم ملاتاریا → مافیاهای نظامی - مالی این درس را می آموزد که کشورهای ما بر اصل موازنه عدمی است که می توانند سیاستی خارجی را اتخاذ کنند که کمتر مجالی برای قدرتهای خارجی برای دخالت در امور کشور باقی نگذارد. همان سیاستی ضرور است که مردم ایران در انقلاب پیروز خود بکار بردند. افسوس که مافیاهای نظامی - مالی حاکم به استبداد فساد و جنایت و خیانت گستر خود تقدم مطلق می دهند. بحران اتمی می سازند و این بحران دست آویز دخالت نه یک قدرت خارجی که بسیاری از قدرتهای خارجی در امور داخلی و نیز در روابط خارجی کشور می شود:

ایران همکاری نمی کند؟ - اروپا پشتیبان امریکا؟ - تحریم معامله با بانکهای ایران - توقیف دارائی ها و...:

*** آژانس بین المللی انرژی اتمی: ایران همکاری نمی کند:**

◀ در ۲ ژوئن، خبرگزاری فرانسه و رویتر گزارش کردند که مدیر آژانس بین المللی انرژی اتمی، محمد البرادعی، بر فشار به ایران افزوده است. او در یک سخنرانی که در ۲ ژوئن، در برابر اعضای شورای حکام، ایراد کرد، از ایران خواست با آژانس همکاری کامل کند تا که مسئله های حل نشده، در قلمرو فعالیتهای اتمی نظامی، حل شوند.

البرادعی که با امتناع رهبران ایران از دادن توضیح درباره برنامه اتمی نظامی روبرو شده است، از سکوت این مقامات ابراز تأسف و خاطر نشان می کند که گزارشهای سازمانهای اطلاعاتی که ۱۰ کشور در اختیار آژانس قرارداده اند، ایران را متهم می کنند که بکار تحقیق برای تولید سلاح هسته ای است. بخصوص کلاهکهای اتمی برای موشکهای شهاب ۳.

تهران، تا این زمان، این مدارک را فاقد مبنی و اعتبار دانسته و تحقیقات را «تحقیقات ادعائی» توصیف کرده و تأکید می کند تمامی توضیحات بایسته را به آژانس داده است. البرادعی حاضر نشده است این مدارک را در اختیار ایران بگذارد. یک دیپلمات به این خبرگزاری گفته است علت آن اینست که این مدارک تنها وجود انترنتی دارند. زیرا امریکا برای بی نبردن ایران به هویت کسانی که آنها را در اختیار امریکا گذاشته اند، حاضر نیست اصل آنها را در اختیار آژانس بگذارد.

*** شورای حکام بدون این که تصمیمی در باره پرونده اتمی بگیرد، پایان یافت:**

◀ در ۵ ژوئن، شورای حکام آژانس به اجلاس خود پایان داد بدون این که تصمیمی در باره پرونده اتمی ایران بگیرد:

• علی اصغر سلطانی، زیر فشار البرادعی و نمایندگان غرب در شورا برای آنکه ایران فعالیتهای اتمی خود را شفاف بگرداند، گفت: از دید ایران پرونده اتمی ایران مختومه است. ما به همه پرسشهای آژانس پاسخ گفتیم. او یک گزارش ۳۰ صفحه در اختیار اعضای آژانس قرارداد حاوی دلایل ایران بر این که مدارک و اطلاعاتی که در اختیار آژانس قرار گرفته اند قلابی هستند و ایران به همه پرسشهای آژانس پاسخ گفته است.

• حال این که البرادعی و نمایندگان غرب در شورای حکام بر این نظر

هستند که به پرسشها در باره برنامه تولید سلاح هسته ای، پاسخهای لازم داده نشده اند. اگر ایران این مدارک را قلابی می داند چرا به جای آنکه به پرسشهای آژانس پاسخ بدهد، تکرار می کند که مدارک قلابی هستند؟

*** اروپا از موضع بوش در قبال ایران، از جمله در باره قطع معامله با بانکهای ایران، حمایت می کند:**

◀ نیویورک تایمز (۱۱ ژوئن) گزارشی در باره گفتگوهای بوش با سران کشورهای اروپائی و کسب موافقت آنها با افزودن بر مجازاتهای ایران، انتشار داده است:

• خواست بوش از کشورهای اروپا این بود که اگر بسته پیشنهادی کشورهای ۱۰+۵ را نپذیرفت، بر مجازاتهای ایران از جمله محدود کردن معاملات بانکهای ایران، افزوده شود.

• ایران میلیاردها دلار سپرده های خود را به بانکهای آسیائی و یا بانکهای خود ایران انتقال داده و یا طلا و اوراق بهادار خریداری کرده است. • بوش بعد از اسلوانی، از برلن و رم و پاریس و لندن و بلفاست دیدار می کند. هدف او متقاعد کردن سران اروپا به لزوم تشدید مجازاتهای ایران است. بوش گفت: رهبران ایران می باید میان انزوا یا روابط خوب با همه کشورهای ما، از رهگذر قطع برنامه غنی سازی اورانیوم، انتخاب کنند.

• بعد از اجلاس بوش با سران اروپا، بیانیه مشترکی انتشار یافت که بنا بر آن، ایران می باید به تعهدات بین المللی خود در مورد فعالیتهای اتمی عمل کند. بیانیه تأکید می کند که امریکا و اروپا استراتژی دو وجهی اتخاذ کرده اند: هرگاه ایران به غنی سازی اورانیوم پایان بدهد، از همکاری غرب در زمینه های مختلف برخوردار می شود و اگر بدان پایان ندهد، غرب بر مجازاتهای ایران خواهد افزود.

◀ در ۱۰ ژوئن، روزنامه گاردین خبر داد هرگاه ایران به غنی سازی اورانیوم پایان نبخشد، اتحادیه اروپا دارائی های بانکهای ایران را توقیف خواهد کرد. روزنامه اطلاع می دهد که اتحادیه اروپا موافقت کرد بر مجازاتهای ایران بیفزاید اگر ایران تن به متوقف کردن غنی سازی اورانیوم ندهد.

این تصمیم در هفته گذشته گرفته شده است و در بیانیه مشترک امریکا و اروپا که همین روز، در پایان اجلاس سران اروپا با بوش، صادر می شود، اعلان می شود.

◀ در ۱۱ ژوئن، کندولزا رایس، وزیر خارجه امریکا به ایران هشدار داد: دنیا صبر خویش را از دست داده است. ملتھائی که به ایران مجموعه ای از امتیازها را پیشنهاد کرده اند به این کشور اجازه نمی دهند آن را دست آویز وقت برای ادامه فعالیتهای اتمی خود بدست آوردن کنند. او از تصمیم اروپا بر افزودن به مجازاتهای ایران، استقبال کرد.



سفر سولانا به ایران و متن پیشنهادی کشورهای ۱+۵ برای تشدید مجازاتهای ایران:

* مجموعه امتیازهای پیشنهادی کشورهای ۱+۵:

◀ متن بسته پیشنهادی ۵+۱:

زمینه‌های ممکن برای همکاری با ایران به منظور دستیابی به راه‌حلی جامع، درازمدت و مناسب برای مساله هسته‌ای ایران که با قطع‌نامه‌های مربوط سازمان ملل متحد سازگار باشد در تکمیل پیشنهاد ارایه شده به ایران در ژوئن ۲۰۰۶ (تیرماه ۱۳۸۵) که هنوز به قوت خود باقی است، موارد زیر به عنوان سرفصل‌های مذاکره مابین کشورهای چین، فرانسه، آلمان، ایران، روسیه، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا، به همراه نماینده‌ی عالی اتحادیه‌ی اروپا، پیشنهاد می‌شود، تا زمانی که ایران به شکل تصدیق‌پذیر تمام فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازسازی خود را ذیل OP19(a) و OP15 قطع‌نامه ۱۸۰۳ شورای امنیت در راستای این مذاکرات همچنین از ایران انتظار داریم که درخواست‌های شورای امنیت سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را اجابت کند. در مقابل چین، فرانسه، آلمان، روسیه، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و نماینده‌ی عالی اتحادیه‌ی اروپا اعلام آمادگی می‌کنند:

– حق ایران را برای توسعه پژوهش، تولید و کاربرد انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای مطابق با تعهدات پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را به رسمیت بشناسند.

– به محض ایجاد اطمینان از ماهیت کاملاً صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، با آن همان رفتاری را داشته باشند که با برنامه هر کشور فاقد سلاح‌های هسته‌ای در چارچوب NPT دارند.

• **انرژی هسته‌ای**
– تاکید دوباره بر حق ایران نسبت به انرژی هسته‌ای برای مقاصد صرفاً صلح‌آمیز با تعهدات این کشور در چارچوب پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای.

– تامین کمک‌های مالی و تکنولوژیک لازم جهت استفاده صلح‌آمیز ایران از انرژی هسته‌ای و حمایت نسبت به از سرگیری پروژه‌های همکاری فنی در ایران توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.

– حمایت از ساخت نیروگاه‌های آب سبک منطبق با آخرین فن‌آوری روز. – حمایت از تحقیق و توسعه در انرژی هسته‌ای به موازات بازیابی تدریجی اعتماد بین‌المللی.

– تامین تضمین‌های الزام‌آور حقوقی عرضه سوخت هسته‌ای.

– همکاری در جهت مدیریت سوخت مصرف شده و پسماند رادیواکتیو.

• **سیاسی**
– بهبود روابط شش کشور و اتحادیه‌ی اروپا با ایران و ایجاد اعتماد متقابل. – تشویق تماس و گفت و گوی مستقیم با ایران.

– پشتیبانی از ایران در جهت ایفای نقشی مهم و سازنده در امور بین‌الملل.

جنگ مغلوبه!

– در اختیار گذاشتن، در صورت نیاز، کمک به نیازهای توسعه اقتصادی و اجتماعی و بشردوستانه.
– همکاری/حمایت فنی در حوزه‌های آموزشی مفید برای ایران:
– حمایت از ایرانیان برای شرکت در دوره‌های آموزشی یا کسب مدارج علمی در حوزه‌هایی مانند مهندسی عمران، کشاورزی و مطالعات زیست‌محیطی.

– حمایت از برنامه‌های مشترک بین موسسات آموزش عالی مانند بهداشت عمومی، معیشت روستایی، پروژه‌های مشترک علمی مدیریت عمومی، تاریخ و فلسفه.

– همکاری در حوزه توانایی‌ها برای پاسخ موثر به حوادث غیرمترقبه (مانند زلزله‌نگاری، پژوهش زمین‌لرزه، مدیریت بحران و غیره)

• **مکانیزم اجرا**
– تشکیل گروه‌های ناظر مشترک در جهت اجرای یک موافقتنامه آتی.

* سفر سولانا به ایران و حاصل آن:

◀ به گزارش خبرگزاری فرانسه (۱۳ ژوئن ۲۰۰۸)، در این تاریخ، خاویر سولانا، مسئول سیاست خارجی اروپا، به تهران سفر کرد تا بسته پیشنهادی کشورهای ۱+۵ را تسلیم وزیر خارجه ایران کند. امتیازها وقتی به ایران داده خواهند شد که ایران برنامه اتمی خود را متوقف کند. بهنگام پیاده شدن از هواپیما، در فرودگاه تهران، او گفت: برای تسلیم پیشنهادهای سخاوتمندانه و تفاهم آمیز ۶ کشور به ایران آمده‌ام.

◀ به گزارش رویتر (۱۴ ژوئن)، جورج بوش، رئیس جمهوری آمریکا، در یک کنفرانس مطبوعاتی در پاریس، از اینکه ایران بسته پیشنهادی گروه ۱+۵ درباره برنامه هسته ایش را نپذیرفته، ابراز تأسف کرد.

جرج بوش که همراه با نیکلا سارکوزی، رئیس جمهوری فرانسه، در این کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرده بود، با اشاره به رد بسته پیشنهادی توسط ایران، افزود: «این ثابت می کند که رهبران ایران می خواهند بیش از پیش مردم این کشور را منزوی کنند».

این دو از سوریه خواستند از ایران جدائی بجوید و در برقراری صلح خاورمیانه نقشی فعال ایفا کند.

انقلاب اسلامی: نخست اقدام بوش شتاب زده بنظر رسید. زیرا گفته شد او پیش از آنکه رژیم ایران نظر خود را در باره بسته پیشنهادی ابراز کند، واکنش نشان داده است. بسا او خواستار جواب منفی رژیم مافیاهای نظامی – مالی است اما در واقع، روز شنبه و پیش از واکنش بوش، سخنگوی احمدی نژاد گفته بود که بسته پیشنهادی مشروط به توقف غنی سازی اورانیوم پذیرفته نمی شود. در واقع، مافیاهای حامی احمدی نژاد نیز می خواهند جواب رژیم منفی باشد. جز این که در خود رژیم واکنش نسبت به «به شکست کشاندن گفتگو با سولانا» شدید شد.

* رویه مبهم رژیم در قبال بسته پیشنهادی:

◀ در رژیم، کسانی چون هاشمی رفسنجانی که از سفر به عربستان بازگشته است و محسن رضانی هشدار داده اند که «نباید اجازه داد گفتگوها با سولانا تضعیف شود».

در برابر، مافیاهای حامی احمدی نژاد گفته اند:

• سخنگوی حکومت احمدی نژاد (۱۴ ژانویه) گفته است: بسته قابل قبول نیست زیرا مشروط است به توقف غنی سازی اورانیوم

• دستیاران و تبلیغاتی‌های او نیز گفته اند: او بسته را گشودیم چیزی در آن نبود.

• کیهان نوشت سولانا مأمور است ایران را تهدید کند که اگر بسته را در ازای تعطیل غنی سازی اورانیوم نپذیرد، به ایران حمله نظامی خواهد شد.

◀ لوموند (۱۵ ژوئن) زیرا عنوان ابهام پیرامون پاسخ تهران به بسته پیشنهادی شش کشور، به این ابهام پرداخته است:

• ایران از چند مجرا و بشیوه مبهم واکنش نشان داده است: شنبه، بهنگام حضور سولانا در تهران، از قرار، تهران در پی تحصیل فرصت بود. در همان حال، از قبول شرط ۶ کشور (توقف غنی سازی) سرباز می زد.

نخستین واکنش را غلام حسین الهام، سخنگوی حکومت ایران ابراز کرد. او حتی پیش از آنکه سولانا با متکی وزیر خارجه ایران و جلیلی طرف گفتگو در باره پرونده اتمی، دیدار و بسته پیشنهادی را تسلیم و با او گفتگو کند، گفت: «اگر امتیازهای مندرج در بسته پیشنهادی مشروط به متوقف کردن غنی سازی اورانیوم باشد، گفتگو در باره آن نیز مورد پیدا نمی کند». پرزیدنت بوش به این سخنان واکنش نشان داد.

• اما، در همان روز، دیرتر، متکی گفت: پاسخ ایران به این مجموعه پیشنهادهای بستگی دارد به تلقی کشورهای پیشنهاد دهنده از پیشنهادهای متقابلی که ایران چند هفته پیش به این کشورها ارائه کرده بود. در پیشنهادهای ما توقف غنی سازی اورانیوم شرط نشده بود.

• یک شنبه ۱۵ ژوئن، علی لاریجانی، رئیس مجلس ایران، نمایندگان مجلس بادقت پیشنهادهای ۶ کشور را مطالعه خواهند کرد. و در همان حال افزود، غرب نباید انتظار داشته باشد که ملت ایران حقوق خود را از یاد ببرد.

• خاویر سولانا توضیح داده است که ۶ کشور خواهان توقف غنی سازی اورانیوم در طول مدت گفتگوها هستند. به توییپی که روز شروع گفتگوها روز توقف غنی سازی اورانیوم باشد. این پیشنهاد مشکل توقف غنی سازی را که ایران آن را رد کرده است، برطرف می کند.

• یک شنبه عصر، کندولزا رایس، بهنگام دیدار از بیت المقدس، از قرار پاسخ ایران را قطعی نمی دانست. زیرا می گفت: ما خواهیم دید واکنش واقعی آنها به بسته پیشنهادی چه خواهد بود. واکنشی که آنها حتی پیش از آنکه پیشنهادهای را بخوانند نشان داده اند ملاک نیست. پیش از او، سخنگوی وزارت خارجه امریکا گفته

بود: رد بسته پیشنهادی، مجازاتهای بین المللی جدیدی را بر ضد ایران به دنبال می آورد.

پیشنهادهای جدید سومین پیشنهادی است که از آغاز پیدایش بحران به ایران شده است که برنامه اتمی این کشور بوجود آورده است.

* فیکارو (۱۸ ژئن) اطلاع جدید و مهمی را انتشار داده است: سولانا از شرط متوقف کردن غنی سازی صرف نظر کرده است:

◀ سولانا به ایران پیشنهاد کرد بیابند گفتگوها را بدون متوقف کردن غنی سازی اورانیوم از سر بگیریم. او خواست ۶ کشور را به این حد تنزل داد که در طول یک دوره ۶ هفته ای گفتگوها، ایران غنی سازی اورانیوم در جریان را قطع نمی کند تنها متعهد می شود سانتریفوژهای جدیدی را بکار نیندازد. در برابر، ۶ کشور نیز مجازاتهای جدیدی را بر ضد ایران مقرر نمی کنند.

فیکارو، از قول دیپلماتهایی که این اطلاع را در اختیارش گذاشته اند، علت دادن این پیشنهاد به ایران را گرفتار بهانه از ایران نوشته است.

* توقیف دارائیهای بانک ملی ایران و محدود کردن خرید نفت و گاز از ایران و تهدید ایران به حمله نظامی:

◀ به گزارش روزنامه ایندپندنت (۱۷ ژوئن)، ژرژ بوش در لندن بیکار دیگر، ایران را تهدید کرده است که گزینش نظامی یکی از گزینشهایی است که در مظان گزیده شدن است هرگاه ایران به غنی سازی اورانیوم ادامه دهد.

روزنامه خبر می دهد که اتحادیه اروپا آماده توقیف سپرده های بانک ملی ایران و نیز محدود کردن صدور نفت و گاز از ایران هستند. گردون برون، نخست وزیر انگلستان، به دنبال ساعتی گفتگو با بوش، وجود این آمادگی را اعلام کرد.

با وجود این، تهدید بوش اروپائیان را نگران کرده است که مبادا بوش قصد دارد پیش از پایان دوران ریاست جمهوری، به ایران حمله نظامی کند. ◀ در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۸، عربستان اعلام کرد از ماه ژوئیه روزانه ۲۰۰ هزار بشکه بر تولید خود افزوده است. در ظاهر، هدف پائین آوردن قیمت نفت است. اما آیا ربطی به تصمیم غرب در باره ایران ندارد؟

انقلاب اسلامی: تمایل جنگ طلب در امریکا و اسرائیل خواهان آنند که رژیم مافیاهای نظامی – مالی پیشنهاد ۶ کشور را رد کند. مافیاهای نظامی – مالی نیز می خواهند این پیشنهادهای رد شوند و بحران هم ادامه و هم تشدید پیدا کند. جز این که در درون، جنگ مغلوبه است و بر سر به یغما بردن ثروت مردمی که قرین فقر هستند، بر افشاکردن فسادهای یکدیگر، از میان برداشتن یکدیگر را نیز افزوده اند:



جنگ مافیها بر سر قدرت در شیراز

انقلاب اسلامی: برغم ادعای « وزیر » واواک، در شماره ۵۹۸ این نشریه، اطلاع داده شد که انفجار گویای شدت گرفتن کشمکشهای گروه بندیهای مافیائی است. اینک گزارش تفصیلی از ایران دریافت کرده ایم که جنگ مافیها را تا حدودی از ابهام خارج می کند. پیش از خواندن این گزارش، تحقیق ستاد حقیقت یابی را بخوانید که دانشجویان شیراز تشکیل داده اند. این گزارش را عبدالله شهبازی، همراه دانسته های خود، در مقاله اش آورده است. نخست بدانیم که:

*** به دنبال عباس پالیزدار، خبرگزاری فارس از قول دادستان شیراز خرداد که عبدالله شهبازی نیز دستگیر شد:**

دادستان شیراز در ۲۹ خرداد گفته است: به دنبال شکایت ۸ شاکی عبدالله شهبازی دستگیر شد.

تحقیق ستاد حقیقت یاب دانشجویان حاکی است که « وزیر » واواک دروغ می گوید و سازمان دهندگان انفجار حسینیه عواملی در درون رژیم بوده اند:

۱- آخرین گزارش منتشر شده «ستاد حقیقت یاب دانشجویی»، که متن کامل آن به پیوست است و حاصل کار دو ماهه فنی دانشجویان عضو ستاد فوق می باشد، بمب گذاری، به گونه اعلام شده از سوی وزیر اطلاعات، را منتفی می داند. مدافه در این گزارش تخصصی نشان می دهد که حادثه به دلیل منفجر شدن مین پلاستیکی نی. ام. ۴۶ ضد تانک (از نوع ایرانی) موجود در غرفه نمایشگاه جنگ (معراج شهدا)، واقع در کانون رهیویان وصال رخ داده. مواد آر. دی. ایکس (ماده منفجره موجود در مین های فوق) در محل انفجار یافت شده و وجود آن توسط کارشناسان هیئت های مختلف اعزامی در آزمایشگاه به اثبات رسیده است. بنا بر این، با استناد به گزارش های کارشناسی - آزمایشگاهی فوق، که در اختیار نهادهای مسئول از جمله ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است، هیچ شبهه ای در این که مین فوق عامل اصلی انفجار بوده وجود ندارد.

۲- ماده آر. دی. ایکس را نمی توان به طور دست ساز تولید کرد. این ماده محصولی کاملاً آزمایشگاهی و تخصصی - نظامی است که در مین های فوق، و مهمات مشابه، به کار می رود. بنا بر این، موارد ادعا شده توسط وزیر محترم اطلاعات درباره شبکه فوق نمی تواند منطبق با انفجار در کانون رهیویان وصال باشد. ممکن است شبکه ای خرابکار، با مختصات گفته شده از سوی وزارت اطلاعات،

وجود داشته ولی، با توضیح پیشگفته و تطبیق آن با اظهارات وزیر اطلاعات، این شبکه نمی توانست عامل انفجار در کانون رهیویان وصال باشد.

۳- این مین، چنان که تصاویر نشان می دهد، از مدت ها قبل از انفجار در غرفه وجود داشته. مین فوق، چنان که در آغاز یادداشت گفتم، غیر مسلح و فاقد چاشنی بوده و، به رغم وجود مواد منفجره آر. دی. ایکس در درون آن، قابلیت انفجار نداشته است. لازم به توضیح است که در غرفه فوق، چنان که تصاویر نشان می دهد، مین دیگری، از نوع وی. اس. ۲۲ (ضد خودرو)، نیز وجود داشته که کاملاً خالی و فاقد مواد منفجره بوده است.

۴- تحقیقات نشان می دهد که خرابکاران با اطلاع از خشی نبودن مین ضد تانک فوق نقشه انفجار را با دقت طراحی و با فراغ بال اجرا کرده اند.

۵- طبق این تحقیق، و تحقیقات مستند برخی نهادهای مسئول که توجه آیت الله دری نجف آبادی را به آن جلب می کنم، انفجار به گونه زیر رخ داده است: خرابکاران در زیر غرفه نمایشگاه جنگ بمبی دست ساز و کوچک، با قدرت تخریب اندک، کار گذاشته اند که از طریق کنترل از راه دور منفجر شده است. این انفجار کوچک به عنوان چاشنی عمل کرده و به انفجار مین ضد تانک انجامیده و فاجعه حسینیه سیدالشهداء کانون رهیویان را آفریده است. به این دلیل، انفجار دقیقاً در زمان مورد نظر آنان رخ داده است.

۶- با توجه به توضیحات فوق، خرابکاران نمی توانستند با محیط کانون رهیویان وصال بیگانه باشند. به عبارت دیگر، آنان در کانون فوق دارای افرادی «نفوذی» و کاملاً مطلع از جزئیات بودند.

۷- علاوه بر مغایرت این تحقیقات با اظهارات وزیر اطلاعات، آنچه ماجرای شبکه ادعایی فوق را حساس تر می کند، و آن را به یکی از مسائل درجه اول ملی بدل می سازد، اوج گیری گام به گام تبلیغات در این زمینه و گسترش روزافزون دعای دربار ابعاد حیرت انگیز عملکرد این شبکه است که گویا، به گفته مقامات اطلاعاتی، از چند جوان کم سن و سال متأثر از شبکه های تلویزیونی فارسی زبان «لس آنجلسی» ایجاد شده! از زمان کودتای نوژه (۱۳۵۹) «سلطنت طلبان» به هیچگونه عملیات تروریستی و بمب گذاری در ایران دست نزده اند، و اصولاً در چنین قد و قواره و واجد چنین جرئت و جسارتی نبوده اند. تمامی عملیات مشابه در دوران جنگ تحمیلی و پس از آن از سوی فرقه رجوی (منافقین) و استخبارات حکومت صدام، با هدایت سالار جاف، اجرا می شد. معلوم نیست گروهی جوان هوادار رضا پهلوی، که با تیپ اجتماعی آنان کاملاً آشنایم، به ناگاه چگونه دارای چنین اقتدار و جسارت و انگیزه های آرمان خواهانه و قدرت سازماندهی شدند که برای انفجار سرکسولگری روسیه و لوله های نفت و حوزه های علمیه و مصلای تهران و غیره و غیره طراحی و حتی اقدام کنند! و معلوم نیست چرا از میان این همه برنامه عریض و طویل فقط انفجار حسینیه رهیویان شیراز تحقق یافت که آن هم منطبق با داده های

جنگ مغلوبه!

ارائه شده از سوی وزیر اطلاعات نیست.

۸- همزمانی این تبلیغات از سوی برخی کانون ها در ایران با اوج گیری بحران در منطقه (حوادث لبنان و تحولات درونی و احتمال کودتا در سوریه و تدارک حمله اسرائیل به سوریه در تابستان جاری) و پایان قریب الوقوع حکومت جنون آمیز نومحافظه کاران در آمریکا و اوج گیری بی سابقه تحرکات جنگ افروزان ضد ایرانی از سوی آنان، این بیم را برمی انگیزاند که تبلیغات فوق دستمایه ای برای ایجاد تعارض خونین میان ایران و آمریکا و تحقق ارزیوی شوم جنگ افروزان نومحافظه کار و صهیونیست باشد.

تصادفاً دو تن از این دستگیر شدگان، فرامرز شیخ الاسلامی و پسرخاله اش محمد شاه قطبی، را می شناسم. این دو را بسیاری از کسانی که در شیراز با امور رایانه و اینترنت به طور فعال سروکار داشته اند می شناسند. هر دو، به گمان من، از جوانان برجسته و بسیار با استعداد در امور رایانه ای، به ویژه نرم افزار، بودند که مشابه شان را در تهران ندیدم. دستگیر کردن این دو به اتهام بمب گذاری برایم بسیار عجیب و باور نکردنی بود. سایر دستگیر شدگان را نمی شناسم ولی اگر از جنس این دو تن باشند طنز «خرس سیاه و خرگوش سفید» در عالم واقع در شرف وقوع است!

شیراز مرکز اطلاعاتی مهم رژیم است و یکی از شهرهایی است که کادرهای رژیم اهل آنند و یکی از مراکز جنگ مافیها است:

*** شیراز مرکز اطلاعاتی مهم و مراکزی از مراکز مافیها گشته است:**

۱- وجود عقاید و ادیان و فرقه های مختلف در این استان از جمله زرتشتیان - یهودیان - بهائیان - مسلمانان از هر دو گروه شیعه و سنی.

۲- به جرات می توان گفت که پایگاه عمده اطلاعات ایران در استان فارس است و بسیاری از افراد رده بالای واواک و برخی از فرماندهان سپاه پاسداران از این استان می باشند از جمله:

• روح الله حسینیان کادرهای رده اول قوه قضاییه و واواک که به نمایندگی مجلس نیز منصوب شده است.

• سعید امامی که عبدالله شهبازی او را به بهائیت منتسب می کند و عامل نفوذی سازمانهای اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل و نفر اول واواک در بیش از ۱۰ سال و عامل بسیاری از ترورها و بمب گذاری ها در کشور و خارج از ایران.

• مصطفی کاظمی از جنایتکاران به نام واواک و یکی از عوامل قتل های سیاسی (فرورها و پوینده و...) او بمیرد، مرا خبر کردند. به بیمارستان

به تازگی به ترکیه گریخت و از قرار به ایران بازگردانده شد.

• واقفی رهبر گروه فداییان ناب نواب و مسئول حمله به اتوبوس امریکاییان در تهران و از یاران نزدیک به گروه جنایتکار واواک.

• عبدالله شهبازی از اشخاص مورد اعتماد خامنه ای و فرماندهان سپاه. کسی که به اسناد سری دسترسی داشته و از آنها در تهیه مطالب کتابها در باره ارتشبد فردوست و دکتر مظفر بقائی استفاده کرده است. کتاب اخیر او، جنگ مافیها را از تاریخ خانه به صحه باز و روشن و علنی آورد.

• نبی الله رودکی فرمانده سپاه پاسداران و نماینده مجلس

• عبدالعلی نجفی فرمانده سپاه فارس و سپاه انصار المهدی و گارد ویژه حفاظت مسئولان.

در حال حاضر جنگ میان دو طیف از مافیها شروع شده است. در این جنگ قدرت، با یکی از گروههای مافیایی باید از صحنه خارج شود و با توافق بر سر خورد و برد، متارکه شود.

*** عبدالله شهبازی بنا بر معرفی که از خود می کند:**

«...من به سراسر زندگی خود افتخار می کنم. هیچ نقطه ضعفی ندارم. بیش از همه کوشیده ام، آموخته ام، آموزانده ام. در شیراز امروز نه کسی پیشینه مبارزاتی مرا دارد، نه دانش مرا. نه کسی هست که به اندازه من با قلم خود به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی خدمت کرده باشد، نه کسی هست که در حد من در عالی ترین مناصب فرهنگی نظام جمهوری اسلامی جا گرفته باشد، و نه کسی هست که مانند من در سطح ایران و جهان به عنوان شخصیت علمی و سیاسی شناخته شده باشد.»

• او از توبه دهندگان بوده و با حسین شریعتمداری در بازجویی از سران بلند پایه نیروهای چپ همکاری داشته است:

«... در مسلمان شدن طبری سهم بزرگ داشتم. حسین آقا شریعتمداری نیز بحث می کرد. جذابیت شخصیت و کلام او مؤثر بود. بحث های نظری را من دنبال می کردم. در دورانی که با طبری مراد داشتم نه شلاقی در کار بود نه اجباری. رابطه ما بسیار صمیمانه بود. یقین دارم تقیه یا فرصت طلبی نکرد. نمی دانم چرا، ولی قلباً مسلمان شد و عمیقاً معتقد به مبداء و معاد. در اسفند ۱۳۶۵ پس از دیدار با آیت الله حائری در شیراز (۲۲ اسفند ۱۳۶۵) به تهران رفتم و سرزده به محل اقامت طبری در نیاوران. در یک خانه ویلایی می زیست و دو سرباز محافظش بودند. ساعت ۹ صبح بود. به سالن رفتم. محافظان طبری روی میبل نشسته بودند. از اتاق صدای قرآن یا دعا می آمد. نگاه کردم دیدم سر سجاده است و دعا می خواند. به دعا ابوحمزه ثمالی بسیار علاقه داشت. آرام بازگشتم. از سربازها پرسیدم از کی سر سجاده است. گفتند از اذان صبح؛ یعنی حدود سه چهار ساعت. نیم ساعتی نشستم تا راز و نیاز تمام شد. نذرش رفتم. از دیدنم بسیار شاد شد. گفتیم و شنیدیم. روزی که می خواست بمیرد، مرا خبر کردند. به بیمارستان

رفتم. بالای سرش من بودم و حسین شریعتمداری. دستم را در دستش گرفته بود و می فشرد. چهره اش زیبا و نورانی بود. نزد شریعتمداری از توانمندی های فکری من تجلیل کرد. شب شهادت حضرت علی (ع) مرد با آرامش.»

• اگر خوانندگان یادشان باشد یک روزی سعید امامی در مورد سیرجانی هم همین حرفها را میزد. و باز دانستی است که حسین شریعتمداری در جریان تصرف سفارت آمریکا توسط دانشجویان آموزش دعای ابو حمزه ثمالی را برای دانشجویان بر عهده داشت. در حال حاضر، دو دسته که اقلیتی را تشکیل می دهند، همکاری دیر هنگام خود را حفظ کرده اند: شماری از گروگان گیران که حاضر نیستند به خطای خود اعتراف کنند و در کودتای خرداد ۶۰ و سرکوبهای رژیم دست داشته اند و حالا دم از اصلاح طلبی می زنند و گروههای مافیایی که امثال شریعتمداری و احمدی نژاد و... سخنگویانشان هستند.

• شهبازی نویسنده بسیاری از کتابهایی است که توسط مؤسسه مطالعات و پژوهشها انتشار یافته اند. این مؤسسه وابسته به واواک می باشد. از جمله اند کتابهای زیر:

- کز راه (خاطرات احسان طبری)

- خاطرات ایرج اسکندری

- خاطرات نورالدین کیانوری هر سه کتاب ویراسته من (شهبازی) است.

- مؤلف جزوه ۱۲۰۰ صفحه ای که در هفته های اخیر توسط مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، با نام "حزب توده، از شکل گیری تا فروپاشی" منتشر شده و قریب دو دهه در دانشکده اطلاعات تدریس می شد من (شهبازی) هستم که با درخواست من، بدون ذکر نام مؤلف، اخیراً نیز بار دیگر منتشر شده است.

- کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، مشتمل بر خاطرات ارتشبد فردوست و پیوست های من (شهبازی) در دو جلد. این کتاب که به عنوان پرتیراژترین و مؤثرترین کتاب تاریخی پس از انقلاب شناخته می شود، اثر من است.

• وی مسئول آموزش در حفاظت اطلاعات سپاه بوده است و اصولاً خود را از سپاه پاسداران می داند و به احتمال بسیار زیاد در اطلاعات سپاه پاسداران مشغول بوده است.

• بولتن سازی: بنا به گفته شهبازی در کتاب خود او یکی از بولتن سازان بوده است که بولتن هایی را به سفارش برخی از مسئولان و مقامات تهیه می کرده است و به سران نظام می داده است. در دوستی وی با شریعتمداری و حسین پناه و سعید امامی شکی نیست زیرا همه آنها از مسئولان و بلند پایگان بولتن سازی بوده اند.

درگیری میان نیروهای واواک از یک سو و نیروهای سپاه پاسداران از سوی دیگر موجب افشای مافیایی این دو گروه از سوی وی و یاران وی شده است.

آنگونه که شواهد حکایت می کنند وی و یاران وی تصمیم گرفته اند در صورتی که بتوانند با حمایت از رهبری و احمدی نژاد و برخی از نیروهای وفادار به نظام دست به تصفیه، ولو خونین، سپاه و واواک و قوه قضاییه بزنند. در حال حاضر، قاضی مرتضوی جای لاجوردی را گرفته و دستگاه گسترده ای را ایجاد کرده و تحت نظر مستقیم خامنه ای عمل می کند.

در صفحه ۱۰



سیاست تشدید فقر در ایران و هزینه کردن درآمدهای کشور در خارج:

انقلاب اسلامی: نوشته زیر را از ایران دریافت کرده ایم. محرک نویسنده آن، خودکشی های کارگران و غیر کارگران از شدت فقر است:

کشوری که به لحاظ دارا بودن منابع نفتی در مکان چهارم جهان قرار دارد و به دلیل وجود منابع گازی در مقام دوم کشورهای دارای ذخایر گازی در جهان است کارگزارش به دلیل فقر مالی دست به خودکشی میزند. در همان حال، رانت خواران نیمی از تولید ناخالص داخلی را می برند و بخش های رژیم به عمده استبداد در داخل و بابت «استقرار نفوذ» در منطقه، اندازه نمی شناسد. بنا بر خبرهای منتشر شده و نشده،

● ایران حقوق معوقه شش ماه کارمندان دولت حماس در غزه را پرداخت کرد (اخبار مطبوعات).

● ایران حقوق معوقه شش ماهه ماهیگیران دولت حماس را پرداخت کرد. (اخبار مطبوعات).

● ایران هزینه های سه ماهه چند وزارت خانه دولت حماس را پرداخت کرد. (اخبار مطبوعات).

● ایران ۵۰ هزار دلار به دولت حماس کمک کرد. (اخبار مطبوعات).

● ایران یک میلیارد دلار به دولت عراق کمک کرد. (اخبار مطبوعات).

● ایران بخشی از هزینه های بازسازی دولت افغانستان را پرداخت کرد. (اخبار مطبوعات).

● ایران بخشی از ویرانی های لبنان را بازسازی می کند (اخبار مطبوعات).

● به گزارش سرویس بین الملل «تاناک»، به نقل از «الاکسار»، خوش نویس، نماینده محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران برای پیشبرد برنامه های ایران در بازسازی لبنان است که به طور دائم در این کشور مستقر شده و پروژه های بازسازی بسیاری را اداره می کند. وی تاکید می کند که مبلغ مهم نیست بلکه آنچه مهم است نتایج این بازسازی است و ملت لبنان مطمئن باشد که پروژه هایی که ایران برعهده گرفته است، بر اساس شاخص های بین المللی و استانداردهای جهانی اجرا شده و در این زمینه از مهندسان و کارشناسان و مشاوران خبره و متخصص استفاده می کنیم و بر پیمانکارانی که این پروژه ها را برعهده گرفته اند کنترل مستقیم داریم. ما ارزیابی های ماهیانه بر پروژه ها انجام می دهیم تا در هیچ مرحله ای از استانداردهای جهانی فاصله نگیریم.

بهترین نمونه برای بیان فعالیت های بازسازی هیات ایرانی، موضوع جاده سازی است که در این مورد ۱۱ پروژه اساسی و مهم جاده سازی به طور کامل اجرا شده و یا در حال تکمیل است. خوش نویس می گوید:

۱۶۵ کیلومتر از ۵۸۲ جاده فرعی و داخلی تکمیل شده و ۱۹۹ کیلومتر از بزرگراه بعلبک به بزالیه در حال تکمیل است. احداث ۱۰۹ کیلومتر از ۱۲ جاده دیگر نیز در حال مطالعه و بررسی در صفحه ۱۱

جنگ مغلوبه!

در قتل شادروان فروهر و همسرش و نیز مختاری و پوینده و دیگر مبارزانی که در دوره خاتمی به قتل رسیدند نیز همین بازی را در آوردند و قتل آنها را به گروه های خارجی و سازمان های جاسوسی نسبت دادند. بعد معلوم شد که کار خود نیروهای امنیتی و اطلاعاتی وابسته به خامنه ای و «بیت رهبری» بوده است.

* مافیای های اعتناء به محتوای کتاب شهبازی بکار خود مشغول بودند:

● حدود سه سال بود که عبدالله شهبازی در حال نوشتن کتابی در مورد باند مافیای زمین خوار شیراز بود. اطلاعاتی و داده هایی که از سوی وی قرار بود منتشر شود یکی از مافیاهای استان فارس را با مشکل روبرو می ساخت.

طبق معمول، باند مافیایی زمین خوار که طی سالهای گذشته هزار میلیارد تومان از اموال مردم را به یغما برده بودند متشکل بودند از افراد قوه قضاییه و سپاه پاسداران و اوواک و امام جمعه شیراز و گروه مافیایی سیاسی و گروه مافیایی رسانه ای.

اطلاعاتی که شهبازی از گردانندگان باندهای زمین خوار و نیز گروه های بهایی مسلمان شده به دست آورده بود کار را بر این افراد سخت می کرد. به خصوص زمانی که شهبازی نوشت سعید امامی و روح الله حسینیان و برخی دیگر از مسئولان وابسته به اوواک از افراد نزدیک به این فرقه بوده اند.

● اسناد و اطلاعات فاش شده رد پای مقام های قضایی و نظامی و سیاسی را نیز نشان دادند. مافیای ایران که بخشی از آن در شیراز مستقر است تلاش نمود گریبان خود را از این مشکل برهد:

قبل از عید سال ۸۷، اطلاعاتی منتشر شدند. گفته شد که کتاب شهبازی در حال تکمیل است و به زودی منتشر خواهد شد و این اطلاعات به تفصیل و مستند در این کتاب گردآوری شده اند. مافیاهای وابسته به نظام در شیراز فکر می کردند می توانند سر او را هم زیر آب کنند. به همین دلیل به کار خود ادامه داده بودند و حتی در بهمن و اسفند سال قبل با وجود انتخابات، آنها دست به مسطح کردن زمین های کوهپایه های دلو با لودر کردند تا بتوانند با فروش آنها هر چه بیشتر مال مردم را به چنگ باندهای خود در آورند.

تکته جالب اینکه از زمان به سر کار آمدن احمدی نژاد گروه های مافیایی متوجه شده اند که عمر حاکمیتشان کوتاه خواهد بود. به این دلیل با سرعت بخشیدن به کسب اموال نامشروع تلاش کردند که هر چه بیشتر بخورند و ببرند.

انقلاب اسلامی: گستردگی فساد در ایران و جنگ مغلوبه در درون رژیم و بحران های اتمی و... با بحران تورم و رکود فعالیت اقتصادی همراه شده اند:

مقدس از جمله مساجد را منفجر نمایند و برخی از ائمه جماعت را بربایند. این جمله آخر بسیار جالب بود. زیرا نخست دو امام جمعه انفجار را حادثه ای غیر عمدی خواندند و حالا اعلام می شود ائمه جماعت در معرض ربوده شدن قرار دارند. با توجه به ساختگی بودن اطلاعات، این پرسش محل پیدا می کند: آیا جنگ مافیای می تواند دامن بگسترد و یا مافیاهای نظامی - مالی به روحانیان قدرت طلب اخطار می کنند دوره حاکمیت شما تمام شده است و از این پس باید تابع باشید؟

● در زمان حضور خامنه ای در شیراز، «وزیر» کشور برکنار شده در کنار «وزیر» اوواک نزد او رفته و چنین گزارش داده اند:

«... همان طور که وزیر اطلاعات اعلام کرده اند گروهی در این ارتباط شناسایی شدند که با کشورهای انگلیس و آمریکا ارتباط داشته و چند نفر در این ارتباط دستگیر شده اند.

... ماقبل از این که به شیراز برویم، گزارش هایی به من و وزیر اطلاعات رسید که عوامل حادثه دستگیر شده اند و برای ما قطعی شد که حادثه خرابکاری بوده است. بعد از آن که به شیراز رفتیم. همان جا خدمت مقام معظم رهبری سر نماز مغرب و عشا قضیه را مطرح کردیم و ایشان نیز به ما گفتند بروید و به مردم بگویید که در همین راستا در جمع خانواده های شهدا و جانبازان این حادثه حضور یافتیم. گروهی که دستگیر شده اند به سلطنت طلبان وابسته بوده اند.»

● اما در این مورد سخنگوی قوه قضاییه چنین می گوید: سخنگوی قوه قضاییه علیرضا جمشیدی، روز گذشته در یک مصاحبه خبری، اظهارات وزیر کشور و وزیر اطلاعات درباره انفجار شیراز را دنبال کرد و ضمن تکرار همان ادعاها، فقط اضافه کرد که ۱۲ تن دستگیر شده اند. او مدعی شد که آنها اسلحه، مهمات، تجهیزات ساخت بمب و سیانور داشته اند. و قصدشان بمب گذاری در جاهای پر جمعیت بوده است. در این رابطه دخالت بیگانگان به ویژه آمریکا و انگلیس به خوبی مشخص شد. آموزش ساخت بمب توسط بیگانگان و تامین مالی تروریستی به صورت شفاف با حسابی که داشتند از طرف عوامل بیگانه مشخص شد و در مراحل اولیه همی این افراد به این مسائل اقرار و اعتراف کردند. همچنین عوامل اصلی در مراحل اولیه وابستگی شان را به کشورهای آمریکا و انگلیس پذیرفتند.

«در مورد ترورها هم بد نیست اشاره ای به ترور کشیش های مسیحی در همین شهر شیراز داشته باشیم که اخبار افشا شده به ما می گوید که قتل هر سه کشیش مسیحی در این شهر به دست افراد وابسته به اوواک صورت گرفتند و برای رد گم کردن سه زن زندانی از وابستگان به سازمان مجاهدین را با فریب وادار به اعتراف به این قتل ها کردند. بعد هر سه نفر آنها دستگیر شده و موقوف گشتند. اما سر نخ قضیه در میان نیروهای امنیتی و اطلاعاتی وابسته به رژیم ولایت فقیه بود. ولی آن را به گروه مجاهدین نسبت دادند.

درگیری در مسجد مکی زاهدان نسبت دادند. اما بعدها معلوم شد که سازمان ترور رژیم، در زمان وزارت فلاحیان و معاونت سعید امامی، در این بمب گذاری دست داشته اند.

۳ - بمب گذاری در میدان - فلکه آب مشهد. در آن انفجار برخی از هموطنان مشهدی به قتل رسیدند و در سال های بعد از سال ۷۷، سازمان قضایی نیروهای مسلح با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرد که نتایج بازجویی ها از دستگیرشدگان پرونده «قتل های زنجیره ای» روشن کرده که بمب گذاری در فلکه آب مشهد توسط نیروهای تحت امر سعید امامی صورت گرفته است.

بعد از مشاهده فعالیت های سازمان ترور رژیم، هر زمان که بمبی منفجر می شد مردم رژیم را عامل آن می دانستند. در واقع، رژیم ولایت فقیه در بمب گذاری و ترور متخصص شده است. هر زمان که نیاز به بحران داشته باشد، به راحتی بمبی را منفجر می کند و به بهانه آن، شرایط ویژه ای را به وجود می آورد و دست به بگیر و ببند و ضرب و شتم مردم می زند. یا هر زمان که متوجه می شود بلوایی در شرف وقوع است برای اینکه بتواند آن بحران را از خط خارج سازد دست به انفجار بمبی یا تروری می زند تا جهت ها را تغییر دهد. سران رژیم عموماً بمب گذاری ها و ترورها را به گردن گروه هایی که شناخته شده هستند می اندازند. از جمله، سلطنت طلب ها و مجاهدین خلق و گروه محمد ریگی در زاهدان و خلق عرب در خوزستان و کردهای استانهای کرد نشین و گاهی هم یهودیان و بهائیان.

و بمب گذار یا تروریست را به گروه های خط گرفته از سازمان های جاسوسی سیا، اینتلیجنت سرویس، موساد و... مرتبط می سازند اما بعد از مدتی مسئله روشن می شود و مردم می فهمند که نظام بار دیگر دست به بمب گذاری یا ترور زده است.

در مورد انفجار شیراز، اخبار منتشر شده از سوی رژیم که با اتفاقی خواند انفجار آغاز شدند و به عمدی و کار یک گروه تعلیم یافته توسط آمریکا پایان یافتند، دروغ سازیهائی چنان ناشیانه بودند که برخی از اطلاعاتی ها هم، در نوشته های خود دروغ بودن آنها را آشکار کرده اند:

● مسئولین محلی که به هیچ وجه در ابتدا در مورد بمب گذاری صحبت نمی کردند و می گفتند که بر اثر انفجار مواد منفجره ادوات نظامی موجود در نمایشگاه حادثه رخ داده است.

● امام جمعه های تهران (جتی) و شیراز (حائری) آن را حادثه خواندند.

● شورای امنیت به ریاست «وزیر» کشور وقت، پور محمدی، آن را حادثه ای غیر عمدی برآورد کرد.

● وزیر اوواک سکوت گزید. اما بعد از چند روز اعلام کرد بمب گذاری و عمدی بوده است. به دنبال آن، گروهی را که هر روز بر تعدادشان افزوده می شدند، دستگیر کردند و آنها وابسته به سلطنت طلبان خواندند که از سوی آمریکا و اسرائیل هدایت می شده اند. مدعی شدند برنامه ریزی دقیقی برای ایجاد تنشج در کشور کشیده بودند که قرار بود اماکن

به همین دلیل است که دست به تهیه کتابی در مورد زمین و ثروت و... زده است. قطعاً با هماهنگی نیروهای هوادار در میان دانشجویان و نهادها به این کار دست زده است. انتشار کتاب موجب افشای برخی از باندهای وابسته به مافیا در نظام ولایت فقیه شده است. افشای باندها درگیری میان آنها را شدت داده است. انفجار در حسینیه شیراز حاکی از شدت گرفتن جنگ قدرت میان این دو گروه است.

سالهاست که مردم ایران با واژه هایی مانند بمب گذاری و ترور آشنا هستند و به جرات می توان گفت که هر زمان چنین اتفاقی می افتد مردم حرفها و اخبار نظام ولایت را باور نمیکنند. به چند نمونه از بمب گذاری های مشکوک که دست مافیاهای نظام در آن بوده است اشاره می کنیم:

۱ - انفجار در اهواز: سال گذشته احمدی نژاد قرار بود به اهواز برود ولی روز قبل از آن، پور محمدی چنین پیش بینی کرد: «این روزها تهدیدات خارجی تشدید شده و تصور می کنیم که دشمنان ایران دوباره به روش های سنتی روی آورده اند.» فردای آن روز که قرار بود احمدی نژاد به اهواز برود دو بمب منفجر شد. فرماندار اهواز ساعتی پس از وقوع این انفجارها اعلام کرد عاملان بمب گذاری های روز سه شنبه همان عوامل انفجارهای ماه های گذشته اهواز هستند. این در حالی بود که به گفته وزیر اوواک و سایر مقام های مسوول، عاملان بمب گذاری های پیشین همگی بازداشت شده بودند و بررسی های امنیتی و قضایی در مورد آنها ادامه داشت.

همزمان معاون سیاسی - امنیتی استانداری خوزستان ساعتی پس از انتشار خبرهایی مبنی بر انفجار چند بمب در محل و ساعتی که قرار بود احمدی نژاد در اهواز باشد، در مصاحبه با خبرنگاران، هرگونه ارتباط بمب گذاری در اهواز را با لغو سفر رئیس جمهوری به استان خوزستان راد کرد!

معاون سیاسی - امنیتی استانداری خوزستان نیز مانند سایر مقام های امنیتی کشور گفت: «تمام کسانی که در بمب گذاری های قبلی دخالت داشته اند دستگیر شده اند. کسانی هم که در چند مورد قصد بمب گذاری داشتند، پیش از اقدام دستگیر شدند و هم اکنون تعدادی از این افراد مراحل قضایی شان شروع شده است.

مسعود ده نمکی در همان روزها در نشریه صبح دو کوهه نوشت:

«...دست هایی برای از سر راه برداشتن احمدی نژاد فعال شده اند.»

۲ - انفجار در حرم امام رضا (ع) در ساعت ۱۴ روز دوشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۷۲ در حالی رخ داد که رواق ها، صحن ها و اطراف مرقد هشتمین امام شیعیان از جمعیت موج می زد. بر اثر شدت انفجار که بعد ها اعلام شد معادل ۱۰ پوند ماده منفجره تی. ان. تی بوده، سیمصد تن مجروح شدند و ۲۷ نفر جان خود را از دست دادند. اندکی بعد برخی مقام های امنیتی اعلام کردند که این بمب گذاری توسط مجاهدین خلق صورت گرفته و برخی نیز آن را به انتقام جویی گروه های افراطی سنی و به تلافی تخریب مسجد فیض و



است. ۶۱ کیلومتر از ۷۲ جاده دیگر در نیز حال اجرا است. او اضافه می کند که با نمونه گیری از خاک و آسفالت سابق به نتایج عجیبی رسیدیم که ارائه این اطلاعات می تواند به رسوایی شرکت ها و پیمانکارانی که قبلاً ساخت جاده های لبنان را برعهده داشتند منجر شود. بعد از انجام آزمایش های لازم و بنا به نتایج نمونه گیری از خاک محل جاده کشی به تناسب هر لایه یک نوع سنگفرش باسکورس و یک نوع آسفالت ریخته شد تا آنجا که در برخی مناطق ساحلی بیش از ۷۰ سانتیمتر باسکورس و ۵ سانتیمتر آسفالت ریخته شد. در این راستا مجبور شدیم به تناسب خاک برخی مناطق لبنان، ماده عایقی را از ترکیه و ایران و یونان وارد کنیم که به آن «جیو تکستال» گفته می شود. این ماده تاکنون در لبنان استفاده نشده است. با وجود اینکه در برخی مناطق کاملاً ضروری است و در این راستا مجبور شدیم در برخی اماکن جاده را وسیع کنیم تا تأثیرات آب و هوا به آن آسیب زیادی نرساند. در نقشه هایی که شورای توسعه و

جنگ مغلوبه!

● شورای شهر تهران پرداخت ۳ میلیارد تومان از بودجه شهرداری تهران جهت کمک به لبنان را تأیید کرد.
● ایران دانشجویان لبنانی - فلسطینی - سودانی - سوری و... را به صورت رایگان در دانشگاه های ایران می پذیرد. (اخبار مطبوعات و وب سایت ها)

● برخی از دانشجویان لبنانی و فلسطینی در دانشگاه های نظامی ایران به صورت رایگان مشغول به تحصیل هستند. (اخبار مطبوعات و وب سایت ها)

این خبرها حاکی از آنند که رژیم مافیای تمام توجه خود را که معطوف به موقعیت یابی در کشورهای منطقه کرده است و نه تنها نگران گرفتار فقر و خشونت شدن مردم ایران، نیست بلکه خود عامل فرورفتن این مردم در فقر و خشونت است. وگرنه، ارقام این « کمک » ها در مقایسه با ۳۲ میلیارد

مهندس خوش نویس تأکید نمود که اقدامات و فعالیت های بازسازی هیأت ایرانی برنامه های مقطعی و موقتی و زودگذر نیست بلکه برنامه های آن استراتژیک است و برای همین فعالیت این هیأت برای سه سال دیگر تصویب شده و اکنون مشغول فعالیت های عمرانی و آبادانی است

جدول ذیل اقدامات هیأت ایرانی بازسازی لبنان:

● ایران بازسازی بقاع متبرکه در عتبات عالیات در کربلا، نجف، سامره و ... را ادامه می دهد. (اخبار مطبوعات) . جانشین ستاد بازسازی عتبات عالیات در مورد بازسازی های انجام شده می گوید: «... ساخت برج نور، سالن و مهمانسرا را از فعالیت های این ستاد در نجف اشرف برشمرد و گفت: از سوی این ستاد سالن مسقف برای زائران،

نام پروژه	نماد پروژه های تکمیل شده	در حال تکمیل	در حال بررسی	مجموع پروژه ها
مدرسه و آموزشگاه فنی	۱۴۰	۱۰	۷	۱۵۷
اماکن عبادتی	۵۰	۱۳	۲	۶۵
مراکز پزشکی و بهداشتی	۱۹	۰	۱	۲۰
پل های بزرگ و مهم	۱۰	۴	۶	۲۰
پل های فرعی و کوچک	۱۳	۷۷	۰	۹۰
انتقال و تولید برق	۸۷	۲	۱۸	۱۰۷
پروژه های شهرداری و زیباسازی	۱۳	۱	۵۶	۷۰
جاده های اساسی	۱۹۹ کیلومتر	۱۲ کیلومتر	۱۰۹ کیلومتر	۲۴۴ پروژه
جاده های فرعی و داخلی	۱۵۶ کیلومتر	۶۱ کیلومتر	۲۵۰ کیلومتر	۶۸۳ پروژه
زیرساخت	۱۲	۵۸	۰	۷۰
پاکسازی مین	۰	۰	۲	۲
مجموع پروژه ها	۹۸۰	۱۹۱	۱۳۷	۱۳۰۸

دلاری که به حساب خزانه واریز نشده و رانت خواری ها و فسادها که افشاگری های مافیای رقیب موجب آگاهی مردم از آنها می شود، ناچیز هستند.

جالب اینجاست که در این بین وزیری نادان از حکومت جاهلان اعلام کرده است که در ایران هیچ کس زیر خط فقر نیست. در زیر گفته های این نابغه حکومت برتر هزاره سوم را بخوانید:

عبدالرضا مصری، که قاعدتاً و بنا بر مسوولیتی که در دولت دارد، باید مدافع حقوق نیازمندان و قشرهای کم درآمد و آسیب پذیر جامعه باشد، در گفت و گو با باشگاه خبرنگاران جوان، در واکنش به اخباری که اخیراً درباره جمعیت زیر خط فقر مطلق منتشر شده گفته است: « جمعیت زیر خط فقر مطلق در کشور وجود ندارد! » و البته دلیل ادعای او هم، کاملاً منحصر بفرد و شنیدنی است: « چون به مددجویان خود ماهانه ۲۵ الی ۵۰ هزار تومان حقوق می دهیم!! »

ای کاش، آقای وزیر، لااقل این استدلال (!) را ضمیمه ادعای خود نمی کرد. جهت اطلاع آقای مصری باید بگویم که درآمد هر وزیر و وکیل در این کشور بی حساب و کتاب تقریباً در حالت عادی برابر است با درآمد ۲۰۰ تا ۳۰۰ مدد جو . مصری اگر وجدان داشته باشد می داند که درآمد

کتابخانه و سرویس بهداشتی مجهزی احداث شده است. در شهر کاظمین یازده هزار مترمربع از سنگ های صحن های متبرکه و نیز درب های حجره ها تعویض شده است و در آینده نزدیک طلاکاری گنبد امام جواد(ع) به پایان خواهد رسید. در شهر نجف مرکز تحقیقاتی با چهار هزار مترمربع، کتابخانه ای با هفت هزار مترمربع با گنجایش سیصد هزار کتاب با سه سالن قرائتخانه، موزه و مرکز همایش ها از جمله بناهایی است که در توسعه حرم حضرت امیر(ع) مورد توجه قرار خواهد گرفت. در کربلا مجتمع خدماتی با چهارده هزار مترمربع برای زوار، آشپزخانه ای با ده هزار طبخ غذا و آموزشگاه خدام در جوار حرم سیدالشهدا(ع) در حال احداث است. احداث دارالشفای سی و چهار تخت، طرح جامع حرمین مطهر و طرح بزرگ کربلا با وسعت ۴۰ کیلومتر مربع را در برنامه بازسازی داری

● ایران بازسازی بقاع متبرکه در سوریه را انجام داد .

● اخبار مطبوعات . ایران به هر خانواده شهید لبنان و فلسطین کمک هزینه پرداخت می کند . (اخبار وب سایت ها) . ● ایران جهت بازسازی خانه های لبنانی به هر خانه ۶ هزار دلار پرداخت کرد . - اخبار وب سایت ها .

بازسازی لبنان برای بزرگراه بعلبک به بزایه وضع کرده، مقرر شده که این اتوبان باید قدرت تحمل عبور و مرور ۸ میلیون تا ۹ میلیون سواری و کامیون را داشته باشد تا دوباره نیاز به بازسازی داشته باشد؛ ولی ما شاخص ها و استانداردها را بالاتر بردیم تا این اتوبان قدرت تحمل عبور و مرور ۲۰ میلیون سواری و کامیون را داشته باشد.

● جمهوری اسلامی تا کنون ۱۰ پل اساسی را به اتمام رسانده است و ۴ پل دیگر در حال تکمیل است و ۱۳ پل فرعی و کوچک نیز تکمیل شده و ۷۷ پل دیگر در حال تکمیل است.

با ارقام و مبالغی که مهندس خوش نویس ارائه داد مشخص شد که چرا وی از ارائه میزان هزینه ها خودداری می کند، همان علی که باعث شد مبلغ ۴۴ میلیارد دلار بدهی عمومی برای ملت لبنان انباشت شود. در این راستا وی اتهاماتی را که ایران در ماورای این بازسازی ها اهداف سیاسی دارد را رد کرده و گفت اگر ما اهداف سیاسی داشتیم بارو کردن این آمار و ارقام حکومت ها را رسوا می کردیم. وی افزود که سیاست های جمهوری اسلامی ایران احترام به همه دیدگاه های سیاسی است ولی در مقابل هنگامی که با عکس العمل نخست وزیر لبنان با پروژه های خود روبرو شدیم بسیار ناامید شدیم.

آموزش و پرورش و ... دارد . راستی اگر این مدد جو پوشاک بر تن نداشته باشد آقای سردار رادان او را بعنوان آرازل و اوباش دستگیر و قوه قضائیه او را اعدام نمی کند!! و کارگری که ۳۰ سال کار کرده است و امروز حقوق معوقه او را نیز نمی پردازند، دستش از همین ۲۵ هزار تومان در ماه نیز کوتاه است . امروز، او دست به خودکشی می زند . اما زود است که پی می برد چاره کارش قیام برای حقوق خویش و کوتاه کردن دست مافیای از دولت و سر نوشت مردم ایران است.

* در سال جاری از قدرت خرید دستمزدهای کارگران

بیشتر کاسته می شود:

◀ به گزارش نشریه اعتماد (۲۱ خرداد ۸۷)، حداقل دستمزد اسمی کارگران در سال ۸۷ در حالی به مرز ۲۱۰ هزار تومان در ماه رسید که با تعدیل این رقم با نرخ تورم و تبدیل آن به نرخ دستمزد واقعی به رقمی پایین تر از سال های گذشته خواهیم رسید: در سال ۸۵ که اقتصاد ایران تورم ۱۲ درصدی را تجربه کرده بود، افزایش ۱۹ درصدی در حداقل دستمزد اسمی کارگران نسبت به سال ۸۴، سبب رشد دستمزد واقعی کارگران در این سال نسبت به سال ۸۴ تنها بمیزان ۴/۳ درصد شد. اینک با در نظر گرفتن تورم ۱۸ درصدی در سال ۸۶ و تورم ۲۰ درصدی در دوازده ماه منتهی به اردیبهشت ۸۷ و رشد ۲۴ هزار تومانی حداقل دستمزد اسمی در سال ۸۷ نسبت به سال ۸۶ کاهش شدید قدرت خرید کارگران و افت حداقل دستمزد حقیقی کارگران آشکار خواهد شد.

چرا قیمت نفت بالا می رود؟، ۸۰ میلیارد دلار واردات؟!، ۱۲ میلیون تن واردات گندم و...

* چرا قیمت نفت افزایش می

یابد؟ دو علت یکی کاهش

ارزش دلار و دیگری چشم انداز

حمله امریکا و اسرائیل به ایران:

◀ پل گرگ روبرتس در اینفورمیشن کلیرینگ هوس (۱۱ ژوئن) به این پرسش پاسخ گفته است:

● بالا رفتن بهای نفت را چگونه توضیح بدهیم؟ زیر سر شرکتهای نفتی است؟ زیر سر اوپک است؟ توطئه چاوز و عربستان سعودی است بر ضد ما است؟ بنظر من، هیچیک از این ها دلیل بالا رفتن بهای نفت نیست . علت اصلی کاهش ارزش دلار و نقدینه ایست که خزانه داری دائم بر حجم آن می افزاید.

● دلار ضعیف است زیرا کسر بودجه ما و کسر بازرگانی ما بسیار زیاد است . حکومت امریکا نیز هیچ تصمیمی بر کاستن از این کسری ندارد . به این دلیل که قدرت خرید دلار کاهش می در صفحه ۱۲

وی ماهیانه بیش از ۱۰ میلیون تومان است البته بدون در نظر گرفتن امتیازات نامشروع از قبیل دریافت زمین و مجوز واردات و صادرات و مجوز زیر میزی برخی از وزرای دیگر و ...

او می داند که حقوق ماهیانه اش بیش از ۲ میلیون تومان است . و مددجویان مجبور هستند برای زندگی مرفه این وزیر بیش از ۱/۵ میلیون تومان از هزینه های اجازه مسکن ، آب و برق ، تلفن ، موبایل ، گاز و ... او را پرداخت کنند .

این وزیر، حقوق راننده ، محافظان ، همراه و اتوموبیل که حداقل برابر با ۳ میلیون تومان در ماه است را نیز بر گردن مردم و مددجویان انداخته است .

او می داند که هر وزیر و وکیل در این کشور به طور متوسط سالیانه مجوز یک خودرو و هر دو سال یکبار یک واحد مسکونی را دریافت می دارند و مابه التفاوت آن مبلغ بسیار گزافی خواهد شد که فشار آن بر همین مردم و مدد جویان وارد می شود . زیرا می باید از آنها دریغ کنند تا به اینها بیشترین حقوق و مزایا را پردازند . این وزیر نایبه می داند که هر وزیر و وکیل بعد از پایان دوره خدمت «صادقانه » به مستضعفان، مبلغی میان ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان را به عنوان دستخوش دریافت می دارند که هزینه پرداخت آن نیز بر عهده همین مردم است .

با وجود این واقعیتها، او مدعی می شود که در ایران کسی زیر خط فقر مطلق نیست . البته شاید تا زمان بر سر کار آمدن احمدی نژاد و این وزیر، تعداد کسانی که زیر خط فقر زندگی می کردند بسیار کم بود اما الان از رهگذر سیاست اقتصادی و « عدالت گستری » این جاهلان کار به جایی رسیده که بسیاری از مردم زیر خط فقر زندگی می کنند . جهت اطلاع وزیر حکومت عدالت محور باید اضافه کنیم که آقای مصری پنداری هر تومان را یک دلار به حساب می گذارد و گمان می برد ۲۵ هزار تومان (۲/۸ دلار) را برای یک زندگی کافی می دانند . در زیر به حداقل مواد مورد نیاز برای زنده ماندن یک نفر و قیمت های آنها را می آوریم باشد که همگان پی ببرند چه کسانی بر ایران حکومت می کنند:

● کل مبلغ درآمد یک مدد جو در ماه ۲۵۰ هزار ریال می باشد در زیر قیمت چند کالا را برای مثال می آوریم

- قیمت یک کیلو گوشت ۹۰۰۰۰ ریال .

- قیمت یک عدد مرغ ۵۰۰۰۰ ریال

- قیمت یک کیلو ماهی ۴۰۰۰۰ ریال

- قیمت یک کیلو برنج ۳۵۰۰۰ ریال

- قیمت هر عدد نان سنگک ۳۰۰۰ ریال .

- قیمت یک قالب پنیر ۴۵۰ گرمی ۲۰۰۰۰ ریال .

آقای وزیر اگر از هر کدام از این اقلام به مقدار یک کیلو در طول یک ماه خریداری کند و حتی یک نان در یک ماه مصرف کند در آمدش تمام خواهد شد بدون آنکه توان استفاده از مواد مورد نیاز دیگر از قبیل مسکن ، بهداشت، درمان ، شیر ، میوه ، حبوبات ، روغن ، صیفی جات ، ایاب و ذهاب و پوشاک و ... را پیدا کند .

آقای وزیر! مدد جوی نیاز به مسکن دارد و نیاز به پوشاک دارد و نیاز به



باید، فروشندگان نفت و دیگر مواد تقاضای دلار بیشتری در ازای کالای خود می‌کنند.

• برای جلوگیری از رکود سخت، خزانه داری حجم بزرگی از نقدینه را به اقتصاد تزریق کرد. چون می‌دانست که کاهش سبب بالا رفتن بهای نفت و نیاز بیشتر به دلار برای خرید نفت می‌شود. صندوقهای تضمین در برابر تورم و مؤسسات سرمایه‌گذاری سرمایه‌های از دست رفته و لاوصول خود را با سودهای حاصل از بورس بازی در قلمرو نفت و گاز و قراردادهای آینده فروش آن، جبران می‌کنند. همانطور که یک بورس باز بالا رفتن قیمت‌ها را وسیله سودجویی می‌کند و خود نیز عامل تشدید تورم می‌شود. این ارزیابی که در طول ۱۰ سال آینده قیمت نفت افزایش می‌یابد، دنیا را بکام این گونه مؤسسه‌ها می‌کند و به خزانه داری امکان می‌دهد بر حجم نقدینه بیفزاید و تگران کاهش ارزش خارجی دلار نباشد.

• عامل دیگری با عامل کاهش ارزش مبادله دلار با ارزهای دیگر همراه است: چشم انداز حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران است. این چشم انداز، تقاضا کنندگان نفت را بر آن می‌دارد از بیم قطع شدن جریان نفت، آن را بخرند و ذخیره کنند. هیچکس از پی آمدهای این حمله آگاه نیست و همین نا آگاهی و عدم اطمینان محرک خریداران به خرید بیشتر نفت است. نتیجه بالا رفتن بهای نفت است.

• علی النعیمی، وزیر نفت عربستان سعودی، بنازگی گفته است: «دلیل موجهی برای بالا رفتن کنونی بهای نفت وجود ندارد». مقصود او اینست که عرضه نفت کمتر از تقاضای آن نیست. پس چون دلیل واقعی وجود ندارد، پس عامل گرانی نفت، بورس بازی و دلایل روانی هستند. بیهوده نیست که افزایش قیمت نفت با شمشیر داموکلس تهاجم نظامی را بر سر خاورمیانه نگاه داشتن، از سوی آمریکا و اسرائیل، همزمان است. بیشترین افزایش قیمت مربوط به ۱۸ ماه اخیر است. وقتی بوش در سال ۲۰۰۳، عراق را تصرف کرد، بهای هر بشکه نفت بطور متوسط ۲۷ دلار بود. که اگر کاهش ارزش داخلی دلار را در نظر بگیریم، بهای هر بشکه نفت در سال ۲۰۰۷، می‌باید ۳۱ دلار می‌شد. اما در سال ۲۰۰۴، ۱۰ دلار به بهای هر بشکه نفت افزوده شد و در سال ۲۰۰۵، ۱۲ دلار دیگر بر بهای آن افزوده شد و در سال ۲۰۰۶، باز هم ۶ دلار به بهای آن افزوده شد. در سال ۲۰۰۷ نیز ۴ دلار به بهای نفت افزوده شد. در نتیجه، بهای نفت در ۲۰۰۷، ۶۵ دلار شد. اما در ماههای اخیر، بهای نفت به بشکه ای ۱۳۵ دلار افزایش یافت. ۷۰ دلار افزایش قیمت ظرف چند ماه، توجیه اقتصادی ندارد.

• بهای نفت که بر اثر ضربه نفتی ۱۹۷۹ بالا رفت، در دسامبر آن سال به ۱۰ دلار دسامبر ۲۰۰۷، بشکه ای ۱۰۴ دلار می‌شود. در ۱۹۹۸، هنوز بهای واقعی نفت از بهای آن در ۱۹۶۶، ارزانتر بود. یعنی قدرت خرید بهای یک بشکه نفت در ۱۹۹۸، از قدرت خرید ۱/۶۳ دلار که بهای یک بشکه نفت در ۱۹۶۶ بود، کمتر بود. در حکومت بوش، بهای هر بشکه نفت از ۲۷ دلار به ۱۳۵ دلار افزایش یافت. ۷۰ دلار افزایش قیمت ظرف چند ماه، توجیه اقتصادی ندارد.

• بهای نفت که بر اثر ضربه نفتی ۱۹۷۹ بالا رفت، در دسامبر آن سال به ۱۰ دلار دسامبر ۲۰۰۷، بشکه ای ۱۰۴ دلار می‌شود. در ۱۹۹۸، هنوز بهای واقعی نفت از بهای آن در ۱۹۶۶، ارزانتر بود. یعنی قدرت خرید بهای یک بشکه نفت در ۱۹۹۸، از قدرت خرید ۱/۶۳ دلار که بهای یک بشکه نفت در ۱۹۶۶ بود، کمتر بود. در حکومت بوش، بهای هر بشکه نفت از ۲۷ دلار به ۱۳۵ دلار افزایش یافت. ۷۰ دلار افزایش قیمت ظرف چند ماه، توجیه اقتصادی ندارد.

• بهای نفت که بر اثر ضربه نفتی ۱۹۷۹ بالا رفت، در دسامبر آن سال به ۱۰ دلار دسامبر ۲۰۰۷، بشکه ای ۱۰۴ دلار می‌شود. در ۱۹۹۸، هنوز بهای واقعی نفت از بهای آن در ۱۹۶۶، ارزانتر بود. یعنی قدرت خرید بهای یک بشکه نفت در ۱۹۹۸، از قدرت خرید ۱/۶۳ دلار که بهای یک بشکه نفت در ۱۹۶۶ بود، کمتر بود. در حکومت بوش، بهای هر بشکه نفت از ۲۷ دلار به ۱۳۵ دلار افزایش یافت. ۷۰ دلار افزایش قیمت ظرف چند ماه، توجیه اقتصادی ندارد.

• بهای نفت که بر اثر ضربه نفتی ۱۹۷۹ بالا رفت، در دسامبر آن سال به ۱۰ دلار دسامبر ۲۰۰۷، بشکه ای ۱۰۴ دلار می‌شود. در ۱۹۹۸، هنوز بهای واقعی نفت از بهای آن در ۱۹۶۶، ارزانتر بود. یعنی قدرت خرید بهای یک بشکه نفت در ۱۹۹۸، از قدرت خرید ۱/۶۳ دلار که بهای یک بشکه نفت در ۱۹۶۶ بود، کمتر بود. در حکومت بوش، بهای هر بشکه نفت از ۲۷ دلار به ۱۳۵ دلار افزایش یافت. ۷۰ دلار افزایش قیمت ظرف چند ماه، توجیه اقتصادی ندارد.

• بهای نفت که بر اثر ضربه نفتی ۱۹۷۹ بالا رفت، در دسامبر آن سال به ۱۰ دلار دسامبر ۲۰۰۷، بشکه ای ۱۰۴ دلار می‌شود. در ۱۹۹۸، هنوز بهای واقعی نفت از بهای آن در ۱۹۶۶، ارزانتر بود. یعنی قدرت خرید بهای یک بشکه نفت در ۱۹۹۸، از قدرت خرید ۱/۶۳ دلار که بهای یک بشکه نفت در ۱۹۶۶ بود، کمتر بود. در حکومت بوش، بهای هر بشکه نفت از ۲۷ دلار به ۱۳۵ دلار افزایش یافت. ۷۰ دلار افزایش قیمت ظرف چند ماه، توجیه اقتصادی ندارد.

• بهای نفت که بر اثر ضربه نفتی ۱۹۷۹ بالا رفت، در دسامبر آن سال به ۱۰ دلار دسامبر ۲۰۰۷، بشکه ای ۱۰۴ دلار می‌شود. در ۱۹۹۸، هنوز بهای واقعی نفت از بهای آن در ۱۹۶۶، ارزانتر بود. یعنی قدرت خرید بهای یک بشکه نفت در ۱۹۹۸، از قدرت خرید ۱/۶۳ دلار که بهای یک بشکه نفت در ۱۹۶۶ بود، کمتر بود. در حکومت بوش، بهای هر بشکه نفت از ۲۷ دلار به ۱۳۵ دلار افزایش یافت. ۷۰ دلار افزایش قیمت ظرف چند ماه، توجیه اقتصادی ندارد.

جنگ مغلوبه!

پیش گرفته‌ایم. افزایش واردات در بخش کالاهای استراتژیک مثل سوخت در تعارض جدی با شعارهای سیاسی است. استراتژی اقتصادی ما صلح‌جویانه ولی دیپلماسی ما جنگ‌طلبانه است و این تضاد، آسیب جدی به کشور محسوب می‌شود. اخیراً بحث تحریم بنزین ایران در دنیا مطرح شده است و طرح‌هایی که هر روزه به منظور کاهش مصرف بنزین در دستور کار قرار می‌گیرد جهت کاهش تهدیدها ارزیابی می‌شود. متأسفانه اقتصاد ایران به شدت وابسته به دنیاست و این حکایت از فاصله قابل توجه با دیپلماسی جنگی دارد. در همین رابطه توجه به آمارهایی که بیانگر واقعیت هستند ضروری به نظر می‌رسد.

پیش‌بینی می‌شود در سال ۸۷ بین ۵۵ تا ۶۰ میلیارد دلار واردات کالا و ۲۰ میلیارد دلار واردات خدمات داشته باشیم. جمع این واردات به ۸۰ میلیارد دلار می‌رسد که حدود چهار برابر حجم واردات سال ۱۳۸۰ است. این ارقام نشان‌دهنده وابستگی محض اقتصاد ایران به خارج است. در مدت هفت سال تولید ناخالص داخلی حدود ۴۰ درصد افزایش داشته که به عبارتی به ازای ایجاد هر واحد تولید ناخالص داخلی بین سه تا چهار برابر وابستگی بیشتری به واردات پیدا کرده‌ایم ولی در همین مدت دیپلماسی ایرانی گرایش بیشتری به سیاست‌های جنگ‌طلبانه یافته است. در حالی شعار انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست سر داده می‌شود که روزانه ۲۰ میلیون لیتر بنزین به کشور وارد می‌شود.

شایان ذکر است اگر نرخ موثر تعرفه گمرکی در سال ۱۳۸۳، ۱۳/۵ درصد بود در حال حاضر به ۱۰ درصد کاهش یافته است که نشان‌دهنده این است که ما ایران را به بازار آزاد تبدیل کرده‌ایم و عیب بزرگ این است که دیپلماسی و اقتصاد در ۱۸۰ درجه مغایر هم در حال حرکتند.

* بانک جهانی: از لحاظ سختی

کسب و کار، ایران ۱۳۵ مین کشور از ۱۳۶ کشور جهان است!

◀ به گزارش دنیای اقتصاد (۲۱ خرداد ۱۳۸۷):

بانک جهانی در تازه‌ترین گزارش خود در خصوص کسب‌وکار در جهان اعلام کرد که فعالیت اقتصادی در ایران از ۱۳۴ کشور جهان سخت‌تر است. سایت «الف» خبر داده است که در سه سال گذشته، رتبه ایران سرفرت تدریجی کرده و از ۱۰۸ به ۱۱۳، سپس به ۱۱۹ و بالاخره به ۱۳۵ در سال گذشته سقوط کرده‌است. در آخرین گزارش رتبه بندی جهانی سهولت کسب و کار، ایران در سال ۲۰۰۸ با سرفرت نسبت به سال ۲۰۰۷ میلادی به رتبه ۱۳۵ جهانی رسید.

* نیاز به ۱۲ میلیون تن واردات

گندم بعد از آنکه حکومت خاتمی مدعی شد، در مورد گندم، به خود کفائی رسیده ایم!؟!

◀ به گزارش آفتاب (۲۲ خرداد ۸۷)، رضا عبداللهی، «نماینده» مجلس

هشتم با بیان اینکه برداشت از حساب ذخیره ارزی تورم‌زا نیست، گفت: «بخشی از این حساب صرف واردات از خارج کشور و بخشی هم صرف جبران خسارات خشکسالی و سرمایه‌گذاری خواهد شد. خشکسالی امسال در کشور موجبات کمبود اقلامی چون گندم، برنج، روغن و نهاده‌های دامی شده است که برای واردات این اقلام به کشور با توجه به کسری در خرید، نیازمند برداشت از ذخیره ارزی هستیم. به عنوان مثال طبق برآوردهای انجام شده در حدود ۱۲ میلیون تن نیاز به واردات گندم داریم که در حال حاضر نزدیک به ۶ میلیون تن کسری در خرید آن وجود دارد.

* روزانه ۴۰ هکتار از جنگل‌های

شمال کشور نابود می‌شود
◀ محمد امینی، عضو هیئت علمی تحقیقات منابع طبیعی کشور، به خبرگزاری مهر، گفته است: «روزانه ۴۰ هکتار از جنگل‌های شمال، جنگل زدائی و نابود می‌شود. در شمال کشور ۹ برابر میانگین کشوری سموم کشاورزی مصرف می‌شود که این پدیده پیامدهای زیانباری در منطقه به ویژه در جنگل‌ها دارد. بحران زباله و انباشت غیر بهداشتی آن در جنگل نیز، مشکلات زیست محیطی این بخش را شدت بخشیده است. فرسایش خاک از نتایج بارز جنگل زدائی به شمار می‌آید که میزان فرسایش خاک در شمال ۲۰ تن در هر هکتار است. ارزش ریالی خسارت ناشی از فرسایش خاک و از بین رفتن عرصه‌های جنگلی در شمال کشور جبران‌ناپذیر است.»

* خروج دارایی‌های خارجی

ایران از بانک‌های اروپا به دستور احمدی نژاد:

◀ در ۲۱ خرداد به گزارش نشریه اعتماد: محمود احمدی نژاد به بانک‌های بزرگ ایران دستور داده است دارایی‌ها و سرمایه‌های خود را از بانک‌های اروپایی به بانک مرکزی ایران منتقل کنند. کارشناسان این اقدام ایران را در واکنش به اخبار منتشر شده در مورد احتمال تحریم بانک‌های ایرانی از سوی اتحادیه اروپا ارزیابی می‌کنند. به گزارش مهر روزنامه انگلیسی دیلی تلگراف نیز با مخابره این خبر اعلام کرد عملیات انتقال دارایی‌های ایران به داخل این کشور از طریق چند شرکت انجام می‌شود که مقرشان در کشورهای خلیج فارس قرار دارد. دیپلمات‌های غربی می‌گویند دولت ایران به مقامات بانک ملی ایران دستور داده است دارایی‌های خود در اروپا را به ایران منتقل کنند. این دستور پس از آن صادر شده است که دولت آلمان بازرسی‌هایی را از بانک ملی شعبه هامبورگ انجام داد. به این بانک دستور داده شد تا انجام تحقیقات لازم فعالیت‌های خود را متوقف کند. اتحادیه اروپا قرار است در مورد فعالیت این بانک در اروپا تصمیم‌گیری کند. مقامات غربی احتمال می‌دهند بیشتر دارایی‌های بانک ملی قبل از هرگونه حکمی از اروپا خارج شود. این افراد مدعی هستند بانک‌های هلندی به عملیات انتقال دارایی‌های ایران به تهران از طریق دویچ کمک می‌کنند.

این در حالی است که پیش از این معاون اقتصادی وزیر امور خارجه از تغییر ترکیب دارایی‌های ایران در بانک‌های خارجی و انتقال آن به

ایران در حال حاضر نزدیک به ۶ میلیون تن کسری در خرید آن وجود دارد.

بانک‌های آسیایی خبر داده و اعلام کرده بود با تصمیم کارگروه ویژه دولت بخشی از دارایی‌های ارزی ایران به دارایی‌های واقعی مانند طلا و بخشی هم به سهام تبدیل می‌شود. محسن طلایی با اشاره به انتقال دارایی‌های ارزی ایران از بانک‌های اروپایی تصریح کرد: با پیش‌بینی صورت گرفته تصمیم گرفتیم ترکیب دارایی‌های ارزی را به منظور افزایش ضریب امنیت آن تغییر دهیم.

ایران در حال حاضر نزدیک به ۷۵ میلیارد دلار دارایی خارجی دارد که بارها در خطر بلوکه شدن قرار گرفته بود. از چند ماه گذشته دیپلمات‌های دولت عضو اتحادیه اروپا در حال آماده کردن زمینه‌های قانونی و فنی برای مسدود کردن اموال و دارایی‌های بانک ملی ایران بودند که در صورت اجرای این محدودیت‌ها فعالیت شعب اروپایی بانک ملی ایران در لندن، هامبورگ و پاریس متوقف خواهد شد.

انقلاب اسلامی: اعتراضها به گرانی زندگی و پرداخت نشدن دستمزدها، اموری روز مرده شده‌اند. سرکوب‌گری که روز مرده بود تشدید شده است چنانکه تنها در تهران، در یک یک تظاهرات، ۵۰۰ تن توقیف شده‌اند.

سرکوب جنبشهای اعتراضی دانشجویان و کارگران و زنان و دیگر شهروندان

◀ در ۱۶ خرداد ۸۷ دانشجویان دانشگاه تربیت معلم در نامه سرگشاده خود خطاب به مردم ایران خاطر نشان کرده‌اند:

«جو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار» اکنون که این نامه را می‌خوانید ۷۳ ساعت از اعتصاب غذای رسمی ۷۲ دانشجوی دختر و پسر دانشگاه تربیت معلم می‌گذرد اما واقعیت آن است که دو روز قبل از اعتصاب غذای رسمی، دانشجویان متحصن غذای گرم نخورده‌اند و نخواهند خورد.

تعطیلات قبل از امتحانات بر دانشگاه خیمه زده است با این حال هر بار که تریبون آزادی برگزار می‌شود بیش از ۱۰۰۰ دانشجو برای گفت و شنود در این جلسات حضور پیدا می‌کنند. در این میان مسئولین دانشگاه لحظه به لحظه به فشار خود بر دانشجویان متحصن می‌افزایند. گویا در خیال خام خویش این گونه می‌پندارند که با این اعمال فشار می‌توانند عزم ما را سست کنند.

بی‌شک فشارهایی همچون تهدید و ارباب‌خانواده‌ی دانشجویان متحصن، قطع آب، ایجاد اختلال در خطوط تلفن همراه، قطع اینترنت دانشگاه، زندانی کردن دانشجویان در محل تحصن، افزودن نیروهای ناشناس در لباس حراست، ممانعت از بردن دانشجویانی که از لحاظ جسمانی بسیار تضعیف شده‌اند به بیمارستان‌های مجهز و تزریق داروی دیازپام برای سست کردن و خواب آلودگی دانشجویان و ... که عکس و فیلم همه‌ی این موارد به عنوان سند موجود است؛ به دور از شرافت انسانی است و کسانی هم که در برابر این حوادث سکوت اختیار می‌کنند در پیشگاه خدا باید سکوت بشکنند و جواب پس دهند.

در ذهن تک تک این دانشجویان در صفحه ۱۳



سوالی بزرگ وجود دارد که سنگینی آن از سنگینی اعتصاب نمودنشان بیشتر است؛ در ایران زمینی که مردمان آن داعیه دار همدردی، همدلی و نوع دوستی هستند چطور این گونه نسبت به ۵۱ نفر از فرزندان این مرز و بوم که برای استیفای حقوق پای مال شده شان دچار ضعف جسمی شده اند، بی تفاوت هستند؟

ما دانشجویان متخصص تربیت معلم تهران به صراحت اعلام می کنیم که قوت روحیمان از ضعف جسمیمان پیشی جسته است و «جان می دهیم، حق می گیریم» و در این راه جز به خدا و اراده ی دانشجویان به کسی امید نداریم؛ اما از شما مردم راستین و پاکدل، دولتمردان و نمایندگان با وجدان مجلس شورای اسلامی و دانشجویان قشر متعهد و قشر همدرد تقاضا داریم که مانع فاجعه ی فرهنگی به اسم «بی مسئولیتی و بی تفاوتی نسبت به انسان ها» در این مرز و بوم شوید که همانا درد واقعی که ما دانشجویان را آزار می دهد همین درد نوظهور فرهنگی است.

در ۱۷ خرداد ۸۷، اسامی کسانی که از سوی دانشگاه تربیت معلم به دو ترم محرومیت از تحصیل محکوم شده اند، انتشار یافته است: ۱- عباس رشیدی و ۲- مصباح ستاح پور و ۳- سیوان فرزادی و ۴- امین آریا و ۵- محمد شریفی و ۶- فاروق معروفی و ۷- امیر سالاری و ۸- امین شجاع

در ۱۹ خرداد ۸۷، بیش از ۴۰۰ کارگر شرکت فرسخ و مه نخ فروین طی دو روز تجمع اعتراض آمیز در محوطه کارخانه خواهان دریافت حقوق معوقه و دیگر خواسته های بحق خود شدند.

در ۱۹ خرداد ۸۷، نشریه دوزبانه ی کردی- فارسی «تریفه» به مدیر مسئولی رزگار خضری با شکایت استاندار مازندران توقیف شد. دلیل توقیف این نشریه درج مطلبی در محکومیت حمله ی ارتش ترکیه به کردستان عراق صورت گرفته است

در ۲۱ خرداد ۸۷، اعتراض صنفی کارگران شرکت ریسندگی خاور رشت به بستن جاده کشید. در پی عدم دریافت حقوق یکساله کارگران کارخانه شرکت ریسندگی خاور رشت، تعدادی از این کارگران از ۲۰ روز پیش دست به تحصن و حرکات اعتراض آمیز زده اند. این گزارش حاکمیت در پی این اعتراض برخی از تجمع کنندگان یا بستن جاده فومن به رشت اقدام به آتش زدن لاستیک در این مسیر نمودند.

در ۲۱ خرداد ۸۷، نشریه دانشجویی چرو دانشگاه رازی کرمانشاه به مدیر مسئولی عباس توقیفی توقیف شد.

در ۲۱ خرداد ۸۷، کارگران شرکت کشت و نیشکر هفت تپه در ادامه ی اعتراضات و اعتصابات این دور خود بار دیگر به خیابان های شوش آمده و نسبت به عدم توجه مسئولین در خصوص پرداخت مطالباتشان اعتراض کردند که با یورش مامورین نیروی انتظامی، در خیابانهای شهرستان شوش، کار به درگیری کشید و مامورین با باتون و ابزار امنیتی شدیداً با کارگرانی که در حال راهپیمایی در خیابانها بودند برخورد کردند. تعداد زیادی از کارگران مجروح و بسیاری دیگر نیز بازداشت شدند. هنوز از تعداد مجروحین و یا بازداشت شده ها آمار در دست نیست.

در ۲۱ خرداد ۸۷، نوجوانی به نام محمد حسن زاده فرزند فیروز در زندان مرکزی سنندج به دار آویخته شد. وی که متولد سال ۱۳۷۰ بود در سن ۱۵ سالگی در روستای محل سکونت خود که از توابع شهرستان کامیاران میباشد مرتکب قتل میشود. رویه قضائی ایران این بود که حداقل تا رسیدن به سن قانونی ۱۸ سال اجرای حکم اعدام به صورت تعلیق

جنگ مغلوبه!

برای نگهداری ۳۴ زندانی میباید ولی ۲۱۰ نفر در آن به طرز رقت آوری در هم می لولند، علاوه بر این بر اکثریت زندانیان این بند را جانان بالفطره و منحرفان اخلاقی، قاتل و سارق مسلح تشکیل میدهد بلکه یکی از مسئولان آن به نام علی بخشی معروف به حاجی زهراکظمی نقش مستقیم داشته است!

الف - خلاصه اتهامات:

۱ - تشکیل و اداره جنبش آزادی ایرانیان... به منظور براندازی...
۲ - نوشتن و انتشار مانیفست جمهوری سکولار... به منظور تشویش اذهان عمومی...
۳ - سازماندهی محکومان و فعالان سیاسی... به منظور تداوم مبارزه علیه حکومت...

۴ - تهیه فیلم مستند ایران ممنوع (Forbidden Iran) به منظور سیاه نمایی چهره حکومت...
در پی آن، وی دلایل اعتصاب غذای خود را برشمرده است.
متن نامه او، در سایت انقلاب اسلامی انتشار یافته است.

در ۲۴ خرداد ۸۷، بنا بر دعوت برخی شبکه های ماهواره ای از مردم برای تجمع در پارک ملت تهران در ساعت ۱۲ امروز، چند هزار نفر در پارک حضور یافتند. تجمع کنندگان شعارهایی را در حمایت از عباس پایلزار و مبارزه با مفاسد اقتصادی و گرانی زندگی می دادند. ماموران نیز با گاز اشک آور و شوک الکتریکی به دستگیری و متفرق کردن افراد پرداختند. شمار توقیف شدگان را ۵۰۰ تن گفته اند.

در ۲۴ خرداد ۸۷، بنا بر گزارش آسیه امینی، از برگزاری سال روز قیام ۲۲ خرداد زنان برای احقاق حقوق، حتی در کوه داراباد خود جلوگیری شد. آسیه امینی، در شرح ماجرا، از توقیف شدگان نام می برد:

« باز تلفنها و باز خبرها و ... دو نفر را گرفته اند؛ ناهید و آیدا. از ماشین پیاده می شوم. پیاده به سمت شهروند فرمانیه. ماشینی ترمز می زند و سوار ماشین یکی از دوستان همیشگی جنبش زنان می شوم. جلوتر پیاده می شوم و با عده ای دوستانی که قرار داریم جمع می شویم. کمیم و کمتر هم می شویم زیرا جلوه و فریده غایب از ما جدا می شوند تا قدم زنان به سمت راه ابریشم بروند که شنیده ایم ژیلایا در یعقوب و نسرین پیاده را هم گرفته اند. و چند دقیقه بعد تلفن جلوه و فریده هم خاموش می شود!

شدند ۸ نفر. سارا لقمانی و نفیسه آزاد هم به جمع بازداشت شدگان اضافه شدند. همه تگران نسرین ستوده ایم که کودک چند ماهه در خانه دارد. باز در راهیم و دور می زیم خیابان را. تلفنها خبر از بازداشت دختر آقای صمیمی دارد (که متأسفانه نامش را نمی دانیم) و مطمئن نیستیم به جز دوستانی که با هم بوده ایم یا از آنها با خبریم آیا در جمع بازداشت شدگان کسی دیگر نیز هستند یا نه؟

نمی دانیم در فاصله این چند ساعت چند دعوت شده به مراسم آمده و باز گردانده شده یا به داخل ون، هدایت شده اند. ساده ترین مراسم مدنی ما تبدیل به صحنه ای پر تنش شد. چرایش را هم می دانیم و هم نه! از این روست که دائم همه بی دلیل از هم می پرسند چرا؟»

در ۲۵ خرداد ۸۷، بهنگام اجتماع برای اعتراض بیش از ۸ هزار نفر از مردم شهر مشهد در اطراف میدان آزادی و بلوار وکیل آباد شهر مشهد، بیش از ۲۰۰ تن از مردم عادی و ۵ یا ۶ تن از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد بازداشت شدند. اجتماع خواری های سیرجان عنوان می کند.

کنندگان به گرانی و فساد اعتراض می کرده اند.

نیروهای یگان ویژه و انتظامی حاضر در محل که گفته میشد با حضور فرمانده نیروی انتظامی استان، استاندار و دیگر مسئولان استانی از ساعت ها قبل در محل تجمع حاضر بودند با مسدود نمودن هر چهار خیابان اصلی منتهی به میدان آزادی از عبور وسایل نقلیه برای ساعت ها جلوگیری نمودند. علی رغم حضور رئیس شورای شهر مشهد میان تجمع کنندگان و تقاضای پایان تجمع، معترضان بر شدت اعتراضات خویش افزودند. با اضافه شدن به تعداد تجمع کنندگان که حدود ۸ تا ۱۰ هزار نفر گزارش شده است حدود ساعت ۱۳ ماموران یگان ویژه و لباس شخصی حاضر در محل که توسط ده ها بسیجی مونتور سوار همراهی میشدند با شلیک چند تیر هوایی و با استفاده از باتوم، باتوم برقی و گاز اشک آور به تجمع کنندگان حمله کرده و اقدام به بازداشت جمع گسترده ای از حاضران در تجمع نمودند. به گزارش شاهدان عینی حاضر در محل نیروهای بسیجی با استفاده از زنجیر، فمه، باتوم برقی و انواع گاز های اشک آور به طرز وحشیانه ای به تجمع کنندگان حمله نمودند. نیروهای گسترده حاضر در محل با جمع نمودن بازداشت شدگان در مسجد واقع در پارک ملت و پس از ضرب و شتم وحشیانه آنان در مسجد با ده ها اتوبوس حاضر در محل آنان را به مکان نامعلومی منتقل نمودند.

همچنین گفته میشود به پای یکی از حاضران در محل تیر اصابت نموده است. به گزارش کمیته دانشجویی گزارش گران حقوق بشر: محمدش یکی از حاضران در پارک ملت می گوید که تاکنون چنین خشونت را از نیروهای امنیتی در هیچ تجمعی مشاهده نکرده است. او می گوید، دست کم ۴ زن را دیده است که با سر و صورت خونین، بازداشت شده اند. گفتنی است از سرنوشت بازداشت شدگان اطلاعی در دست نیست و تنها مسئولان دانشگاه از منتقل شدن دانشجویان بازداشت شده با صدور قرار بازداشت توسط دادگاه انقلاب، به زندان مرکزی مشهد خبر داده اند.

در ۲۵ خرداد ۸۷، در پی اطلاع دانشجویان دانشگاه تهران جمع فردوسی از بازداشت شدن جمع زیادی از دانشجویان این دانشگاه، تجمع اعتراضی مقابل خوابگاه پسران این دانشگاه برگزار شد. حاضران در این تجمع که بیش از ۵۰۰ تن از دانشجویان گزارش شده است با سر دادن شعار « دانشجوی زندانی آزاد باید گردد » و « احکام انضباطی ملغی باید گردد » به سمت امور دانشجویی و از آنجا به سمت خوابگاه دختران حرکت نمودند.

در ۲۶ خرداد ۸۷، علی عزیزی، نائب دبیر دفتر تحکیم وحدت و عضو سابق انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر، شنبه مورخه ۲۵ خرداد ماه به دادگاه انقلاب احضار شد. وی با حضور در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب نسبت به اتهامات وارده از خود دفاع نمود. لازم به ذکر است که عزیزی در تاریخ ۱۳ آبان ماه سال گذشته در منزل پدری اش بازداشت و مدت ۶۳ روز را در زندان اوین به سر برد.

در ۲۶ خرداد ۸۷، علیرضا جهانشاهی (طلبه) پس از وقفه ای چند روزه، به دلیل به توافق نرسیدن با برخی از مسئولان محلی، راهپیمایی اعتراضی خود را به سمت تهران از سر گرفت. جهانشاهی هدف از این راهپیمایی خود را اعتراض به نحوه رسیدگی به پرونده های مفاسد اقتصادی کشور از جمله زمین خواری های سیرجان عنوان می کند.

در ۲۶ خرداد ۸۷، در حالی که پایگاه های خبری رسمی سکوت سنگینی پیش گرفته اند، خبر موفق دریافتی از دانشگاه زنجان حاکمیت از شب گذشته به دنبال متهم شدن یکی از معاونان این دانشگاه به تصمیم به برقراری ارتباط نامشروع اجباری با یکی از دانشجویان دانشگاه، این دانشگاه در التهایی بی سابقه به سر می برد.

بنا به نوشته «خبرنامه امیرکبیر»، «دکتر حسن مددی، از اساتید گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان و معاون دانشجویی دانشگاه زنجان، پس از آنکه یکی از دانشجویان دختر دانشگاه زنجان به کمیته انضباطی احضار شده بود، او را تحت فشار قرار داده بود تا به خواسته های بی شرمانه وی تن دهد. ساعت هفت بعد از ظهر روز گذشته این دانشجوی دختر در حالی که یک ضبط صوت نیز با خود به همراه داشت، با معاون دانشجویی در دفتر وی قرار گذاشت و هنگامی که معاون دانشگاه برای انجام این عمل ننگ آور در حال در آوردن پیراهنش بود، دانشجویان به دفتر وی یورش برده و ضمن جلوگیری از این عمل شرم آور از این اقدام فیلمبرداری پس از آن زندانی به برگزاری تجمع اعتراضی کردند. به دنبال افشای این مساله و تهدیدات معاون دانشجویی دانشگاه زنجان، بیش از ۳۰۰۰ نفر از دانشجویان شب گذشته تجمع کرده و خواستار استعفا ی دکتر مددی معاونت دانشجویی، و دکتر نذاف، رئیس دانشگاه زنجان شدند. مددی پیش از این نیز از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ ریاست دانشکده ادبیات دانشگاه زنجان را بر عهده داشته است.

در ۲۹ خرداد ۸۷، نابر گزارش مدافعان حقوق بشر در ایران، زندانی سیاسی به نام جلیل بنی خالد ۲۳ ساله که متهم به قتل دو مامور امنیتی میباشد به همراه دو زندانی دیگر که یکی از آنان با نام زروانی به گواه سایر زندانیان فاقد مشاعر و اصطلاحاً مجنون میباشد به همراه زندانی دیگری که تاکنون هویت وی محرز نگردیده است جهت اجرای حکم اعدام به سلولهای انفرادی زندان کارون اهواز منتقل گردیده اند. این سه زندانی در طی روزجاری اعدام خواهند شد.

در ۲۹ خرداد ۸۷، به گزارش فعالان حقوق بشر در ایران، در تاریخ ۸۷/۲/۲۸، شعبه ۱۱۸ دادگاه جزایی تبریز، محمدرضا عوض پور دانش آموز هویت طلب تبریزی را به اتهام توهین به رهبری در استناد ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی به ۶ ماه حبس تعزیری محکوم کرد.

در ۲۹ خرداد ۸۷، به گزارش فعالان حقوق بشر در ایران، عطاالله فتحی فرزند عبدالله، فعال مدنی ساکن شهر دهگلان، روز شنبه مورخه ۲۵ خرداد ۸۷، توسط واکاوت شهر دهگلان به اتهام هواداری از یکی از احزاب کردی بازداشت و به نقطه نامعلومی منتقل گردید.

پیگیری خانواده و نزدیکان نامبرده حاکمی از انتقال نامبرده به تهران جهت ادامه پروسه بازرجویی و تکمیل پرونده میباشد.

در ۲۹ خرداد ۸۷، به گزارش فعالان حقوق بشر در ایران، هانا عبدی، ۲۱ ساله، دانشجوی رشته روان شناسی در دانشگاه پیام نور بیجار و از اعضای انجمن زنان آذر مهر کردستان که در مورد توانمندسازی جامعه زنان ایران در منطقه کردستان فعالیت مینمود، از تاریخ ۸۶/۷/۱۱ در شهر سنندج توسط نیروهای امنیتی بازداشت و پس از سپری نمودن پروسه ای پر فراز و نشیب و تحمل شکنجه های روحی و جسمی، سرانجام از سوی شعبه دوم دادگاه انقلاب شهر سنندج به اتهام تبانی و اقدام علیه امنیت کشور (همکاری با روناک صفارزاده) به پنج سال حبس تعزیری توأم با تبعید به شهر ارومیه محکوم گشت.



روحانیت

یک فرقه تمام عیار

در فضای سانسور حکومتی کار کعب بالا گرفت و سخنانش که بیشتر یادآور سنت و دستوراتی بود که در بین یهودیان رواج داشت، فصل الخطاب شد. و به دلیل دردسترس نبودن متن قرآن برای همگان، آن سخنان به مثابه آیه های قرآنی در جامعه جا افتادند. بعدها محققین اسلامی به خصوص اهل سنت، از گفته های او به عنوان حدیث استفاده نمودند.

در واقع بنیان گذار روحانیت در اسلام، همین کعب الاحبار است. او در حکومت عثمان به مقام اولین مفسر رسمی قرآن، اولین امام جمعه و محدث نائل آمد. به این ترتیب او بین قرآن و مردم، در حقیقت بین مردم و خدا، واسطه ای بنا نهاد به نام روحانیت که در قرآن پیش بینی نشده بود. همین واسطه ها بودند که بعدها صدها فرقه را بنا بر نوع جهان بینی ای که داشتند، از درون اسلام تاسیس نمودند. فرقه به عده ای از مردم می گویند که بنا بر اختلافات نظری و یا احیاناً شکلی، خود را از جامعه جدا می کنند. برای خود شرایط و ترتیبات و احیاناً لباس مخصوصی معین و مشخص می کنند و هر کسی می تواند به آن فرقه بگردد به شرطی که آنها را بپذیرد و به عمل درآورد. به این ترتیب صدها فرقه در اسلام تاسیس شدند که آنها را به فرق کلامی و فقهی و غیره دسته بندی کرده اند. روحانیت شیعه را فرقه ای از شاخه فرق فقهی می دانند. آن چه یک فرقه را خطرناک می کند و به آن جنبه ای منفی می دهد این است که تشکیلات یعنی جلوه مادی فرقه، فوق انسان و حقوقش قرار گیرد و مقدس شود، در نتیجه نگهداری از آن به هر قیمتی برپروانش "اوجب واجبات" می گردد به نحوی که برای پاسداری از آن تا قتل مخالفین و جنایت پیش می روند. گفتمیم که شرایط فرهنگی-اجتماعی-سیاسی صدر اسلام در وضعیتی بود که بیش و شیوه علی ع تحت سانسور به حاشیه رانده شد. به این ترتیب فضلا و علماء و ائمه جمعه و قضات و حاکمین شرع تحت نظریات و احکام کعب قرار گرفتند و به نام حکومت اسلامی به مدیریت جامعه پرداختند. "حکومت اسلامی" جای اصول اسلام نشست و سرداران اسلام خود را ملزم به حفاظت از این حکومت دیدند. سالها طول کشید تا فساد در دستگاه حکومت اسلامی به حدی از رشد برسد که فغان مردم رنج دیده را درآورده برای بهبود وضع خود به سوی علی ع روی آوردند. اما همانطور که می دانیم، بسیار دیر شده بود. مافیها در همه مؤلفه های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، دینی و اقتصادی و مخصوصا در بین قضات رخنه کرده بودند و فساد گسترش یافته بود. کار بر علی ع بسیار دشوار می نمود زیرا در حقیقت "حکومت اسلامی" توسط همین مافیها برقرار و پابرجا بود به نحوی که فساد به یکی از پایه های استوار حکومت و زندگی روزمره مردم تبدیل شده بود. این فساد با واسطه شدن کعب و دیگر روحانیون، به خدا وصل می شد و جزء دین مردم شده بود. به این ترتیب بود که علی ع با دسیسه مافیای اسلامی توسط یکی از متعصب ترین این مردم که آماده شهادت بود، برای "رضای خدا" و "مصلحت نظام" ترور شد. پیروان چهارمین خلیفه و اولین امام شیعیان که به دست مافیها به شهادت رسیده بود راه او را پی گرفتند. راه او ادامه رسالت پیامبر ص، یعنی رساندن پیام خدا به مردم و احیاناً به عمل درآوردن آن بود که با روش کعب در نقطه مقابل قرار می گرفت. به دلیل تضاد جهان بینی آنها با تروت اندوزی،

زندگی پیروان او در مبارزه، با مشکلات فراوانی مواجه بود. هدف آنان همچنان گفتن "حق" و رساندن پیام خدا به مردم بود. قرنها طول کشید تا پدیده ای به نام روحانیت شیعه تشکیل شود. در ابتدای تشکیل اما همچنان در درون مردم و با مردم بود و با یک فرقه تمام فاصله زیادی داشت. هراجماعی روحانی خود را داشت با آداب و رسوم خود که معمولاً به شغلی مشغول بود و زندگی خود را بدون وابستگی به طبقه مرفه کمابیش اداره می کرد. این چنین روحانیت در حوزه فرهنگ عمومی و در حیطه زندگی خصوصی مردم به حیات خود ادامه می داد. از زمانی که رابطه مردم با عالمان دینی بر مدار مرجعیت سازمان یافت و حوزه های دینی شکل گرفتند رفته رفته این جماعت متمایل به راه کعب الاحبار شد. به جای ارشاد و روشن کردن عوام، در نظر و عمل، خود دنباله روانان شدند. کلام حق را به کناری گذاشتند، اسلام را دین تکلیف انگاشتند، قرآن را مخصوص مردگان قراردادند، پیروان راز و رود به "معتولات" بازداشتند، و... دین رادر خرافات غوطه ور کردند. تا اینکه آیت الله خمینی در حالی وارث این تشکیلات شد که جامعه ایرانی دیگر همانند جامعه حجاز زمان خلفای صدر اسلام نبود. آگاه از حقوق خود، مردم برای استقلال و آزادی و کرامت انسانی قیام کرده بودند. در این اوضاع و احوال، او از جایگاه نظری دست به تحولی در روحانیت شیعه زد. تا اندازه ای خرافات زدائی کرد و برای اولین بار در تاریخ روحانیت، از حق و حقوق و برابری انسانها سخن گفت تا حدی که فیلسوفان غربی را شگفت زده کرد و می رفت تا دوران علی ع را دوباره زنده کند. به این ترتیب اسلام از قلمرو زندگی خصوصی به حوزه زندگی اجتماعی و سیاسی وارد شد. اما این سخنان و نظرات آقای خمینی تاریخ مصرفی داشتند که با به قدرت رسیدنش سپری شد. حجت الاسلام بوشهری مدیر سابق حوزه علمیه قم در توجیه سنوالی از فرید مدرسی که در تاریخ ۲۶ خرداد در سایت تانناک انتشار یافته است می گوید: "بنده به دنبال تاویل کلام امام (ره) نیستم. کلام امام باید همیشه نصب العین ما باشد. منتها شرایط و اقتضات زمان و مکان حاکم بر اینگونه جملات است. یعنی همین امام که پیش از انقلاب در برابر برخی مسائل با یک نگاه برخورد می کردند، پس از پیروزی انقلاب تگاهی دیگر درباره آن مسأله داشتند". با گذاشتن روی نهادهایی که آقای خمینی قبل از انقلاب به ملت داده بود را این روحانی این چنین آسان با "تعبیر نگاه" تأیید و تفسیر می کند. در حالیکه عمل نکردن به تعهد خلاف هردینی است. با قرآن در تضاد کامل قرارداد. چنین برداشتی های ماکیاولیستی را فقط می توان در خطبه های کعب الاحبار یافت. آقای خمینی حوزه سیاست و اجتماع را با "قدرت" اشتباه گرفت و در عمل نه تنها به هیچ یک از آن نظریات جامه عمل نپوشانید، بلکه به راه کعب رفت و عملاً خود را در برابر نظریات علی ع قرارداد و "خط امام" را ایجاد نمود. با اعلام کردن "اصل حکومت اسلامی است"، اصول اسلام را فرع بر حکومت قرار داد و برای روحانیت ساختاری جدید پدید آورد. نظر خویش را اسلام ناب محمدی نامید و دیگر فرائض ها را از اسلام سانسور نمود. دادگاه های ویژه برای روحانیون برقرار نمود و امتیازات زیادی نسبت به دیگر اقشار برایشان قائل شد. مرجعیت را که در نظر و عمل مستقل از دولت و حکومت بود، تحت امر ولی فقیه در آورد. روحانیون مخالف را از میان برداشت و این چنین از روحانیت شیعه، یک فرقه تمام عیار بنیاد کرد. سکوت روحانیت مخالف در

سطح جامعه همراه با تأیید تلویحی آنان بر اصل نظام ولایت فقیه و مصلحت اندیشی، علی رغم مقاومت بعضی روحانیون سنتی، این فرقه را یک پارچه جلوه گر کرده و کل روحانیت شیعه را در ایران در آن جا داده است. آیت الله یزدی رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در "ششمین اجلاس علماء بلاد" تصریح کرد: "هم چنان که امام راحل (ره) فرمودند که حفظ اساس حکومت اسلامی از اوجب واجبات است ما نیز باید برای حفظ این کيان تلاش کنیم". (معلوم نیست منظور ایشان از کيان چیست، زیرا یک معنی آن پادشاه جبار می باشد). برای تثبیت قدرت تازه تاسیس حکومت اسلامی، به بیدادگری روی آورد و تا کشتن انسان های بی گناه پیش رفت. کعب الاحبارها را به گردخوبش جمع نمود تا در منابر به تخریب عوام بپردازند و خرافات را باردیگر رواج دادند. امام زادگان زیادی سربر آوردند و بازار تقدیس رواج پیدا کرد. حکومت مقدس شد، مقبره مقدس شد، شرک و بت پرستی رواج پیدا کرد، حق و حقوق از میان رفتند و با تکالیف و احکام مشی زندگی دنیا و آخرت مردم را تعیین نمودند. نتیجه این سبقت این شد که اکنون هاشمی رفسنجانی این تلاشهای سی ساله نظام ولایت فقیه را شکست خورده تلقی کرده و در همایش دولت، نظام اداری و چشم انداز اعلام می دارد: «هر وقت زنجیرهای استبداد از دست و پای مردم باز شد، مردم خود جامعه را اصلاح کرده و پیشرفت کرده اند اگر مردم در بالای سر خود شمشیری نبینند و در فضای امن فکر کنند و تصمیم بگیرند بسیاری از مسایل حل می شود». برای نشان دادن ابعاد مخربی که این روحانیت باشمشیر و سانسور در جامعه برجای گذارده است، کافی است به این مطلب از یک سایت (مسلمان ایرانی) توجه نمایید: "نقل می کنند آیت الله بهاءالدینی (رض) هرگز اجازه نمی دادند کسی دست ایشان رابوسد اما پس از مدتی مانع بوسیدن دستشان نشدند. از ایشان دلیل این تغییر شیوه سوال شد که فرمودند: در خدمت آقاصاحب الزمان بودم و خواستم دستشان رابوسم که آقا اجازه ندادند وقتی دلیل این کار را پرسیدم ایشان فرمودند: دستمانی گذاری ملت دست رابوسد؟" به این ترتیب روحانیت موفق شد در سه دهه جامعه ایرانی را به سقوط معنوی بکشاند و خدا و دین و ارزشهای انسانی را به خرافات و فساد و بت پرستی برساند. همه این ها بدون دستیاری شیدانی که بعدها به تشکیلات مافیائی تبدیل شدند غیر ممکن بود. رابطه آلی و هماهنگ شده ای بین این روحانیت و مافیها برقرار گشت به نحوی که کمتر فساد می توان یافت که دست مراجع یا روحانیون دیگر در آن دیده نشود. روحانیون طراز اولی نظیر آیت الله یزدی که سالها در راس قوه قضائیه قرار داشت دارای پرونده های فساد بی شماری هستند. تاریخ شیعه هیچگاه دچار این همه فساد و تباهی و تبهکاری نشده بود. هم اکنون در حوزه های علمیه تحولاتی را تدارک می بینند تا تتمه روحانیون مخالف ساکت را هم از بین ببرند و تشکیلاتی برابر کلیسای قرون وسطا را فراهم آورند. هم زمان با گردهم آیی جهانی روحانیون کلیسای کاتولیک در کانادا، "اجلاس سالانه جامعه مدرسین و علمای بلاد" در حوزه علمیه با حضور سران دولتی در شهر قم برپا شد تا طرح دولتی کردن رسمی حوزه ها برای تکمیل قدرت و گسترش فضای عمل ولایت مطلقه فقیه به اكمال برسد.

امور خارج از محدوده رسالت و پیامبری در قرآن - ۷

اگر ما می بینیم که پیامبر اسلام در ابتدای تاریخ ظهور این آئین، در نقطه مرکزی وحی به تشکیل حکومت همت ورزید تنها به این علت بود که محل نزول وحی و پایگاه شروع این پیام الهی لازم بود که از هر گونه پلیدیهای شرک و جاهلیت پاکسازی و منزه گردد. و اصلاً منظور آن حضرت این نبوده است که مرز و بوم جغرافیائی سیاسی خاصی به عنوان حکومت برای کشورهای اسلامی تعیین کرده باشد و برای همزیستی مسالمت آمیز آن برکوشیده باشد. به همین علت وقتی آن حضرت نامه به پادشاهان و حکام مناطق مختلف می نوشت، نمی نوشت چون من پیامبر خدا هستم، حکومت را به من واگذار کنید، بلکه می نوشت که به خدا و پیامبر و معاد ایمان بیاورید و از شرک و بت پرستی دوری گزینید و کسانی که پیام الهی وی را می پذیرفتند در اداره امور زندگیشان و حکومت و سیاست کشورشان دخالت نمی کرد و مدعی هم نبود، تنها مدعی رسالت و ابلاغ بود و لا غیر. برای مردم آن زمان تفاوت نبوت با حکومت و پادشاهی کاملاً برای مردم روشن بود و بدین علت به هنگام فتح مکه وقتی ابوسفیان به ابن عباس گفت: "کار برادر زاده تو عظیم بالا گرفت، و ملک وی عظیم ملکی شد" ابن عباس پاسخ داد: "این نبوت است نه ملک و پادشاهی". پیامبر کوشش می کرد که یک تجسم عینی و یک الگوی اخلاقی برای جوامع انسانی ارائه بدهد و به همین علت وقتی مردم با وی زیر شجره بیعت کردند، به عنوان رهبر سیاسی نیز عمل کرد. اما ارائه یک الگوی اخلاقی برای جوامع انسانی، کاملاً متفاوت از تشکیل حکومت و آئین کشورداری و پاسداری از منافع و مصالح اقتصادی و اجتماعی شهروندان است. همین مقام رهبری اجتماعی و سیاسی و اخلاقی را که پیامبر به خاطر تحکیم نخستین پایگاه پیام آسمانی خود قبول کردند، اول از طریق انتخاب و بیعت مردم به وقوع پیوست و سپس این بیعت مردمی از سوی خداوند توشیح و مورد رضایت قرار گرفت. حتی این مقام زمامداری و رهبری سیاسی پیامبر، در جانی که مربوط به اجرائیات و دستورات عملی و انتظامی روزمره مردم بوده است، از طریق انتخاب و بیعت مردم انجام پذیرفته و در ردیف و زمره وحی الهی به حساب نیامده است و آیه: «وَأَمْرُهُمْ شُورًا بَيْنَهُمْ» بین همین مطلب است که آنچه مربوط به اداره زندگی و همزیستی مسالمت آمیز با همسایگان و اقتصاد آنها و سایر امور در خانه بزرگ کشور است، باید به خودشان واگذار شود. اگر امور و حوادث مردمی، با اوامر و نواهی شریعت برخورد پیدا کند، مسئولیت آن با خود مردم است و در شأن و مقام پیامبر نیست که اوامر و نواهی الهی را با زور و اجبار به دست مردم اجرا نماید. اینکه دیده می شود تنها در فرصتهای خاصی و زمانی که مردم سرزمینی به حد رشد و بلوغ سیاسی و اجتماعی رسیده اند و تشخیص داده اند که پیامبر و امام علاوه بر رهبری دینی، رهبری سیاسی و آئین کشورداری نیز بهتر و شایسته تر از دیگران از عهده آن بر می آیند و

آنانند که خود شاهین مجسم عدالت هستند و مردم را به سوی عدل و داد می خوانند، عقل اینگونه جوامع پیشرفته ای به انتخاب اصلح و احسن رهنمون می سازد و به همین علت در این برهه مشاهده می شود که پیامبر و یا امام را برای رهبری سیاسی خود نیز انتخاب می کنند. این نوع حکومت، یک الگو، سرمشق و یا سرخطی برای تکامل و حرکت به سوی یک عدالت گسترده جهانی است و پایدار قلمداد شده و می شود و نمونه حکومت پیامبر و یا خلافت حضرت علی (ع) به منظور شاهین عدالت و داوری است که باید همیشه آن را در یک کفه ترازو و قرارداد و کفه دیگر آن را حکومتهای دیگر و با این عیار است که می توان هر حکومتی را به پیشگاه خود و ترازوی عدالت عرضه کرد تا انسان بفهمد کدام یک از آنها در این سنجش بر دیگری برتری دارد و عقل و خرد آزاد کدام یک از آن ها را اصلح تشخیص می دهد. منشاء مردمی و یا سرچشمه مردم مردم هستند که برای اداره زندگی خودشان و یا تشییت امور خود کسانی را به عنوان وکیل و یا جانشین خود برای اداره اموری انتخاب می کنند بنا بر این حکومت یک واقعیت سیاسی و اجتماعی است که واقییتی جز انتخاب مردم دربر ندارد و با انتخاب مردم است که کسی حکومت می کند و یا فرمان می راند. نیرو و سرچشمه مردمی است که اداره زندگی و تدبیر امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را باید به دست توانای خودش انجام پذیرد. و سرنوشت خود و محدوده جغرافیائی-سیاسی خود را در دست داشته باشد نظام و حکومتی را که به دست خود ایجاد می کند و مسئولیتی را که از جانب مردم برای امور سیاسی و اداره کشور به دیگری واگذار می کند، طبعاً خارج از آداب و سنن مردم و مهم تر از همه فرهنگ و دین مردم آن مرز و بوم نیست. مردم یک مرز و بوم با داشتن فرهنگی مشخص و دینی معین، خود حافظ دین و فرهنگ خویش هستند و قطعاً حکومتی که اداره مردم آن مرز و بوم را از طرف آن مردم به عهده می گیرد نمی تواند خارج از آن فرهنگ و دین و ارزشهای جهان شمول آن عمل کند و بدان ها توجه نداشته باشد. امر حکومت و رهبری سیاسی واقعیتی جز انتخاب مردم دربر ندارد و حضرت علی (ع) به هنگام بیعت مردم با خودش در مسجد مدینه، صریح و آشکار فرمود: «ای مردم، این امر (حکومت) امر شماست. هیچ کس به جز شما کسی که شما او را امیر خود گردانید، حق امارت بر شما ندارد، ما دیروز هنگامی از هم جدا شدیم که من قول ولایت را ناخوشایند داشتیم، ولی شما این را نپذیرفتید، آگاه باشید که من کسی جز کلیددار شما نیستم، و نمی توانم یک درهم را به ناروا از بیت المال بگیرم» و باز در جای دیگر می فرمایند: «اگر بسویم نمی شتافتید و خلافت را با التماس و خواهش برگردنم نمی گذاشتید، و نیز خدا از دانشمندان نخواسته بود که جلو دستمکارات سود جو را بگیرند، هر آینه بی درنگ زمام امور را رها می ساختم و پایش را با جام آغازش یکجا در آب می انداختم» وقتی از نظر امام اول شیعیان منشاء



مردم متشاء عمده ناسامانی های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و گسترش فساد در جامعه را استبداد میدانند از سوی دیگر سران نظام جمهوری اسلامی میدانند که اگر این جنبش ها سازمان یافته و بهم پیوسته و جهت یابند مهار آنها غیر ممکن خواهد بود و با سرتکونی استبداد خواست صد ساله جنبش های مردم ایران عملی و ایرانی آزادی و ایران استقلال می یابد لذا همه کار میکنند تا چنین نشود. با چنین فرضی آیا قدرتهای سلطه گر که بساط سلطه خود را در اطراف ایران گسترده اند، ناچار نخواهند شد با تمامی شعارها و ادعاهای حقوق بشری و هواداری از مردمسالاری که میدهند به این خواست مردم تن در دهند؟ اما به نظر میرسد که قدرت سلطه گر اگر هم جنبشی را بخواهد تحت کنترل خود می خواهد. بدین ترتیب شخصیت های نماد دو اصل استقلال و آزادی در چنین جنبشی نقش کلیدی خواهند داشت.

بدین سبب، قدرت های سلطه گر از یک سو و نیروهای متکی بر قدرت استبدادی از دیگر سو، همواره بر آن بوده اند تا نیروها و شخصیت های ملی که نزد عموم ایرانیان از اعتبار و حسن شهرت از خود دارند یا بی اعتبار شوند و یا از اعتبار آنها سوء استفاده بگردد لذا اخیرا شاهد گسترش تلاش آنها در این راه در برون و درون مرز هستیم. از جمله این حرکتها میتوان به دعوت های گوناگون صدای آمریکا و دیگر رسانه های وابسته از افراد تکره (ناشناس برای عموم مردم) اشاره کرد که بنام و یا به نمایندگی از جبهه ملی در این رسانه ها حضور می یابند تا خاطره و یا ماجرای که فقط خود و آمران آنها از آن خبر دارند را به عنوان واقعیه ای تاریخی به خورد بیننده خود بدهند تا نتیجه مطلوب خویش را حاصل نمایند. یا در درون ایران هروقت قافیه تنگ می آید و حاکمان محتاج کسب مشروعیت می شوند، این نهضت ملی ایران و رهبری آن دکتر مصدق و یا شهید نهضت ملی ایران دکتر حسین فاطمی است که به یاری میطلبند. با خود می اندیشند که حقیقت تاریخ را با جعل و دروغ میتوان از حافظه و وجدان تاریخی ملتی حذف کرد اما همانطور که

قدرتهای سلطه گر و دستگاه استبداد وابسته پهلوی و سپس خلف آن ولایت مطلقه فقیه با تمام توان، کوشیدند تا خاطره دکتر مصدق و نهضت ملی مردم ایران را با توسل به سانسور و جعل از حافظه تاریخ پاک کنند و موفق نشدند و ناچار حتی آل برایت وزیر خارجه و کلیتون رئیس جمهور آمریکا، کودتا علیه دولت ملی مصدق را اشتباه خواندند، اینک نیز این تلاشها در بی اعتبار کردن شخصیت های ملی و تلاش در شخصیت های کاذب تزیین نیز بی اثر خواهند ماند. یکی از شخصیت هایی که قریب به سی سال است که هر دو دسته همواره سعی کرده اند یا پای او را به زد و بندها وارد تاشاید بی اعتبارش کنند و یا ناسزا و تهمت و افترا نثارش کرده اند آقای بنی صدر است.

در ۵ بهمن ماه سال ۵۸ مردم ایران برای اولین بار در تاریخ حیات خویش، پای صندوق های رای رفتند تا به تشخیص خویش شخصی را برای ریاست کشور که اینک جمهوری شده بود انتخاب نمایند. مردم ایران در اولین انتخاب خود به آقای بنی صدر، شخصی که سابقه مبارزاتش از دوران دانشجویی تا انقلاب را در راستای

راه مصدق از شعار تا عمل

اینست که با وجود این ارتباط، او، حق حاکمیت را از آن مردم میدانست و بر آن ایستاد و این رابطه عاطفی مانع از آن نگشت که به تعهد خود در دفاع از حقوق ملی مردم وفادار بماند. آری او از آزمایشی خطیر سر بلند بیرون آمد. او به خاطر همان عهد و پیمانی که با مردم بست تا از حقوق آنها دفاع نماید تا پای مخالفت با "پدر خویش" رفت حال انصافا اعمال و افکار او و ایستادگیش بر دفاع از حقوق مردم با زنده یاد دکتر مصدق قرابت دارد یا مدعیانی که به هر قیمت شده میخواهند ایران را بیابانی خالی از شخصیت ملی، که در مورد خاصی آقای بنی صدر اقبال و شانس منتخب مردم بودن را هم دارد بنمایند؟ آیا با خود اندیشیده اند که در این زمان که بنا بر اعتراف خودشان نیز آمریکا و قدرتهای استعماری بکار آلترناتیو سازی هستند و خطر جنگ هر روز بر سر ایران سایه شوم خود را افکنده است این ایران و ایرانی است که به آتش حسد شان میسوزد؟ سابقه تاریخی و مبارزاتی آقای بنی صدر و مقاومتش در مقابل ولایت فقیه و هر ولایت دیگر غیر از جمهورمردم، ثبت و ضبط است. منکر آن نتوان شد. اما شما مدعیان چه کرده اید؟ با چه میشود شما را محک زد؟ در چه تجربه ای شرکت کرده اید؟ از چه رو با همان رسانه ها که به حق معترضشان میشوید همصدا میشوید و مردم ایران را که زیر خفکان سیاسی هر روز سرکوب میشوند، کور و کر و کودن فرض مینمایند و زبان فریب بکار میبرید و میخواهید بسان ملای فریبکار ده که عکس مار را که تصویر بود به جای کلمه مار به مردم بنمایند؟ آیا خود غافلید که وقتی حقیقت را با لباس باطل می پوشانید، حقیقت با رسوا کردن شما خود را از آن لباس بیرون می آورد؟ شما که این عکس را هرگز فراموش نمیکند در این کار با انصار حزب الله در فراموش نکردن تصویر دکتر مصدق در حال بوسیدن دست ثریا، همسر شاه و منطقشان مشترک نیستید؟ به خاطر دارم که در مراسم یاد بود ۱۴ اسفند ۵۹ که در دانشگاه تهران برگزار شد و از سوی نظام ولایت مطلقه، غائله ۱۴ اسفند نام گرفت برای مقاله با آقای بنی صدر همین تصویر دکتر مصدق در دست عناصر چماقدار حزب جمهوری اسلامی و اعوان و انصار استبداد در احتزاز بود - آیا فکر نمیکند که شما با علم کردن تصویر آقای بنی صدر و آقای خمینی همان قصد را دارید؟ شما که صحنه و تصویر بوسیدن دست آقای خمینی توسط بنی صدر را به یاد دارید، کلمه ای از سخنان بنی صدر را در همان روز، که باعث خشم خمینی و در نتیجه سانسور آن مراسم از سوی رادیو و تلویزیون شد را بخاطر دارید؟ آیا می دانید او در آن سخنرانی از حاکمیت مردم سخن گفت؟ آیا شما نمی دانید که مردم ایران است که می خواهید پرده فراموشی بپوشانید؟ شما سخنان او را که در سخنرانی های متعدد خود از جمله در ۱۴ اسفند ۵۹ در دفاع از حقوق مردم ایراد میکرد به خاطر دارید؟ شما مخالفت او را با اعداها که بعضا به درگیری لفظی با آقای خمینی منجر میشد را به خاطر دارید؟ شما کلام و یا رفتاری از او شنیده و یا دیده اید که ذره ای به استقلال و آزادی و حق

حاکمیت مردم خدشه وارد کرده باشد؟ اگر نه و صرفا با دیدن این عکس به قضاوت نشسته اید و دیگران را بدان فرا میخوانید فکر نمیکند اگر منصفید و واقعا دل در گرو استقلال و آزادی ایران دارید، باید در کار خود اندیشه کنید؟ اگر آری که شما در کار فریب چنان پیش رفته اید که خود را نیز فریب داده اید و دارید درست در راه همان قدرت ها قدم بر میدارید که شما نشان میزنید. به خاطر شما و دیگر خوانندگان می آورم که آقای بنی صدر اگر راه قدرت را بر میگزید بهترین شخص بود تا از رانت آقای خمینی بهره برد و نوبت به امثال رفسنجانی و خامنه ای نرسید ولی او با اعتقاد راسخ به آزادی و استقلال ایران و حقوق ملی ایرانیان و سرنوشت حال و آینده کشور به راه مردم رفت و از ریاست جمهوری نظامی که به راه استبداد رفت چشم پوشید و با جلای وطن، زندگی در غربت و سختی آن را به در قدرت ماندن و به استبداد حکومت کردن ترجیح داد. او اینک در میان شخصیت های ملی ایران تنها کسی است که علاوه بر اعتقاد و ایستادگی بر اصول خدشه ناپذیر استقلال و آزادی و اعتماد به مردم، (مگر راه مصدق غیر از این بود؟)، بخواهید و یا نخواهید منتخب مردم این نیز هست و بدین صفت از دیگر رهروان راه استقلال و آزادی ایران، تا انتخابی دیگر ممتاز گشته است. در آخرین روزهای تقابل او با استبداد، پس از دیدار با آقای خمینی، پیشنهاد کرد که مقبولیت مجلس و نخست وزیری آقای رجایی را به مردم و فرارندوم واگذارند از آنجا که احزاب مختلف از جمله جبهه ملی نیز حمایت خود را از رئیس جمهور اعلام و مردم را به تظاهرات در روز ۲۵ خرداد دعوت کردند و آقای خمینی با گزارشاتی که از جمله توسط بهزاد نبوی به او رسیده بود دریافت بود که اگر مردم به خیابان بیابند پایان خواب و کار او برای استقرار ولایت فقیه و استبداد دینی گسترده فرا میرسد و با توجه به کینه ای که نسبت به ملیون و بخصوص دکتر مصدق داشت سخنرانی کرد و از جمله گفت: «...من آن چیزی که بسیار مورد تعجب است، این نیست که در اعلامیه "جبهه ملی" برای لایحه "غیر انسانی" (به اصطلاح او) قصاص، یعنی حکم غیر انسانی قرآن، یعنی حکم غیر انسانی اسلام، اعلامیه بدهند و مردم را دعوت کنند که ایها الناس بیایید، در مقابل اسلام قیام کنید و استقامت کنید، من از آنها همچو توفقی داشتم و دارم اما بعضی که اعلامیه دادند و تأیید کردند این راهپیمایی ها را، آیا خوانده اند این اعلامیه های "جبهه ملی" را؟ دیده اند، که به این راهپیمایی دعوت کرده اند؟ و یکی از انگیزه های آنها این است که بیاید مقابل قرآن قیام کنید؟ منتها لفظش را نگفتند و واقع صریحش همین است. اگر آنها خواندند این را، غفلت کردند از اینکه این راهپیمایی برای مقابله با اسلام است؛ برای مقابله با جمهوری اسلامی است؛ و برای مقابله با حکومت اسلام است. من عجالتا کار ندارم که آیا دولت آقای رجایی یک دولت فعال است یا نه و آیا کارهایی کرده است که باید در مقابل او ایستاد یا نه؛ و کار ندارم به اینکه مجلس شورای اسلامی آیا یک مجلسی است که از ملت است یا نه؛ و کار ندارم به اینکه قوه قضائیه آیا به تکالیفش عمل می کند یا نه؛ به اینها من کاری ندارم؛ و اگر راهپیمایی هم فقط

برای راهنمایی مردم بود، آن هم صحبتی نبود، و ممکن بود که عمل بشود؛ اما راهپیمایی در مقابل اسلام! در مقابل صریح قرآن! در مقابل حکم ضروری اسلام! این را چه جور تعبیر کنیم؟ باز من کار ندارم به "جبهه ملی" با اینکه بعضی افرادش شاید افرادی باشند که مسلمان باشند؛ لکن من کار دارم به آنهایی که پیوند کرده اند با این جبهه؛ پیوند کرده اند با منافقین؛ پیوند کرده اند با منحرفین. من با اینها کار دارم که شمایی که متدین هستید و مدعی تدین چه توجیهی از این معنا دارید؟ آیا تکلیف شرعی فقط این است که در مقابل مجلس و دولت اعلامیه صادر کنید! در تمام تکلیف های شرعی که شما احساس کردید همین تکلیف شرعی را دارید که مردم را دعوت کنید به شورش در مقابل دولت اسلامی، در مقابل مجلس شورای اسلامی؟ نهی از منکر و امر به معروف فقط منحصر است به همین که دولت اسلامی را نهی و امر بکنید؛ آن هم با آن کوبندگی؟! و آن هم دعوت به قیام؟! آن هم دعوت به شورش؟! در مقابل این اعلامیه "جبهه ملی" که مخالف نص قرآن مجید است، در مقابل این که مردم را دعوت کرده است به راهپیمایی در مقابل قانون الهی، تکلیف دیگر ندارید شما؟ آقایان تمام تکلیف ها را به جا آوردند و عمل کردند، فقط یک تکلیف مانده و آن جمهوری اسلامی را به هم زدن؟! تمام تکلیف های که بر ما و شما متوجه است، چه از قشر نویسندگان و روشنفکران و جبهه ها و نهضتها و سایرین، تمام تکالیف فقط منحصر به این شده است که این جمهوری اسلامی را در خارج از کشور طور دیگری که هست نمایش بدهید و مردم را دعوت کنید که بر خلاف جمهوری اسلامی شورش کنند؟! دیگر همه چیز درست شده است، فقط این یکی مانده؟! در وقتی که سرتاسر ایران آشوبگران مشغول آشوب هستند، منافقان مشغول فعالیت هستند و ابتلا به جنگ با قدرتهای بزرگ داریم و مملکت ما آنجا مبتلا به جنگ است و در داخل مبتلا به این دستجات مختلفی است که به بهانه اسم شماها در خیابانها می ریزند و جوانان ما را زخمی می کنند و گاهی هم می کشند، اینها نهی از منکر نمی خواهد؟ اینها را دعوت به شورش می کنید این امر به منکر نیست؟ این امر به فساد نیست؟...»

آقای خمینی از جمله، در همین روز بود که گفت: ۳۵ میلیون بگویند بله من میگویم نه! البته در اعلامیه جبهه ملی و فراخوان آنها صحبتی از قانون قصاص به میان نیست و آقای خمینی اعتراض آنان به تصویب قوانین ناقص حقوق بشر را این گونه تعبیر کرد تا با استناد بشر را آن با بهره گیری از منطق صوری و به بهانه دفاع از شریعت اسلام دستور سرکوب مردم را صادر نماید. شما مدعیان فکر نمیکند اگر آقای بنی صدر قدرت طلب بود و حکومت کردن را به هر قیمتی میخواست فرصتی بهتر از این نبود تا "مزاحمت" گروه ها را کم کند (چیزی که خمینی بارها از او خواست) و با خیال راحت قبای ریاست مطلقه را به تن نماید؟ هنوز بعد از نزدیک به سی سال چه چیز را بر او نمی بخشید؟ حقوقمداری او را با کوتاه نیامدن و ایستادگی بر سر اصول را ویا اعتقاد او به اسلام را؟ او که با صراحت میگوید لا اکراه در دین پایه باور اوست. راستی از چه می هراسید؟ دلیلی برای همزمانی حمله و تخریب او با همدریف کردنش با توده ایها و فرقه رجوی و... با بحث های اخیر که در ایران در باره او در رسانه های استبدادی که به دنبال اعتراف سران نظامی مبنی بر دروغ خواندن نسبت خیانت به بنی صدر بالاگرفته است دارید؟ اما راه مصدق به شعار و ادعا نیست به کردار و عمل است که مشخص میشود.

اشتراک یکت ساله: اروپا ۳۵ و خارج از اروپا ۳۸ اورو، اشتراک شش ماهه: اروپا ۱۸ و خارج از اروپا ۲۰ اورو و لطفاً کتبی و چک نفرستید، وجه اشتراک را نقد و با پست سفارشی یا بچاسب بانک واریز فرمائید.

Nr. 700 23 June - 6 July 2008.

درج مقالات الزاماً دیدگاه نشریه انقلاب اسلامی نیست و تنها بعنوان بحث آزاد تلقی میسرود.

آیا پیامبری در بند زمان و مکان و زبان و قومیت و فرهنگ خاصی است ؟

۲/۵ برفرض که نزدیک به تمام اعضای جامعه در بند روابط قوا و در حکم دولت استبدادبان باشند، بیان آزادی باید روش زندگی در آزادی را برای حتی یک تن که در جهنم استبداد است، ممکن گرداند (۲۴).

این دو کار، در جامعه عرب آن روز شدنی شدند. در جامعه های امروز، گرچه مشکل تر اما بازممکن شدند. هرکس بر آن شود موازنه عدمی را اصل راهنما کند و بیان آزادی را اندیشه راهنما بگرداند، به تجربه خواهد دید که چنین کاری شدنی است و آتش روابط قوا بر او نیز سرد می شود.

۳/۵ یکبار دیگر یادآور شوم که حتی اگر یک تن زندگی در آزادی را برگزیند و با استبدادبان در زورمداری شریک نگردد، به میزانی که بیان حق می شود و استواری نشان می دهد، وجدان همگانی را بر می انگیزد و تحول را میسر می سازد. از ابراهیم (ع) تا محمد (ص)، تجربه پیروز پیامبران، آزمونهای موفق این آموزه هستند. از آن پس تا امروز، نیز، هر نوبت، که میان نماد استقلال و آزادی و جامعه چنین رابطه ای برقرار شده است، جامعه تغییر کرده و نظام اجتماعی خویش را تغییر داده و پیشگام تغییر در مقیاس جهان گشته است.

۶. بدین قرار، پیام آزادی اعلان آزادی انسانها از نخبه گرانی است (۲۵) که از عوامل از خود بیگانه شدن تمامی دینها از بیان آزادی به بیان قدرت بوده اند. انسانهایی که در نگاه زورمداران در عداد حیوانات بشمار می آیند و بدین باور که سرنوشت آنها اطاعت از ارباب قدرت است، «جهان تا جهان را جای زور» گردانده اند و خود به آتش بیداد سوخته اند، می باید آزاد شوند تا وارثان و امامان جهان بگردند. قرآن، نخستین و تنها کتابی است که انسان را از بندهای نژادی و ملی و قومی و جنسی و... می رهد و مخاطب خدا، همانا انسان را، خلیفه خدا در روی زمین می گرداند و میان او و خدا، حایل شدن پیامبر را نیز روا نمی بیند. این آموزه در جامعه های امروز که «نخبه ها» دم از ولایت مطلقه می زنند، بیش از همه، به انسانها کمک می کند به کار مستقل و آزاد کردن خود آیند.

۷. و از آنجا که قدرت، بنا بر نیازهای روز به روز، نیازمند احکام ضد و نقیض می شود، به ترتیبی که در تشریح بیان آزادی گذشت، در بعدهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و در رابطه انسان با محیط زیست، پیامبری تعیین احکام ثابت (اصول راهنما) و احکام متغیر است. در این جا، یادآور می شود که از خود بیگانه کردن بیان آزادی در بیان

قدرت، تنها با نگاه داشتن کلمه و تغییر معنی آن به انجام نمی رسد. پرده فراموشی کشیدن بر اصول راهنما در هر یک از قلمروها نیرنگی است که بدان می توان بیان آزادی را در بیان قدرت از خود بیگانه کرد. برای مثال، نزدیک به تمام اصول راهنمای قضاوت که در قرآن ردیف شده اند یا به دست فراموشی سپرده شده اند و یا بلا اجرا هستند. در عوض، بر عناوین جرائم مقرر در قرآن، تا بخواهی افزوده اند. در جای خود به این امر واقع، باز می پردازم.

و اینک می پرسم: فرض کنیم در جهان امروز، بناست چنین پیامبری ای رخ دهد. آن جامعه ای که، در آن، این پیامبری می تواند موفق شود و تجربه موفقش می تواند بکار جهانیان بیاید، کدام است؟ در سالهای پیش از انقلاب، پاسخ این جانب به این پرسش این بود که جامعه ایرانی چنین جامعه ایست. به رغم کودتای ملاتاریا و بلا و مصیبت های گوناگون که بر ایران فرود آمده است هنوز بر این نظر هستم ، و با این امید، همه روز می کوشم.

۱ - Robert K. Merton, Social Theory and Social Structure, The Free Press, New York 1968

مرتون در قسمت اول کتاب به جامعه شناسی نظری می پردازد و در قسمت دوم آن، ساخت اجتماعی و فرهنگی را مطالعه می کند و نظر خویش را در باره پیامبری که خود به خویشتن تحقق می بخشد و یا خود خویشتن را ویران می سازد، را بسط می دهد. فیلسوف و جامعه شناس فرانسوی، هابز برگسون نیز، در کتاب Les Deux sources de la morale et de la religion جامعه ها را در جامعه های باز و بسته و دین ها را به پویا و ایستا، از یکدیگر تمیز می دهد. از دید او، دین پویا دینی است که بشریت را به یک چشم می نگرد و رهنمودهایش جهان شمول هستند.

۲ - در لغت، پیامبری آینده بینی و آینده سنجی معنی می دهد. و تعریفی که بر آن بیشتر اهل نظر موافقت پیش بینی آینده و پیشنهاد آینده است. نگاه کنید به Encyclopedia Universalisme d'Orient

۳ - قرآن، سوره های انشاء، آیه های ۸۹ و ۹۷ و ۱۰۰ و انفال، آیه های ۷۲ و ۷۴ و ۷۵ و توبه، آیه ۲۰ و... ۴ - قرآن، سوره انسان، آیه ۳ ۵ - قرآن، سوره های جن، آیه ۱۴ و ۲۹، غافر، ۶ - قرآن، سوره قصص، آیه ۵۶ ۷ - در باره تمدن سومر و مردم سالاری آن، کتابهای بسیار، در پی هم انتشار یافته است. کتابی که موجب آشنائی این جانب با مردم سالاری سومر شد این کتاب است : Sumer, première Hamdani انتشارات Famot در ژنو، ۱۹۷۷. شهر اور، زادگاه ابراهیم در سومر بود (صفحه های ۱۱ و ۲۳ و ۲۴ و ۹۰ کتاب) و کتاب عمده به دموکراسی سومر و به روابط دین و دولت و چگونگی پایان پذیرفتن دموکراسی سومر بر اثر حمله نظامی از بیرون می پردازد.

۸ - نگاه کنید به بخش اول، فصل اول، جلد اول Le Zend - Avesta ترجمه استاد کولژ دو فرانس، جیمس دارمستتر James Darmesteter Librairie d'Amerique et d'Orient

۹ - نگاه کنید به پیش گفتار، صفحات یازده تا هجده جلد اول کتاب اوستا، کهن ترین سرودهای ایرانیان، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، تهران، انتشارت مروارید، ۱۳۷۷.

۱۰ - قرآن، سوره شوری آیه ۱۳ ۱۱ - اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان، صفحات سی و نه و چهل پیشگفتار و یادآوری در آغاز دفتر یکم گاهان.

۱۲ - قرآن، سوره های روم، آیه های ۱ تا آیه ۴۴ و قرآن سوره توبه، آیه های ۱۰۷ تا ۱۱۰

۱۳ - قرآن، سوره قصص، آیه ۵ ۱۴ - Encyclopedia Universalisme d'Orient دیل کلمه Prophétisme و آنها که بخوانند از آراء در باره دیالکتیک آگاه شوند، می توانند به کتاب تضاد و توحید نوشته ابوالحسن بنی صدر مراجعه کنند.

۱۵ - قرآن، سوره رعد، آیه ۱۱ ۱۶ - قرآن، سوره شوری، آیه ۳۸ ۱۷ - قرآن، سوره حجرات، آیه ۱۳

۱۸ - به کتاب سیاست اثر ارسطو مراجعه کنید. و برای آگاهی از نظرها و باورها در باره زن، نگاه کنید به زن و زنانشوئی از ابوالحسن بنی صدر ۱۹ - قرآن، سوره کوثر. در باره فضل های زن نگاه کنید به زن و زنانشوئی، چاپ دوم ، از صفحه ۱۶۴ تا ۲۱۰ کتاب.

۲۰ - کتاب انسان، حق، قضاوت و حقوق انسان از ابوالحسن بنی صدر، حق اختلاف صفحات ۱۵۴ و ۱۵۵ و قرآن، سوره کافرون.

۲۱ - کتاب، حق، قضاوت و حقوق انسان، حق صلح، صفحه های ۱۴۳ تا ۱۴۵ و نقد ابوالحسن بنی صدر بر کتاب جنگ و جهاد در قرآن نوشته مصباح یزدی که آنلاین در دسترس است.

۲۲ - قرآن، سوره های اعراف، آیه های ۹۶ تا ۱۴۱ و اسراء، آیه ۱۶ و انبیاء، آیه های ۶ تا ۱۵ و شعراء، آیه ۲۰۸ و حج، آیه های ۴۲ تا ۴۹.

۲۳ - قرآن فراوان به تعاون ها در نیکی و تقوی و مسابقه ها در دانش و دادگری و رشد خواننده است و آیه ها در این باره پر شمار هستند. در باره مسابقه و تعاون در کسب دانش و رشد، خواننده می تواند به فصل چهارم اصول راهنمای اسلام نیز رجوع کند.

۲۴ - تجربه های پیامبران، همه تجربه های انسانهایی هستند که دورانی از زندگی را در آتشی زیسته اند که قدرتمندان برافروخته و آنان را در آن افکنده بودند تا بسوزند. اما آتش بر ابراهیم (س) سرد شد و دوران سه ساله بعثت محمد (ص) برای او و آنها که با او هم باور شده بودند، دورانی شد که آنها به یمن اصل راهنما کردن موازنه عدمی، در استقلال و آزادی و رشد زیستند.

۲۵ - قرآن، سوره عبس که روشی را می آموزد که امروز بسا بیشتر از گذشته بکار می آید.

امور خارج از محدوده رسالت و پیامبری در قرآن - ۷

حکومت چیزی جز انتخاب مردم نیست و امر حکومت امر مردم است و حاکم کسی که مردم او را برای اداره امور خود انتخاب کرده باشند، خود به وضوح می رساند موضوع امامت غیر از حکومت و رهبری سیاسی مردم است. حضرت علی به عنوان زعامت و رهبری سیاسی مردم، مردم او را به عنوان خلیفه چهارم بعد از قتل عثمان برای رهبری سیاسی و امیر خود انتخاب کردند، یعنی ۱۷-۱۶ سال بعد از فوت پیامبر. بنابراین در مدتی که حضرت رهبر سیاسی یا خلیفه نبوده ، امام نبوده اند ؟ چرا امام بوده اند.

در تمام دوران خلافت پنجساله حضرت ، حتی یک مورد را نمی توان سراغ داد که آن حضرت مدعی شده باشند که امارت و حکومت را خداوند ارزانی داشته اند فقط یکبار از دو خلیفه اول ، از این که آن ها می دانستند که حضرت نسبت به آنها به امر خلافت عالمترب، اذانترب و اصلح تر است و حق وی را نشناخته ، تحت نام فلان کله کرده و فرمودند : " هان به خدا سوگند فلان جامعه خلافت را ناروا بر تن خود بیاراست در حالی که به خوبی می دانست شایستگی من به این پایگاه همچون بایستگی میله است برای سنگ آسیاب و پس از مرگش آن را به پیوند دیگری درآورد . گویی پستان شتر است که شیرش را دست بدست می بخشند"۳۴

در حقیقت حضرت افسوس می خورند که با وجود شخص شایسته شناخت شده ای ، افراد ناشایسته تری برمسند خلافت تکیه زدند و حتی از این که اولی بدون واگذاری امر خلافت ، به تصمیم شورای مردم ، طبق وصیت آن را به دیگری واگذار کرد و خلافت را به راهی دشوار و سنگلاخ انداخت ، افسوس و غیظه می خورند.

بنابراین حکومت و رهبری سیاسی پیامبر و حضرت علی(ع) تجسم عینی یک الگوی مردمی برای جوامع انسانی که در آن شاهین عدالت و داد لتقوم للناس بالقسط۳۳ و آزادی لا اکراه فی الدین۳۳ که هدف اصلی انبیا است در آن درخشنده و تابنده است. و سمرشق برای گستردن عدالت و آزادی در سطح جهان است و نه وسیله دست یابی به قدرت و یا ایجاد ولایت مطلقه و سلطه بر مردم نه سلطنت و نه ولایت مطلقه فقیه یا پاپ هیچکدام ودیعه الهی نبوده است و هیچکس را نباید که به نام خدا و دین او بر مردم ولایت و آنهاهم مطلقه داشته باشد. ولایت برای اداره زندگی مردم در محدوده جغرافیایی - سیاسی ، از آن خود مردم است. نه تنها در جهان مسیحیت از متن تعلیمات حضرت مسیح دولت سازی امکان پذیر نبود ، بعد از پیامبر هم، برای حضرت علی(ع) و مردم معنای خلافت و شورا روشن بوده است که خلافت صرفاً یک مفهوم

سیاسی غیر الهی برای زمامداری امور مردم است که از سوی مردم و شورای مردمی به کسی تفویض می شود و این امر به کلی از مقام امامت که یک مقام و منصب الهی است و از تحلیل منطقی و عقلانی رسالت به دست می آید ، جداست . وبه همین علت حضرت علی (ع) کوچک ترین ادعائی که خلافت و رهبری سیاسی امت اسلامی امری الهی که به ایشان واگذار شده است نداشته اند. اما به عنوان این که شایسته ترین فرد و اصلح برای خلافت است و شورای شایسته مردمی برای انتخاب خلیفه و زمامدار مسلمین برگزار نشده است و از این نگاه حق او را نشناخته اند، مدعی بوده اند و تاریخ نیز بر صحت این مدعا گواهی می دهد.

از متن نبوت حضرت رسول و امامت حضرت علی ولایت مطلقه بر نمی آید. بلکه ولایت مطلقه و یا هر ولایت دیگر تحت نام دین، دقیقاً ضد رسالت الهی مقام نبوت و امامت است. بنابراین در جامعه و برای اداره زندگی مردم ، نیروی مردم منشاء حکومت است و با انتخاب مردم است که کسانی می توانند حکومت برانند . نیروی و سرچشمه دین که از بنیاد رسالت و امامت سرچشمه می گیرد، وظیفه اش ابلاغ اوامر و نواهی الهی است و نه چیز دیگر .

علمای دین و بنیادهای دینی که بر پایه همان نقش نبوت و امامت سرچشمه گرفته اند، باز وظیفه اشان ارشاد، انداز و ابلاغ است.

این دو نیرو در جامعه بایستی با پیای هم و بدون تداخل مستقیم در امور یکدیگر جامعه را به سوی فلاح و رستگاری پیش برانند.

رسالت و هدف و وظیفه اساسی علمای دین ابلاغ پیام دین است و نه سلطه بر مردم بنام دین. کار آن ها نشان دادن راه رشد و سعادت و تمیز آن از راه ستمگری و جباریت و سلطه گری است. آموزش دین نشان دادن این دو راه با ضابطه های مشخص آنست. دادن معیار و سنجش راه بی کران معنویت به سوی خداوند و راه افول به جباریت و ستمگری است و برای اجرای این مسئولیت خطیر باید قادر باشند از وسایل و امکانات مورد نیاز زمانه بهره برداری می کنند و وسایل شکستن سانسورهای مختلف و ممانعت از برقراری سانسور را برای نشان دادن راه در اختیار داشته باشند در این چنین برداشتی است که دین و دولت با هم نوعی رابطه برقرار می کنند و دولت نیز موظف است امکانات ارشاد و تبلیغ و نیز وسایل شکستن سانسوری و ممانعت از برقراری سانسور را در اختیار بنیادهای دینی بگذارد و در این امر خود نیز از آنها حمایت و پشتیبانی کند. ما بقی امور به دست خود مردم است و مردم هستند که با اختیار و در کمال آزادی باید سرنوشت خود را رقم بزنند و هیچ فرد، بنیاد ، شخصیت و ساختاری را نباید که مستقیم و یا غیر مستقیم حق خدا دادی رقم زدن سرنوشت مردم به دست خود مردم را از آنها سلب کند.